

چه رفت بر زبان مرا  
که شرم باد از آن مرا؟  
به یک دل و به یک زبان  
دوگانگی چرا کنم؟  
ز عمر سهم بیشتر  
ریا نکرده شد به سر  
بدین که مانده مختصر  
دگر چرا ریا کنم؟

سیمین بهبهانی

زاده ۲۸ تیر ۱۳۰۶ تهران - درگذشته ۲۸ مرداد ۱۳۹۳ تهران

## Global Rug Specialist

شستشو، ترمیم، خرید، فروش و ارزیابی انواع فرش



825 W El Camino Real, Mountain View

(650) 965-7847 + (408) 892-7847

## Selahi Insurance Agency

مشاور شما در انتخاب بهترین بیمه،  
متناسب با نیازهای شخصی و تجاری،  
از معتبرترین شرکت ها

سلامتی و دندانپزشکی + مسکن + اتومبیل، قایق و  
موتورسیکلت + محل کسب + عمر و هزینه فوت

(408) 931-6434

4030 Moorpark Ave., Ste. 250, San Jose, CA



سحر سلاحي

# فرهنگسرا و مدرسه فارسی رازی



فرهنگسرا و مدرسه فارسی رازی از شما عزیزان برای شرکت در جشن مهرگان که از سنت های نیک گذشتگانمان است دعوت بعمل می آورد!

تاریخ: ۴ اکتبر ساعت: ۱۲ ظهر الی ۵ بعد از ظهر ورود برای عموم رایگان

تئاتر، موسیقی ایرانی، رقص، گروه بشکن، دی جی علیرضا و سفره مهرگان

برای فروش: غذای ایرانی توسط کیتترینگ رز مارکت، بستنی و فالوده گل نظر

با همکاری شاعر و نویسنده، مسعود سپند

زمان: جمعه ۱۰ اکتبر ساعت: ۶:۳۰ عصر ورودیه: ۴ دلار

با صرف چای، قهوه و شیرینی



آموزش فارسی، تمامی سازهای موسیقی ایرانی، آواز خوانی، آرف، ایران شناسی، رقص ایرانی، یوگا، زومبا، کامپیوتر، نقاشی، کاردستی، سلفژ و غیره، تحت نظر مدرسین و نوازندگان با تجربه و چیره دست!

\*کلاس های موسیقی توسط متخصصین هر ساز موسیقی

\*دو ماه کلاس های فارسی به طور رایگان. برای اطلاعات بیشتر لطفا با دفتر مدرسه تماس حاصل فرمایید

ما مفتخر هستیم که بعضی از اساتید فرهنگسرای رازی برندگان جوایز بین المللی هستند!

Like us on Facebook:

Razi Farsi School & Art Academy

[www.raziacademy.com](http://www.raziacademy.com)

[info@raziacademy.com](mailto:info@raziacademy.com)

(408) 828-8494



DESIGN & COPYRIGHT BY: PEZHVAK OF PERSIA

4125 Blackford Ave. #145, San Jose, CA 95117

# پیام شایانی وکیل تصادفات و صدمات شدید بدنی

(800) 261-1314

- ♦ تصادفات رانندگی
- ♦ صدمات ناشی از کار
- ♦ زمین خوردگی
- ♦ صدمات منجر به مرگ
- ♦ حمله حیوانات

Payam Mark Shayani, ESQ  
Accident Attorney

Auto, Motorcycle, Pedestrian, Slip & Fall, Work Injury

**(916)442-9999**

980 9th Street, 16th Floor  
Sacramento, CA 95814

**(408)777-8867**

2880 Zanker Road, Suite 203  
San Jose, CA 95134

**(925)777-0432**

425 Market Street, Suite 200  
San Francisco, CA 94105

## زنده یاد بانو سیمین بهبهانی، «نیمای غزل»

سیمین خلیلی معروف به سیمین بهبهانی (به لحاظ نام فامیل شوهر) (زاده ۲۸ تیر ۱۳۰۶ تهران - درگذشته ۲۸ مرداد ۱۳۹۳ تهران) نویسنده و غزل‌سرای معاصر ایرانی بود. او به خاطر سرودن غزل فارسی در وزن‌های بی‌سابقه به «نیمای غزل» معروف است. وی فرزند عباس خلیلی (شاعر و نویسنده و مدیر روزنامه اقدام) که از رهبران مشروطه بود. پدرسیمین به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌گفت و حدود ۱۱۰۰ بیت از ابیات شاهنامه فردوسی را به عربی ترجمه کرده بود و در ضمن رمان‌های متعددی را هم به رشته تحریر درآورد که همگی به چاپ رسیدند.

با منوچهر کوشیار ازدواج نمود. او سال‌ها در آموزش و پرورش با سمت دبیری به فرزندان این آب و خاک خدمت کرد. او در سال ۱۳۳۷ وارد دانشکده حقوق شد، حال آنکه در رشته ادبیات نیز قبول



شده بود. در همان دوران دانشجویی بود که با منوچهر کوشیار آشنا شد و با او ازدواج کرد. سیمین بهبهانی سی سال-از سال ۱۳۳۰ تا سال ۱۳۶۰- تنها به تدریس اشتغال داشت و حتی شغلی مرتبط با رشته حقوق را قبول نکرد.

در ۱۳۴۸ به عضویت شورای شعر و موسیقی در آمد. سیمین بهبهانی، هوشنگ ابتهاج، نادر نادرپور، یدالله رویایی، بیژن جلالی و فریدون مشیری این شورا را اداره می‌کردند. در سال ۱۳۵۷ سیمین عضویت در کانون نویسندگان ایران را پذیرفت.

در ۱۳۷۸ سازمان جهانی حقوق بشر در برلین مدال کارل فون اوسی یتسکی را به سیمین بهبهانی اهدا کرد. در همین سال نیز جایزه لیلیان هیلمن/دانشیل هامت را سازمان نظارت بر حقوق بشر (HRW) به

ممانعت ماموران امنیتی روبرو شد. ماموران با توقیف گذرنامه بهبهانی، به او اعلام کردند که ممنوع الخروج می‌باشد.

سیمین بهبهانی از موثرترین و مبتکرترین شاعران عرصه غزل معاصر بود. وی شاعری را از آغاز جوانی با سرودن غزلها و چهارپاره‌هایی کلاسیک و رمانتیک آغاز کرد که غالباً دارای مضامین عاشقانه و عواطف عریان زنانه - احساسات انسان دوستانه بودند. رفته رفته از دهه سی به بعد تحت تاثیر اشعار نو پردازان فرگه‌هایی از زبان و تخیل تازه‌ی رمانتیک در غزل‌های او پدیدار شد.

دنباله مطلب در صفحه ۵۶

صفحه ۱	تبلیغ
صفحه ۲	بانو سیمین بهبهانی- فهرست مطالب
صفحه ۳	اخبار
صفحه ۴	اخبار
صفحه ۵	اخبار
صفحه ۶	اخبار
صفحه ۷	اخبار
صفحه ۸	یک سینه سخن (مسعود سپند)
صفحه ۹	با هادی خرسندی
صفحه ۱۰	داستان مرگ رستم
صفحه ۱۱	تاریخ چه می‌گوید! (حسین جعفری)
صفحه ۱۲	چرا رفتی؟ چرا؟ من بی‌قرارم (هما گرامی-فره وشی)
صفحه ۱۳	کلیاتی که در مورد... (کاوه میرشبیعی)
صفحه ۱۴	ورزش از نگاه من (احمد طوسی)
صفحه ۱۵	حس زیبایی ۳۳ سالگی... (شهاب احقری)-اخبار
صفحه ۱۶	هفتتیم جشنواره فیلم‌های... (سعید شفا)
صفحه ۱۷	آشنا داند زبان آشنا (منصور محمدزاده)
صفحه ۱۸	سیر و سفری در گلستان ادب پارسی (پرویز نظامی)
صفحه ۱۹	مشقی تازه در روزهای غربت (حسینعلی مکنونی)
صفحه ۲۰	یادداشت‌های بی‌تاریخ (صدرالدین الهی)
صفحه ۲۱	تبلیغ
صفحه ۲۲	از در گوشی‌ها (پیرایه)
صفحه ۲۳	اقتباس ادبی در سینما (فرسیا اعتمادزاده)
صفحه ۲۴	گیله مرد (حسن رجب نژاد)-داستان
صفحه ۲۵	عواقب مالیاتی طلاق (کاملیا محمودی)
صفحه ۲۶	تازه‌های پزشکی (منوچهر سلجوقیان)
صفحه ۲۷	نکات مهم برای داشتن دندان سالم (میشل حق پناه)
صفحه ۲۸	انرژی مثبت=زندگی سالم و شاد(پرناز کدخدایان)
صفحه ۲۹	هیچوقت دیر نیست (آتوسا یکان)
صفحه ۳۰	تعطیلات تابستانی... (نعمه دوستدار)
صفحه ۳۱	افکار و اندیشه... (حسن مسیح پور)
صفحه ۳۲	پرسش ادبی (بهرام گرامی)
صفحه ۳۳	مریم میرزاخانمی
صفحه ۳۴	تقریم برنامه‌های هنری - جدول-معرفی بچه‌ها
صفحه ۳۵	نیازمندیها - فال ستارگان-جدول
صفحه ۳۶	تبلیغ
صفحه ۳۷	خیلی قدیم‌های تهران (عباس پناهی)
صفحه ۳۸	تبلیغ
صفحه ۳۹	گل نم (شیدوش باستانی)
صفحه ۴۰	شعر
صفحه ۴۱	تبلیغ
صفحه ۴۲	داستان
صفحه ۴۳	تبلیغ
صفحه ۴۴	تبلیغ
صفحه ۴۵	تا نظر شما چه باشد-ادامه داستان
صفحه ۴۶	دنباله مطلب
صفحه ۴۷	محله‌های تهران
صفحه ۴۸	تبلیغ
صفحه ۴۹	اخبار
صفحه ۵۰	اخبار-دنباله مطلب
صفحه ۵۱	تبلیغ
صفحه ۵۲	دنباله مطلب
صفحه ۵۳	دنباله مطلب
صفحه ۵۴	دنباله مطلب
صفحه ۵۵	دنباله مطلب
صفحه ۵۶	دنباله مطلب
صفحه ۵۷	انگلیسی
صفحه ۵۸	انگلیسی
صفحه ۵۹	انگلیسی
صفحه ۶۰	انگلیسی



### در خواست اشتراک نشریه پژواک

(408)221-8624

PO BOX 9804, SAN JOSE, CA 95157

شرایط آبونمان برای دریافت نشریه پژواک از طریق پست

در آمریکا: یکساله ۷۰ دلار خارج از آمریکا: یکساله ۱۱۰ دلار

برای اشتراک: نام، تلفن و آدرس کامل خود را به همراه چک به آدرس پستی پژواک (ارسال فرمایید).

### ماهنامه پژواک از سری انتشارات شرکت پژواک صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: افلیا پرویزاد

شماره تلفن: ۸۶۲۴-۲۲۱۱ (۴۰۸)

شماره فکس: ۳۷۱۷-۶۹۳ (۴۰۸)

آدرس مکاتبه با نشریه پژواک:

PO BOX 9804,

SAN JOSE, CA 95157

www.pezhvak.com www.irany.com e-mail: info@pezhvak.com

Pezhvak was compiled as carefully as possible. Pezhvak of Persia cannot guarantee the correctness of all information contained herein and does not accept responsibility for any errors or omissions.

## درگیری‌های نظامی در مرز سوریه و اسرائیل

شورشیان سوریه به طور رسمی کنترل یک پاسگاه مرزی در همسایگی بلندی‌های جولان را در دست گرفتند. در تیراندازی‌ها یک سرباز اسرائیلی زخمی شد و ارتش اسرائیل با شلیک به سوی پاسگاه‌های مرزی سوریه، پاسخ داد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، ارتش اسرائیل به دو پاسگاه مرزی سوریه حمله کرد. منابع نظامی اسرائیل گفته‌اند این حمله در پاسخ به «شلیک ناشی از جنگ داخلی سوریه» انجام شد اما به نظر نمی‌رسد که شلیک به سوی اسرائیل هدفمند بوده باشد.



منطقه مرزی سوریه و اسرائیل در جولان

پیش از آن، یک سرباز اسرائیلی بر اثر آتش‌باری از سوی سوریه زخمی شد. افزون بر آن، چندین نارنجک در بلندی‌های جولان منفجر شد. همچنین پنج موشک سوریه به بلندی‌های جولان شلیک شد اما همه متلاشی شدند. از سوی دیگر در جریان نبرد میان نیروهای دولتی سوریه و شورشیان، گذرگاه قنطره در مرز منطقه تحت کنترل اسرائیل در بلندی‌های جولان، به طور رسمی به دست شورشیان افتاد.

دیده‌بان حقوق بشر سوریه که مقر آن در لندن است اعلام کرد که در میان شورشیان حمله‌کننده به گذرگاه قنطره، گروه‌های تندرو اسلامی از جمله جبهه النصره وابسته به القاعده نیز دیده می‌شوند. شبه‌نظامیان پس از نبردهای سخت با ده‌ها کشته و زخمی، نیروهای دولتی سوریه را از این منطقه مرزی بیرون کردند. این درگیری‌ها در نزدیکی قنطره نیز ادامه داشت.

شورشیان سوریه پیش از این، در آغاز ماه ژوئیه نیز به مدت کوتاه کنترل قنطره را در اختیار گرفتند. آن‌ها شهرک‌های این منطقه را در اشغال خود دارند.

در پاییز دو سال پیش نیز گلوله‌های توپ و خمپاره به چند نقطه در منطقه هم‌مرز اسرائیل با سوریه پرتاب شد. اسرائیل در آن زمان نیز گفته بود که «به نظر می‌رسد این خمپاره‌ها در جریان درگیری میان ارتش سوریه و مخالفان اسرائیل شلیک شده باشند.»

پس از آن حمله بود که موشه یعلون، معاون نخست‌وزیر اسرائیل گفته بود: «اگر درگیری‌های سوریه به سمت مناطق مرزی با اسرائیل گسترش یابد ارتش اسرائیل از شهروندان و حاکمیت سرزمین خود دفاع خواهد کرد.»

## گروه داعش و رژیم سوریه به «جنایت علیه بشریت» متهم شدند

سازمان ملل متحد نیروهای داعش را به ارتکاب جنایت جنگی در سوریه متهم کرد و از سوی دیگر دمشق را متهم نمود که علیه مخالفان خود از گاز کلر استفاده کرده است.

رادیو فردا: به گزارش خبرگزاری رویترز، سازمان ملل در گزارشی که منتشر شده است، عنوان کرد که شبه نظامیان خلافت اسلامی با انتقال سلاح از عراق به سوریه، موازنه قدرت در سوریه را تغییر داده‌اند.



این گزارش می‌گوید شواهدی از اقدام حکومت سوریه در استفاده از گاز سمی کلر در هشت مورد وجود دارد که همه این موارد نیز در ماه آوریل روی داده است. ویتیت مونتاربورن، یکی از اعضای کمیسیون تحقیق سازمان ملل متحد، در همین زمینه اظهار داشت: «ما هر هشت موردی را که گفته می‌شود گاز کلر استفاده شده است، بررسی کردیم و اکنون بر اساس مستندات که

به دست آورده‌ایم، می‌توانیم بگوییم که این گاز کلر مربوط به بمب‌های بشکه‌ای بوده است که از هلیکوپترهای حکومتی در مناطق غیرنظامی فرود آمده است.» پائولو پینیرو، رییس کمیسیون تحقیق سازمان ملل متحد در سوریه، هم تأکید کرده که ارتش سوریه و نیروی هوایی این کشور همچنان مرتکب جرایمی جدی می‌شوند از جمله بمباران هوایی و پرتاب بمب‌های بشکه‌ای در حلب، درعا و حومه دمشق. وی همچنین گفت گزارش‌ها درباره ناپدید شدن مخالفان در سوریه، آزارهای جنسی در بازداشتگاه‌ها و بازداشت خویشاوندان مذکور مخالفان افزایش یافته است. سازمان ملل متحد اعلام کرد که در جریان جنگ داخلی سوریه تاکنون بیش از ۱۹۱ هزار نفر کشته شده‌اند.

**Threading & Hair Design by Haleh**

**سالن آرایش هاله**

**(650)242-6477**

\* کوتاه کردن مو \* رنگ \*های لایت \*بند ابرو \*آرایش صورت  
\*براق و شفاف کردن رنگ مو \*صاف کردن مو به روش کراتن  
\*Hair Cut \*Hair Color \*Highlights  
\*Threading \*Make Up \*High Gloss \*Keratin

**\$20 OFF**  
on Partial Highlights  
FREE Eyebrow Threading with Haircut  
Exp. 8/2014

www.halekhairdesign.com  
4060 S. El Camino Real, Suite A, Unit 26, San Mateo, CA

Let us build your custom dream home

**Ali's Construction & Remodeling**  
Fine Custom Homes, Design & Build • Kitchen & Bathroom Specialist

با مدیریت علی زمانی

**(408)-898-6474**

With more than 16 years of experience we guarantee to exceed your expectations.

نقشه کشی ساختمان، اخذ جواز کار، ساختن ساختمان جدید، اضافه کردن اتاق، نوسازی آشپزخانه و حمام

♦ New Custom Home ♦ Room Additions ♦ Bathroom ♦ Kitchen Remodel

با تخفیف مخصوص برای هموطنان عزیز  
www.alisconstruction.com  
1011 S. De Anza Blvd., Cupertino, CA

## پایگاه نظامی «ال طبقه» در رقه به دست داعش افتاد

در جنگ و گریز «داعش» برای تصرف فرودگاه نظامی «ال طبقه» در شرق سوریه، بیش از ۵۰۰ نفر جان خود را از دست دادند. همزمان و با وساطت قطر، یک خبرنگار آمریکایی از اسارت «جبهه النصره» آزاد شد.

سازمان نظارت بر حقوق بشر سوریه (مستقر در لندن) اعلام کرد که درگیری‌های خونین بر سر تصرف پایگاه هوایی و استراتژیک «ال طبقه» در رقه، ۳۴۶ شبه نظامی داعش کشته شده‌اند. این سازمان تعداد سربازان دولتی کشته شده را



۱۷۰ نفر و شمار مجروحان دو طرف را صدها نفر اعلام کرده است. داعش دست کم ۱۵۰ سرباز را نیز در نزدیکی فرودگاه یاد شده اسیر کرده است.

این فرودگاه نظامی پس از چند روز جنگ و گریز و محاصره از سوی گروه «دولت اسلامی» تصرف شد. استان رقه پایگاه اصلی شبه نظامیان داعش در سوریه است و فرودگاه «ال طبقه»، در ۴۵ کیلومتری شهر رقه آخرین پایگاه رژیم سوریه در این استان

## یک چهارم کشته شدگان غزه کودک هستند

طن ۵۱ روز درگیری بین اسرائیل و گروه‌های رادیکال فلسطینی که بالاخره عصر روز ۲۹ اوت به آتش بس نامحدود بین طرفین منتهی شد، ده‌ها کودک فلسطینی کشته شده‌اند که در میان آنان، نام ۱۸ نوزاد نیز وجود دارد. ده تن از این نوزادان پسر و هشت تن دختر هستند.

رایو فردا: در پی حملات مکرر اسرائیل به غزه از جمله به مناطق غیر نظامی چون مدارس، بیمارستان‌ها و مناطق مسکونی، به



گزارش مرکز حقوق بشری «میزان» ۵۳۶ کودک و به گزارش سازمان دیده‌بان حقوق بشر ۵۷۸ کودک در این منطقه کشته شده‌اند. غزه منطقه‌ای کوچک با تراکم بالای منازل مسکونی است که گریز افراد غیر نظامی از صدمات ناشی از بمباران را به سختی ممکن می‌کند. به همین دلیل گفته می‌شود یک چهارم از کشته شدگان درگیری‌های اخیر بین غزه و اسرائیل کودکان هستند. شماری از این کودکان و نوزادان در حالی کشته شده اند که

این فهرست به طور پیوسته تکمیل و تدقیق می‌شود. در بین این کودکان نام ۱۸ نوزاد به چشم می‌خورد که ۱۰ تن از آنان پسر و هشت تن دختر هستند. در میان این شمار از کشته شدگان، از نوزاد هفت روزه تا ده ماهه وجود دارد. نزدیک به دوسوم از این کودکان که در مناطقی چون شمال غزه، رفح و خان یونس کشته شده‌اند، پسر هستند. کشته شدگان، در رده‌های سنی مختلف بوده اند؛ از چند روزه تا ۱۷ ساله.

دنباله مطلب در صفحه ۵۱

BAS BEHNAM  
Accounting Solutions, Inc

دفتر حسابداری و امور مالیاتی بهنام

Accounting & Tax Services



✓ Integrity ✓ Respect  
✓ Commitment ✓ Expertise  
Advisor You Can Count On!

با داشتن ۲۸ سال تجربه کلیه امور حسابداری و مالیاتی شما را به بهترین وجه انجام می‌دهیم

Mitra Forozesh Behnam, MBA, RTRP, CRTP

- ♦ حسابداری و حسابرسی
- ♦ Accounting & Auditing
- ♦ برنامه ریزی مالیاتی
- ♦ Tax Consulting
- ♦ مالیات بر درآمد
- ♦ Tax Preparation
- ♦ کلیه امور حسابرسی
- ♦ Auditing Process, IRS, FTB, BOE, EDD

Work: (209)835-9655 (408)440-9622

Cell: (209)740-2764 Fax: (209)740-2764

www.behnamaccounting.com ♦ behnamaccounting@yahoo.com

504 W 11th Street, Tracy, CA 95376



تعمیر انواع موبایل و کامپیوتر

BayCoTech Group  
Bay Commercial Technical Group

قیمت استثنائی برای هموطنان عزیز



\* Cracked Screen Repair :

Iphone 4/4s	.....	\$45
Iphone 5	.....	\$70
Iphone 5c/5s	.....	\$85
Ipad 2	.....	\$60
Ipad 3/4	.....	\$70
Ipad Mini	.....	\$85
Ipad Air	.....	\$95

\* Unlock Factory

- \* Pc Repair ..... \$50+Part
- \* Mac Repair ..... \$80+Part

(408)459-0107

393 E Hamilton Ave., Suite 200, Campbell, CA 95008

www.baycotechgroup.com Info@baycotechgroup.com

## گروه داعش را بشناسید

دولت اسلامی که پیشتر خود را دولت اسلامی عراق و شام نامیده بود و بیشتر با نام اختصاری داعش شناخته می‌شود، گروهی شورشی فعال است که در عراق و سوریه حضور فعال دارد و خود را کشوری مستقل دانسته بخش‌هایی از شمال سوریه و عراق را در تصرف خود دارد. این گروه به رهبری ابوبکر البغدادی از جهادگرایان سلفی جداشده از شبکه القاعده تأسیس شده و با دولت‌های عراق و سوریه و گروه‌های مخالف دولت سوریه وارد جنگ شده است.

عراق محدود نمی‌شود و فعالیت‌هایی از او در اردن گزارش شده است، همچنین به دولت لبنان اعلان جنگ کرده است. داعش که پس از گرفتن موصل بیانیه تشکیل خلافت اسلامی با خلیفگی ابوبکر

داعش با دیگر گروه‌های قاعده از جمله جبهه نصرت می‌جنگد و القاعده نسبت داعش به خود را رد کرده است. داعش در پی تشکیل حکومتی اسلامی در سراسر سرزمین‌های اسلامی منطقه و حتی فراتر است. تخریب مسجدها و بناهای مذهبی و آرامگاه‌ها و حسینیه‌های مرتبط با شیعیان از جمله کارهای داعش در منطقه‌های تحت تصرفش است.

فعالیت نظامی داعش نخست در سوریه آغاز شد. داعش که از گروه‌های تندرو جدا شده بود موفق شد بخش‌هایی از شمال سوریه را تصرف کند و تقریباً سراسر استان رقه را تصاحب نماید. سپس همزمان با اقدام نظامی در سوریه به عراق حمله کرد و موفق شد رمادی و فلوجه مرکز استان انبار را در عراق بگیرد. در سال ۲۰۱۴ داعش با گسترش اقدام نظامی خویش توانست موصل دومین شهر عراق را تصرف کند و بخش زیادی از خاک عراق را نیز به دست آورد، از جمله تکریت. سپس در سوریه نیز پیشروی کرد و منطقه‌هایی که دست دیگر مخالفان نظام سوریه در استان‌های دیرالزور و حسکه بود را به دست آورد. تا ژوئیه حدود یک سوم خاک سوریه در تصرف داعش بوده است و بخش‌های زیادی از عراق را نیز در دست دارد. بیشتر بخش‌های نفت‌خیز سوریه و بسیاری از نفت‌خیز عراق را داعش در اختیار دارد. البته فعالیت‌های داعش تنها به سوریه و

ابومصعب زرقاوی می‌باشد. گروه زرقاوی جزو القاعده بود و سال ۲۰۰۶ در عراق کشته شد. او در اعلامیه‌های خود همواره به فتوای ابن تیمیه استناد می‌کرد. خلیفه موصل نیز خود را دنباله رو ابن تیمیه می‌داند. ابن تیمیه پدر معنوی همه گروه‌های جهادی است. افکار او روشن و صریح است. او با اندیشه و عقل بکلی مخالف است مگر اینکه آن فکر و اندیشه در راستای تأیید نقل و احادیث باشد. او هرگونه تعامل با کفار و مشرکین را حرام می‌داند. او از جمله تفکرات اسلامی شیعیان را نیز مردود و آنها را کافر می‌داند. گروه‌های جهادی



بغدادی را صادر کرد و فعالیت‌های حکومتی خود را که از پیش بیشتر در سوریه آغاز شده بود گسترش داد (از جمله این اقدام‌ها چاپ اسکناس با واحد دینار داعش و گذرنامه، درست کردن پلیس، صدور نفت، راه‌اندازی شبکه تلویزیون، برگزاری گشت‌های گردشگری است)؛ نام خود را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. دولت اسلامی در مدت کوتاهی بدلیل قانون‌های سختگیرانه و مجازات‌های سنگین شهرت جهانی پیدا کرد.

داعش در واقع ادامه تشکیلاتی یک گروه از سلفی‌های جهادی در عراق به رهبری

برپایی حکومت دینی و اجرای شریعت اسلامی را وظیفه شرعی خود می‌داند. داعش بخاطر تفسیر و قرائت خشن وهابیت از اسلام و خشونت وحشیانه‌اش برضد شیعه و مسیحیان معروف است و به قدری تندرو و سخت‌گیر است که با دیگر گروه‌های اسلام‌گرای سلفی از جمله جبهه النصره شاخه رسمی القاعده در سوریه نیز درگیر جنگ شده و در فوریه ۲۰۱۴ ایمن الظواهری، رهبر القاعده به‌طور رسمی هر گونه انتساب این گروه به القاعده را رد کرده است.

داعش در شهرهای تحت سلطه خود از جمله رقه سوریه قوانین سفت و سخت

مبتنی بر شریعت را اجرا می‌کند. دستان دزدها در ملاء عام قطع می‌شود، هر روز اعدام‌های گروهی در خیابان رخ می‌دهد و زنها حتی اجازه مراجعه به پزشک هم ندارند. داعش در سوریه بلافاصله دفاتری با عنوان «حصبه» راه‌اندازی کرد تا بر اجرای شریعت اسلام نظارت کند. دفاتر دیگری هم با نام «دعوا» راه‌اندازی شد تا ایدئولوژی داعش را تبیین و تبلیغ کند. نیروهای این گروه اسلام‌گرای تندرو عکسی را در شبکه‌های اجتماعی منتشر کردند که نشان می‌داد داعش افرادی را که در مناطق تحت کنترل آنها در سوریه روزه‌خواری کردند، در ملاء عام شلاق زدند. نیروهای این گروه اسلام‌گرای تندرو هرگونه تجارت ساکنان شهرهای تحت کنترل خود به دور از اجازه و کنترل داعش را ممنوع اعلام کردند.

در راستای مقرراتی که این گروه برای نحوه حجاب و لباس زنان وضع کرده است، زنان موصل را تهدید کرد در صورت عدم رعایت حجاب کامل و نپوشاندن تمام صورت خود، به شدت مجازات خواهند شد. داعش در بیانیه‌ای اعلام کرده است، شروطی که برای لباس و زینت زنان وضع کرده، تنها برای جلوگیری از فساد و خودنمایی آنان است، و این محدودیت برای آزادی آنها محسوب نمی‌شود، بلکه از ابتدال ممانعت می‌کند. در این بیانیه همچنین آمده است هر کس این مقررات را رعایت نکند و باعث فتنه و فساد شود، بازخواست و به شدت مجازات می‌شود تا جامعه مسلمانان و دین حفظ شود. بنابر گزارش دیده‌بان حقوق بشر، سازمان داعش در درگیری‌های نظامی خود از کودکان و نوجوانان استفاده می‌کند. این گزارش بر پایه اطلاعات داده شده توسط ۲۵ نهاد تنظیم شده است.

دنباله مطلب در صفحه ۵۱

### Advantage in Learning LLC

تدریس خصوصی و گروهی  
دروس ریاضی و فیزیک

تحت مدیریت ایمان لاله پرور - برای تمام سنین

فارغ التحصیل دانشگاه (UCLA) در رشته فوق لیسانس مهندسی الکترونیک  
عضو هیئت علمی کالج «وست ولی»

Professional Tutor, one on one & group all ages (1st-12th grade & College)  
Specializing in SAT Math Prep, Study skills & all subjects of Math & Physics

Johns Hopkins University MBA Candidate

Faculty member at West Valley College, Dep. of Engineering

(408)605-9493 www.advantageinlearning.com

### دکتر میشل حق پناه

متخصصی در دندانپزشکی اطفال - کودکان - نوجوانان

"Healthy smiles start here"

\*روش‌های پیشگیری \*رژیم غذایی \*درمان با استفاده از داروهای آرامش بخش  
و یا تحت بیهوشی کامل \*بیماری‌های لثه کودکان \*درمان‌های اورژانسی

\*Preventive Dentistry \*Sedation & General  
Anesthesia \*Special Care Patient Management

(408)866-3000

Dr. Michelle Haghpanah, D.D.S., M.P.H.

1480 Saratoga Ave., Saratoga, CA 95070



شهری جهت ایجاد بازارهای  
سیار موقت محلی اقدام  
نماید.»

بررسی وضعیت هشت سال  
گذشته نشان می دهد به  
همان اندازه که شهرداری  
در حرکت برای ساماندهی  
دستفروش ها بی انگیزه است،  
در اعمال خشونت فیزیکی

رفیق است و عموماً وقتی شبیخونی از  
سوی ماموران سد معبر رخ می دهد  
آنها را سریع به آنجا می برد، چند بار  
ماموران حتی به داخل مغازه هم حمله  
کرده اند. او در رابطه با برخورد  
ماموران شهرداری می گوید: «بعضی ها  
مودب هستند، می گویند آقا خواهش  
می کنم جمع کن برو. ولی بعضی ها می  
گویند بی شعور عوضی، مادر... کی گفت  
اینجا واستی؟ تق میزنه زیر بساط، خود  
بساطی را هم می گیرد می زند. آخه  
تو حق نداشتی من را بزنی. مگه من چه  
کار کردم. یارو دو کیلو مواد می فروشد،  
آخرش مامور به او دستبند می زند ولی  
این همان اول من را می زند. حق ندارد  
جلوی جمعیت کتک بزند. کلانتری با ادب  
برخورد می کند ولی اینها بدجوری می  
زنند. من را بردند دفترشان در خیابان کریم  
خان و کتک زدند چند سال پیش.»

او سه پسر و یک دختر دارد که یکی از  
آنها در دانشگاه آزاد مهندسی برق می  
خواند، از حاشیه کرج صبح ساعت ۶  
حرکت می کند و ۱۰ شب به خانه می  
رسد: «روزی ۳۰، ۳۵ تومن کاسبی می  
کنم، ۴۰۰ هزار تومان (با پول رهن) اجاره  
می دهم، تو این یکسال ۱۰۰ هزار تومن  
هم پس انداز نکردم. تو این سه ماه فقط ۲  
بار میوه خریدیم.» دنیاله مطلب در صفحه ۵۶

علیه دستفروش های تهران پر شور و  
قدرتمند است.

در خیابان ولیعصر، پایین تر از ۴ راه  
ولیعصر، جوانی تنومند، ماشین های کوچک  
اسباب بازی می فروشد. وقتی از او می  
خواهم نظرش را راجع به اعمال خشونت  
توسط ماموران شهرداری و قتل یک  
دستفروش توسط آن ها بگویم می گوید  
دنبال دردرس نیست و پیرمردی را معرفی  
می کند که چند متر آن طرف نشسته است.  
فری، حدوداً ۷۰ ساله ای است. آلو می  
فروشد ولی خوایش برده است.

چند متر پایین تر موفق می شوم با  
محمد حسین صحبت کنم. ۴۲ سال دارد،  
اما بسیار پیر تر از سن واقعی اش نشان  
می دهد. محمد حسین که عروسک های  
باربی سخنگو به قیمت ۱۵ هزار تومان می  
فروشد به وجه دیگری از خصیصه های  
ماموران شهرداری اشاره می کند؛ باج  
گیری: «پول می گرفتند و کاری نداشتند.  
روزی ۴ هزار تومان می گرفتند، یکیشان  
می گرفت، بعد اون یکی می آمد، می گفت  
به من هم باید بدهی.»

محمدحسین هم بارها تجربه ضبط اموال  
توسط ماموران شهرداری را داشته اما  
بر خلاف عباس می گوید هیچ گاه جنس  
هایش را پس نگرفته است. او در کنار  
مغازه ای کار می کند که با صاحب آن

## باج گیری از دستفروشان، شیوه مورد علاقه ماموران شهرداری

مرجان نمازی

معبر» به شمار می آید و از آنجا که طبق  
ماده ۱۰۱ قانون شهرداری ایران «معابر و  
شوارع عمومی که در اثر تفکیک اراضی  
احداث می شود متعلق به شهرداری است»،  
شهرداری با استناد به ماده ۳۰۸ قانون  
مدنی که «غصب، استیلاء بر حق غیر است  
به نحو عدوان» می تواند نسبت به سد معابر  
که خود به نوعی غصب املاک شهرداری  
می باشد اقدام کند. با این حال، حتی در  
قوانین شهری تهران نیز چنین مالکیت  
عریان و اعمال خشونت در قبال نقض این  
مالکیت توسط شهرداری بدون برآورده  
شدن پیش شرط هایی وجود ندارد.

شهرداری ۸ سال است موظف شده است  
تا با ایجاد تعیین فضاهای مشخص و  
ایجاد بازارهای سیار محلی به سامان  
دهی دستفروش هایی اقدام کند که به  
زخم شهرداری «غاصب معابر عمومی»  
هستند. طبق مصوبه ۲۶۱ امین جلسه  
شورای اسلامی شهر تهران (۲۱ شهریور  
۱۳۸۵) درباره ساماندهی دستفروشان در  
شهر تهران، یکی از موارد کاهش دهنده  
سد معبر «ساماندهی عرضه کالا و  
اجناس توسط دستفروش ها در سطح  
معابر و فضاهای عمومی شهر تهران»  
است. در واقع شهرداری تهران موظف  
شده «نسبت به ساماندهی وضعیت  
دستفروش ها به عنوان بخشی از مشاغل  
سیار و بی کانون در شهر تهران و نیز  
تعیین فضاهای مناسب (به صورت  
موقت، زمانبندی محدود و مشخص) در  
محدوده جغرافیایی هر محله و یا ناحیه

حوالی ۱۲ ظهر دوشنبه ۴ شهریور:  
آفتاب شهریور سوزان است و پیاده  
روهای بلوار کشاورز مملو از عابران  
پیاده. صدایش از دور شنیده می شود:  
«۴ تا باطری نیم قلمی، ۱۰۰۰ تومان،  
ته باتری ها تاریخ دارد تا ۲۰۱۷، دو  
سال دیگر تاریخ انقضا دارد.» بقیه عباس  
آقا صدایش می کنند، ۵۸ سال دارد. می  
گوید از ۷ صبح تا ۷ عصر جنس هایش  
را می فروشد، خیلی ناراضی نیست ولی  
نگران است؛ نگران ماموران مبارزه با  
سد معبر شهرداری: «آره بابا جون، سد  
معبر بیاد جنست را بگیرد و ببرد دیدگه بر  
نمی گرده. بعضی ها هستند خیلی طول و  
دراز بساط می کنند، اونا حق شونه، ولی  
من که نیم متر بساط دارم باید به آتیش  
اونا بسوزم.»

عباس هم سابقه برخورد با آنها را داشته:  
«معمولاً جنس هایم را می گیرم دستم و  
راه می روم، چند بار ضبط کردند مال من  
رو، صورت جلسه می کنند، سه ماه بعد می  
تونوی بری بگیری، ولی باید تعهد بدهی که  
دیگه کنار خیابون نفروشی.»

او ۳۳ سال مواد مخدر مصرف می کرده و  
الان ۶ سالی است که پاک است و از راه  
دستفروشی زندگی خانواده اش را تامین  
می کند: «من نون حلال می خواهم و دارم  
تلاش می کنم، سرویس به زن و بچه می  
دیم، اخلاق مردم با ما عالی است. وقتی  
میگم خدا برکت، میگن عاشق این حرفتم.»  
بر اساس ماده ۵۵ قانون شهرداری،  
دستفروشی در معابر از مصادیق «سد

### FINE HOMES REALTY



Mohamad Harandi

### محمد هرندی

مشاور آگاه و دلسوز جامعه ایرانی  
در امور وام مسکن و خرید و فروش خانه

از موقعیت استثنایی پائین  
بودن نرخ بهره و وامهای بدون  
کارمزد استفاده نمائید



(408) 605-1138

moeharandi@yahoo.com ♦ DRE#01183647 ♦ NMLS#332989

4950 Hamilton Ave., Suite 211, San Jose, CA 95130

### دکتر تینا نافیعی

کایروپراکتور

معالجه تصادفات رانندگی، کاری و ورزشی

*We take the time. We listen.  
We partner with our patient.*



معالجه دردهای عضلانی و ناراحتی های مفاصل و استخوان، تصادفات رانندگی  
و صدمات کاری با پیشرفته ترین وسایل پزشکی، دستگاههای ورزشی و فیزیوتراپی

www.drnafei.com

اکثر بیمه های درمانی پذیرفته می شود!

Tel: (510) 791-6332 ♦ Fax: (510) 791-1923

1860 Mowry Ave. Suite 201, Fremont, CA 94538



## «بانو القاعده» کیست و چرا آمریکا او را مبادله نمی کند؟

«خطرناکترین زن جهان»، «آفتاب القاعده»، «بانو القاعده»؛ اینها همه صفت‌هایی هستند که در طول سال‌های اخیر به زنی پاکستانی به نام عافیہ صدیقی نسبت داده شده‌اند. پلیس فدرال آمریکا عافیہ صدیقی را از سال ۲۰۰۴ در صدر فهرست کسانی قرار داده بود که تحقیقات بین‌المللی گسترده‌ای برای دستگیری‌شان در جریان بود.

فرد مرگ آفرین " قرار داد.

از دانشگاه ام‌آی‌تی تا زندان تگزاس

نهادهای اطلاعاتی آمریکا در سال ۲۰۰۳

خالد شیخ محمد را دستگیر کردند؛ شخصی که مغز متفکر القاعده و طراح حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به برج‌های دو قلوی تجارت جهانی در نیویورک و ساختمان



پنتاگون در واشینگتن نامیده شد. او در جریان بازجویی‌ها نام عافیہ صدیقی را به‌عنوان یکی از اعضای اصلی این تشکیلات تروریستی به زبان آورد. رسانه‌ها پس از آغاز تحقیقات در مورد حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر به عافیہ

دوپیچه وله: یک زن پاکستانی به مدت چهار سال در صدر تعقیب‌شوندگان بین‌المللی بود. زمانی طالبان و حال "دولت اسلامی" پیشنهادهای قابل توجهی برای مبادله او با گروگان‌ها ارائه کرده‌اند. این زن کیست و چرا آمریکا او را مبادله نمی کند.

"خطرناکترین زن جهان"، "آفتاب القاعده"، "بانو القاعده"؛ اینها همه صفت‌هایی هستند که در طول سال‌های اخیر به زنی پاکستانی به نام عافیہ صدیقی نسبت داده شده‌اند.

پلیس فدرال آمریکا (FBI) عافیہ صدیقی را از سال ۲۰۰۴ در صدر فهرست کسانی قرار داده بود که تحقیقات بین‌المللی گسترده‌ای برای دستگیری‌شان در جریان بود. وزیر دادگستری وقت آمریکا هم او را به‌عنوان تنها زن در فهرست "هفت

صدیقی لقب "نابغه مؤنث" دادند. گفته می‌شود که او از راه جمع‌آوری کمک‌های مالی و قاچاق الماس، برای تشکیلات تروریستی القاعده منابع مالی فراهم می‌کرده است.

او همچنین چند ماه پیش از حملات یازدهم سپتامبر به همراه همسرش دوربین‌های دید در شب، اسلحه و دفترچه راهنمای تجهیزات نظامی - از قرار معلوم برای شکار - خریده است. عافیہ صدیقی از یک خانواده مرفه پاکستانی است که بیش از ۱۰ سال از

ازدواج کرد. این زن پاکستانی سرانجام در سال ۲۰۰۸ در شهر غزنی افغانستان به همراه پسر ۱۱ ساله‌اش دستگیر شد؛ در حالی که مقادیری مواد شیمیایی و نقشه‌هایی برای تهیه بمب شیمیایی و بمب میکروبی از ویروس ابولا به همراه داشت. عافیہ صدیقی در سال ۲۰۱۰ به ۸۶ سال حبس محکوم شد و در حال حاضر در زندان بیماران روانی "فورت وورث" تگزاس آمریکا دوران محکومیت خود را می‌گذراند. جالب این‌که او به اتهام مشارکت در اقدامات تروریستی یا آگاهی از حملات محکوم نشده است؛ بلکه حکم او به جرم تلاش برای کشتن سربازان ارتش و مأموران پلیس فدرال آمریکا صادر شده است. گفته می‌شود صدیقی در یکی از جلسات بازجویی از فرصت استفاده کرده و با سلاحی که به دست آورده به سمت مأموران شلیک کرده است.

عمر خود در حال تحصیل در دانشگاه‌های برتر ایالات متحده بوده است. او در مؤسسه فناوری ماساچوست (ام‌آی‌تی) در رشته علوم اعصاب درس خوانده و در سال ۲۰۰۱ از دانشگاه "برانديس" ماساچوست دکترا گرفته است.

دنباله مطلب در صفحه ۵۵

## Ali Driving & Traffic School

### کلاس های تعلیم رانندگی و ترافیک علی برای بزرگسالان و نوجوانان

- ♦ ترجمه فارسی آئین نامه رانندگی و راهنمایی برای امتحان به زبان فارسی.
- ♦ ما تضمین می کنیم که امتحان خود را قبول خواهید شد.
- ♦ به طور قانونی و در کوتاهترین مدت گواهینامه ضبط شده شما را برایتان پس میگیریم
- ♦ شما می توانید برای تعلیم رانندگی از اتومبیل های مدرسه ما نیز استفاده کنید.

افرادی که جریمه رانندگی دریافت کرده اند می توانند در مدرسه ما شرکت کرده و امتحان خود را به راحتی قبول شوند. این کلاس ها به زبان فارسی نیز عرضه می گردد.

We offer a Complete Course in Drivers' Education & Training with Professional Instructors



- ♦ Driving ♦ Training ♦ Traffic School
- ♦ Drivers Education ♦ Seniors, Teens & Adults ♦ Free Home & School Pick-up ♦ Hiring & Training Instructors
- ♦ Licensed & Bonded

آموزش رانندگی توسط کادری مجرب و حرفه ای

(408)370-9696 ♦ (408)394-5249

## کامران پورشامی

متخصص و مشاور در امور

خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری

**Kamran Pourshams**  
Experienced Professional Realtor

Residential, Commercial,  
Property Management

Proven Insights.  
Proven Results.

DRE# 01066478



- ♦ چگونه تحت شرایط اقتصادی کنونی صاحب خانه شوید؟
- ♦ به چه طریقی در این موقعیت زمانی می توانید خانه تان را بفروشید؟

من میتوانم با آگاهی و شناخت درست از آخرین تغییر و تحولات در امور خرید و فروش خانه و املاک، شما را در موارد فوق مطلع و یاری نمایم!

Experienced Agent in Short Sale  
& Bank Owned Properties

با در دست داشتن لیست کامل خانه های ضبط شده از طرف بانکها

Res: (408)879-9343 Bus: (408)369-2000

Dir: (408)369-2020 Cell: (408)781-1200

419 E. Hamilton Ave., Campbell, CA 95008

# یک سینه سخن

## مسعود سپند



## لاف در غربت

نشسته بود با صدای بلند فریاد می زند وقتی که از مردی بیفتد. برای لحظه ای سکوت برقرار می شود و ناگاه مجلس از خنده منفجر شده و این بنده خدای دروغگو اول عصبانی می شود و بعد خودش را به خنده می زند و بعد اعتراض که آقا چرا احترام بزرگتر را حفظ نمی کنی. این رفیق شوخ ما می گوید از کجا معلوم شما بزرگتر هستید. البته هیکل تان بزرگ است اما به هیکل که نیست. برادر این پُروگویی آن آقا و دریدگی دهان رفیق ما مجلس بهم می خورد به خصوص خانم ها عصبانی می شوند و بعضی ها هم زود مجلس را ترک می کنند. خب چه می توان گفت ایرانی ها در خارج کم مشکل دارند که بقول معروف اینهم یکی رؤش.

کار دیگری که این هموطنان گرامی می کنند اینست که در معرفی افراد غلو عجیبی می کنند. اگر کسی کارمند دارائی بوده می گویند رئیس دارائی، اگر رئیس اداره بوده می گویند وزیر دارائی و نمی دانم چه مرگمان است ما مردم که حتی در معرفی آدم ها نیز طرف را آنقدر بالا می بریم که امر به خودش کم کم مشتبه می شود و اگر مثلا چند نفر به او بگویند که تو رئیس فلان اداره بوده ای کم کم خودش قبول می کند که رئیس بوده و اگر شخصی که همکار او بوده بگوید یادت می آید در اداره ثبت احوال باهم کار می کردیم، کارد بزی خونتش در نمی آید و اما در مورد خود بنده- بنده افسر شعبه ۸ اداره آگاهی بودم و درجه ام هم سرگرد بود. در مجلسی خانمی که می خواست مرا به خانم دیگری معرفی کند گفت آقای سپند رئیس اداره آگاهی بوده که خنده ام گرفت گفتم خانم نگو دارد کم کم باورم میشه، ولی نه...

چاخان و دروغ هم حدی دارد امیدوارم که دروغگویان عزیز کم کم دست از این عادت بد بردارند و بگذارند مردم به گرفتاریهایشان برسند. و این رفیق شفیق ما که در ته مجلس با خودم می گفتم حالا که سالها از این انقلاب ننگین گذشته اغلب کسانی که با اعلیحضرت ناهار و شام خورده اند به ابدیت پیوسته و دیگر در هر مجلس و همایشی ما مجبور نیستیم ساکت بنشینیم و به حرف های صد تا یک قاز این بیماران گوش کنیم. اما انگار میراث خواران این جماعت این قصه ها را از پدر به ارث برده و دارند ادامه می دهند که پدرم محافظ شاه بود، پدرم با شاه قمار میزد و سعی می کرد به شاه بیازد، دیگری با شاه تخته بازی می کرده و این اواخر پدر یکی از اینها معمار دربار بوده و شاه می آمده و دستور میداده که این جوری بساز و شهبانو گفته نه اینجوری بساز و بعد بین شاه و فرح سر تعمیر فلان ساختمان بگو مگو شده. آدمی دهانش از شگفتی باز میماند و می توان گفت با این همه رادیو و تلویزیون و خبر که وجود داشت این همه شایعه پدنبالش بود حالا پس از سی چهل سال باز هم لاف در غربت ادامه دارد.

من در این غربت دل درد آشنا کم دیده ام اشکهاشان بی صدا هر چند پنهان می چکد سرو بالایان به خاک افتاده از تیغ نیاز گر محمد خاتم پیغمبران باشد به حق دیگر از انسانیت در پیش خود شرمنده ام لاف در غربت خودش هم داستان دیگرست بین مردم من ندیدم رهبری ظاهر شود قصه ها از غصه ی غربت به جانم جاری است همدل و همداستان در این شبان بی شکیب



### سیمین جان

دلم خونست از بسیاری ی بیداد سیمین جان در آن مرز دلاور خیز و درد آباد سیمین جان بنام عشق و ازادی رسا تر باد فریادت برای حرمت جان می زنی فریاد سیمین جان در آن هنگامه ها کز جان و از جانانه می گویی چه زیبا می شود سرو و گل و شمشاد سیمین جان تو وقتی از گلوی سرخ و شعر سبز می خوانی به خود می لرزد از بن بیخ استبداد سیمین جان به کوه اخم های تلخ سنگ انداز و سنگ اندیش چه شیرین است زخم تیشه ی فرهاد سیمین جان چه خوش می گویی از سقف بلند استاده ی میهن که عشق آموختی در مکتب استاد سیمین جان به بزم دوستان چون برگ سبزی تحفه ی درویش به چشم دشمنان چون دشنه ی پولاد سیمین جان قفس های اوین لبریز از بغض کبوتر هاست که دیگر بغبغو را برده اند از یاد سیمین جان (سپندم) از تبار و تیره ی آتش پرستانم چه آتش ها که در دل می کنی ایجاد سیمین جان

## رستوران فیمس کباب



غذای هر ملتی بخشی از فرهنگ آن مردم است

رستوران فیمس کباب با غذاهای بسیار خوشمزه و با طعم و عطر منحصر بفرد ایرانی در مکانی متفاوت آماده پذیرایی از شما و میهمان های شماست



کیتیرنگ کامل میهمانی و جشن های شما در سراسر شمال کالیفرنیا

رستوران فیمس کباب با افتخار از شما پذیرایی می کند.

(916)483-1700

www.famouskabob.com



1290 Fulton Ave., #C, Sacramento, CA 95825

این سروده را من با تقلیدی ناشیانه از سبک و سیاق خانم بهبهانی و طنز ظریفش از قول آن بزرگ نوشتم و چون شاعر زن نیستم و اصلاً شاعر نیستم و اولاً هم نمرده ام، برای اینکه عاقبت به خیر شوم، تقدیمش میکنم به مقام معظم رهبری.

### راهم به قبرستان ندادند

روی مزاح است این وگرنه  
اینها به زنده نان ندادند  
یک ذره آزادی به ملت  
این ناجوانمردان ندادند  
هر روز دردی تازه دادند  
یک لحظه یک درمان ندادند  
آزار را، حتی پس از مرگ  
در حق من پایان ندادند  
از زنده ام ترسیده بودند  
بر مرده ام میدان ندادند!  
یک متر و هفتادی که گفتم  
کم داده و میزان ندادند  
اما دگر از من گذشته ست  
گر این ندادند، آن ندادند  
من زنده ام در جان مردم  
پس گور باباشان، ندادند  
این قوم بدنامان به سیمین  
جز نام جاویدان ندادند  
خوب است که قبر مرا در  
پشکر به بهبهان ندادند!

راهم به قبرستان ندادند  
قبری که گفتم آن، ندادند  
من در امــــــــــــام - زاده طاهر  
میخواستم، ایشان ندادند  
کلی وصیت کردم اما  
جزئی به من امکان ندادند  
از کوشیارم دور کردند  
پیش نوه اسکان ندادند  
البته شخصاً مطمئنم  
چون سوسه آمد خان، ندادند  
جز «گورتو گم کن ضعیفه»  
از بیت شان فرمان ندادند  
بیخ مراسم را گرفتند  
سهمی به فرزندان ندادند  
جز دولت آبادی، مجابی  
بر دیگری اکران ندادند  
در مرده شوخانه به سیمین  
حمام دوش و وان ندادند!  
در قبر تحمیلی که دادند  
یک حوری و غلمان ندادند!



## با هادی خرسندی

www.asgharagha.com  
hadikhorsandi@aol.com

### «راهم به قبرستان ندادند»

## شعری دیگری از سیمین، بعد از مرگ!

عاقبت به خیر نشدن سیمین از این جا معلوم می شود که روزنامه گیهان و یکی از شاعران دربار کهریزک به اندازه لازم و نه کافی! به او هتاکي کردند و شاعر کهریزکی در سایتش نوشت: "ای کاش این خانم در پیری به جای آن که پوست خود را بکشد و جوان کند، کمی فکر خود را می کشید و جوان می کرد. (سعی کنید حالتان از این آقا به هم نخورد)"

«... من اسمی از بعضی شعرای زن دیگر نمی آورم، چون فروغ فرخزاد اولاً مرد ثانیاً به اعتقاد من عاقبت به خیر شد. بعضی های دیگر نه عاقبت به خیر نشدند و نخواهند شد لذا به آنها اشاره ای نمی کنم و از آنها اسمی نمیبرم.»

فرمایشات دو سال پیش مقام معظم رهبری مشخص میکند که از شاعران زن آن «بعضی های دیگر» که میفرمایند هنوز زنده اند. چون به قول ایشان فروغ «اولاً مرده، ثانیاً عاقبت به خیر شده و محال است ایشان به زن شاعری که اولاً نمرده باشد و ثانیاً عاقبت به خیر نشده باشد و نخواهد شده باشد اشاره بفرمایند!

هوش زیادی میخواهد که بفهمیم منظور ایشان از «بعضی های دیگر» بین زن های شاعر چه کسانی هستند و چند نفرند؟! اندکی احتمال میرود که یکی از آنها و شاید همه ی آنها سیمین بهبهانی بوده باشد. (که گویا مقام معظم چند نفره با او قهر بوده اند.)

شاهد دیگر عاقبت به خیر نشدن سیمین اینکه نگذاشتند بنا بر وصیتش در امامزاده طاهر در جوار نوه اش و شوهر سابقش و در همسایگی شاملو و گلشیری و مختاری و پوینده و مرتضی حنانه... باشد.

### حمید رئیسیه

مشاور در امور خرید و فروش املاک و وام

**Hamid Reiesieh**  
Real Estate Broker & Finance Advisor

سرویس دوستانه،  
سریع، مطمئن و حرفه ای

Cell: (408)234-5793

Office: (408)298-2591



DRE#01326116 • NMLS# 344666

- ♦ Selling or Buying Residential and Commercial Properties
- ♦ Residential and Commercial Mortgages, FHA, HARP & Conventional
- ♦ Complimentary home evaluation
- ♦ No Cost Short Sales
- ♦ 1031 Exchange Transaction ( Tax Deferred )

Your Trusted Advisor in  
Real Estate & Mortgage



hamidr63@yahoo.com ♦ www.hamidreiesi.com



1925 S. Winchester Blvd., Suite 200, Campbell, CA 95008



### دکتر فرانک پورقاسمی متخصص و جراح پا

- ♦ درمان بیماری های پا ناشی از امراض قند و روماتیسم ♦ درمان عفونت های قارچ ناخن و پوست پا ♦ ترمیم پارگی ماهیچه، غضروف و شکستگی پا
- ♦ درمان بیماری های پا در کودکان ♦ صافی کف پا و صدمات ورزشی
- ♦ Foot related diseases ♦ Bunion, Callus, Corn ♦ Hammer Toe, Ingrown Toe Nail ♦ Sports Medicine & Injuries ♦ Heel Pain & Diabetic Foot Care ♦ Ankle Arthroscopy ♦ Pediatric Foot Conditions ♦ Flat Feet & Orthotics ♦ Skin & Nail Conditions

### Dr. Faranak Pourghasemi, DPM

My mission is to provide superior, comprehensive foot & ankle treatment for patient's current and long-term needs.

اکثر بیمه ها پذیرفته می شود

National Foot & Ankle Center

(408)884-5851

14981 National Ave., Suite #2, Los Gatos, CA 95032

## داستان مرگ رستم

به نام خداوند جان و خرد  
کزین برتر اندیشه برنگذرد

خلاصه ای از داستان مرگ رستم به دست شغاد پراساس شاهنامه:

رستم برادری نیز داشت به نام «شغاد» که مادر او کنیزکی نوازنده بود که زن دیگر زال شده بود. ستاره شناسان و پیران پاتجربه در همان اوان کودکی شغاد، آینده ای او را شوم دیدند و به زال گفتند که فلک با این کودک، سرمهر ندارد، هنگامی که این کودک به سن جوانی و دلیری برسد، اصل و تار خاندان «سام» را برخواهد انداخت و باعث بدبختی و شکست ایرانیان خواهد شد.

شغاد وقتی به سن جوانی رسید، سلم او را به سوی پادشاه کابل گسیل کرد. پادشاه کابل، مهراب، برای استوار ساختن پیوند خود با خاندان رستم، دخترش را به عقد «شغاد» در می آورد. در این دوران، شاه کابل همه ساله یک پوست گاو، پر از طلا و جواهر را به عنوان باج و خراج سرزمین خویش به رستم می داد. در عوض، رستم تعهد داشت تا از تاج و تخت کشاه کابل مواظبت نماید. شاه کابل با خود اندیشید که پیوند و

خویشاوندی با رستم، او را از پرداخت خراج، معاف خواهد داشت. اما رستم در هنگام خراج به رسم همه ساله مالیات کابل را طلب کرد. این کار بر شغاد گران آمد و او را به اندیشه ی کینه جویی انداخت و با مهراب در به دام انداختن رستم همداستان شد. قرار شد که شاه کابل در مجلسی در حضور بزرگان به طور ساختگی، شغاد را از کاخ بیرون کند و شغاد با خواری و سرشکستگی به زابلستان برود و نزد پدر و برادر، به شاه کابل ناسزا بگوید و بدترادش بخواند. در آن وقت رستم به مهر و محبت برادری برخواهد خاست و به سوی کابل خواهد آمد آن گاه در چاه مکرشان فرو خواهد افتاد.

شاه کابل دستور داد که در شکار گاهی بیرون شهر، چندین چاه عمیق بر سر راه حفر کنند و روی آن ها را با شاخ و برگ درختان پوشانند. چاه های وسیع که رستم همراه رخس خود داخل آن جای شود و در عمق آنها، نیزه هایی تیز و دشنه های بز آن زهرآلود - که نوک آن ها رو به بالا و دسته ای آن ها رو به پائین باشد- کار گذاشته شود:

همان نیزه و حربه ی آبگون  
سنان از بر و نیزه زیر اندورن  
اگر صد گلی چاه بهتر ز پنج  
چو خواهی که آسوده گردی ز رنج  
به جای آر صد مرد نیرنگ ساز  
بکن چاه و بر باد مگشای راز  
سر چاه را سفت کن زان سپس

مگوی این سخن نیز با هیچ کس  
سرنوشت این داستان را رقم می زند و شغاد از سر نیرنگ، با ظاهری سرافکننده و خوار به پیش زال و رستم می رود و به رستم می گوید: ای برادر، شاه کابل در مقابل چشم بسیاری از بزرگان سرزمینش، مرا خوار ساخت و به من پیغام داد که دیگر هیچ خراجی به مهستان نخواهد فرستاد.

رستم برآشفت و تصمیم گرفت با لشکری به کابل برود و مهراب را نابود کند ولی شغاد به رستم گفت: من پیشنهاد می کنم با مهراب از در جنگ وارد نشوی. اکنون فکر می کنم که شاه کابل از کرده ی خویش پشیمان شده است و از آمدن من به نزد خانواده ام، غمگین می باشد. رستم گفت: من به کابل خواهام رفت اما نه به همراهی سپاهیانم. از دلیران سیستان، زواره، برادرم، و یک صد دلاور را بر می گزینم و به سوی کابل



می روم تا ببینم چه خواهد شد. پادشاه کابل با دیدن رستم، شروع به پوزش خواهی کرد و در حالی که به زاری می گریست، گفت: ای دلیر دلیران، مرا به خاطر ستمی که در حق شغاد کردم، مورد عفو و بخشایش خویش قرار بده. رستم گناه او را بخشید.

سهراب، رستم و یارانش را در مکان مصفا و پراز سبزه و آب و درخت فرود آورد و آنگاه به رستم گفت: این جا، شکار گاهی است که آهو و گورخر فراوان دارد که در هیچ کجای جهان، نظیرش مشاهده نشده است. رستم با شنیدن این سخنان به شور و وجد آمد و آماده ی شکار شد و اسبش را زین کردند و شاهین و بازهای شکاری را در جستجوی شکار به پرواز درآوردند و کمان مخصوص خویش را بر شانه نهاد و به همراه شغاد و برادر دیگرش، زواره، به سوی شکارگاه تاخت و در همان راهی رفتند که برای مرگشان، چاه کنده بودند. دنباله مطلب در صفحه ۵۲

## هنرستان موسیقی نژاد

آموزش تمامی سازهای موسیقی (ایرانی و غربی) برای رده سنی ۴ تا ۸۴ سال

Individual & Group Lessons for All with Persian Traditional & Western Instruments



(408)559-7864

Cell: (408)771-3996

کلاس های خصوصی و گروهی

14505 Union Ave San Jose, CA 95124

www.nejadmusic.com

برگزیده شد. در نتیجه در سال ۱۹۸۶ عمر تهران «پایتخت» دوست ساله شد. جمعیت این شهر در زمان ناصرالدین شاه ۲۵۰ هزار نفر بوده و به هنگام مشروطیت و فتح تهران (۱۳۲۶ قمری ۱۹۰۸ میلادی) آنطور که سیهدار فاتح تهران در یادداشت های خود می نویسد چهارصد هزار نفر بوده است که بنظر می رسد قدری اغراق باشد چون همین تهران در سال ۱۳۳۰ قمری/ ۱۹۱۰ سیصد هزار نفر جمعیت داشته است. جمعیت تهران در سال ۱۳۱۸ شمسی به پانصد هزار نفر می رسید که در سال ۱۳۳۰ شمسی بالغ بر ۱/۵ میلیون گردید و در آستانه انقلاب ۳ میلیون و دهسال بعد از انقلاب، جمعیت تهران به شش و نیم میلیون نفر افزایش یافته است.



گرامتی که پس از جنگهای ایران و روس و پس از امضاء عهدنامه ترکمان چای بنا بود ایران به روسها بپردازد مبلغ بیست کرور تومان بود (ده میلیون تومان). بعدا روسها پس از قتل سفیرشان «آلکساندر گریبایدوف» در تهران، آنرا به ۵ میلیون تخفیف دادند و هنگامی که طلاها را وزن می کردند تا قسط اول گرامت را بپردازند، فتحعلیشاه از شدت غصه و ناراحتی دچار هیجان شدیدی شده و سکنه ناقص کرد و از حال رفت.

دنباله مطلب در صفحه ۵۴

ببند برای او چنین می نویسد: «با این طفره ها و امروز و فردا کردن و از کار گریختن در ایران به این هرزگی حکما نمی توان سلطنت کرد. گیرم من ناخوش و یا مردم، فدای خاکبای همایون، شما باید سلطنت بکنید یا نه؟ اگر شما باید سلطنت بکنید، بسم الله، چرا طفره می زنید؟ موافق قاعده، کل عالم، پادشاهان سابق چنان نبوده که همگی در سن سی ساله و چهل ساله به تخت نشسته باشند. در ۱۰ سالگی نشستند و سی چهل سال در کمال پاکیزگی پادشاهی کردند. هر روز از حال شهر چرا خبردار نمی شوید که چه واقع می شود و بعد از استحضار چه حکم می فرمائید؟ از در خانه و مردم و اوضاع چه خبر می شوید و چه حکم می فرمائید؟ قورخانه و توپخانه که بایست به استرآباد برود رفت یا نه؟ قشون که درین شهر است و سرکرده های آنها چه وقت خواهند رفت؟ و از حال هر فوج دائم خبردار شدید؟ و همچنین بنده، ناخوشم و گیرم هیچ خوب نشدم، شما نباید دست از کار خود بردارید یا دائم محتاج بوجود یک بنده ای باشید، اگرچه جسارت است، اما ناچار عرض کردم، باقی الامر همایون (سیاستگران دوره قاجار ص ۱۸)



تهران در سال ۱۲۰۰ هجری قمری ۱۷۸۶ عملا به پای تختی آقامحمدخان قاجار



## تاریخ چه می گوید؟!

حسین جعفری

همایون کشوری کان عرصه را شاهی چنین باشد مبارک منزلی کان خانه را ماهی چنین باشد ز رنج و راحت گیتی، مرنجان دل، مشو خرم که اوضاع جهان گاهی چنان، گاهی چنین باشد همایون شاه که از شنیدن این اشعار بسیار متأثر شده بود کمر بند مرصع خود را باز کرده تقدیم خواننده نمود و گفت «بی سامانی من در این موقع عذرخواه من است»



اینهم قسمتی از نامه میرزا آقا خان نوری به ناصرالدین شاه: «هوا سرد است، ممکن است به وجود مبارک صدمه ای برسد، دو تا خانم بردارید ببرید ارغونیه عیش بکنید، آنجا پشت کوه قاف است هرشب متوالی عیش بفرمائید» (سیاستگران دوره قاجاریه، خان ملک ساسانی ص ۱۷ و ۲۰) فراموش نشود که این میرزا آقا خان نوری رقیب و جانشین میرزا تقی خان امیر کبیر است یعنی همان کسی که وقتی استنکاف و بهانه تراشی های ناصرالدین شاه را می

هنگامی که همایون پادشاه هند از شاه طهماسب صفوی درخواست پناهندگی کرد، شاه طی نامه ای که برای او فرستاد این شعر را نوشت:

همای اوج سعادت بدم ما افتد

اگر ترا گذری بر مقام ما افتد منتهی شرط کرد که همایون میبایستی دست از «تسنن» برداشته و «مذهب تشیع» را قبول نماید. همایون نیز به همین ترتیب عمل کرد و برای اثبات اعتقاد خود این شعر را نیز سرود:

گشتیم بجان بنده ی اولاد علی

هستیم همیشه شاد با یاد علی

چون سر ولایت از علی ظاهر شد

کردیم همیشه ورد خود «نادعلی» برای ورود همایون به ایران تدارک مفصل دیده شد. از قرار در هرات نیز مجلس بزمی برای او ترتیب داده بودند که خواننده ای بنام «صابرفاق» که از خوانندگان بنام آن عصر بود، این ابیات را در دستگاه همایون در آن مجلس خواند:



# بابک رحیم زاده

## Bobby Rahim

IRS Enrolled Agent



**Personal & Business  
Federal & State Tax Return Filing**

- Tax preparation (individual & Corporation)
- Specialized in "C," "S," & LLC Corporation
- Payroll taxes
- Monthly bookkeeping
- Tax Audit
- Accounting system & installation

1900 Camden Ave, Suite 204  
San Jose, CA 95124

[www.BandRaccounting.com](http://www.BandRaccounting.com)



- ♦ انجام کلیه امور حسابداری و حسابرسی
- ♦ رسیدگی به امور حقوق و دستمزد
- ♦ مشاوره و برنامه ریزی مالیاتی برای افراد و موسسات تجاری

**(408)247-5626**

**(408)899-8727**

## چرا رفتی؟ چرا؟ من بی قرارم

هما گرامی (فره وشی)

خبر برایم سنگین بود و جانگزا، سیمین بهبهانی... و دنباله سخن را حتی نتوانستم بر زبان آورم. خبر به سرعت برق در همه جا پیچید و من می اندیشیدم که شاید سه چهار روز پیش بود که از ایران خبر گرفتم و شنیدم که ببهودی اندکی یافته و بخودم وعده دادم که او سلحشوریست قدرتمند، بازم من جنگد و بازم پیروزی با اوست، اما دریغ...

هائده رزقی زنگ زد، بی امان اندوهش بود، تسلیم داد و باهم گریستیم، می اندیشیدم که در این ابعاد دوری ها و فاصله ها با دوستان و عزیزان حتی نمی توان سر بر شانه ای نهاد و بی طاقی ها را گریست. «مرگ چنین خواجه نه کاریست خرد» تصویر مهربانی هایش در جابه جای تنگناهای زندگی ام پیش چشمم در حرکت بود و می اندیشیدم که چه نازنین و چه مهربان و چه بخشنده بود در دوستی، و دلم می خواهد فریاد بزنم که نه، نه، نه او نمی بایست می رفت، او هر زمان که می رفت زود بود، بعد زمان در مورد بعضی ها نمی بایستی مصداق یابد، او هنوز پر از گفتار و وجودش پر از زندگی بود. وقتی می سرود:

چرا رفتی چرا من بی قرارم  
به سر سودای آغوش تو دارم  
یا می گفت:

یامی گفت:

برای سیمین، زندگی مجموعه ای پویا و سرشار از عشق و دوستی بود. اعتقادش به برپایی جامعه ای با رعایت تساوی حقوق یکسان برای افراد آن و برقراری عدالت انسانی در جامعه او را به سرودن اشعاری دگرگونه می انگیزد، وقتی می نویسد:

شمشیر من همین شعر است

پرکارتر زهر شمشیر

با این سلاح شیرین کار

خون ریختن نمی خواهم

یا در جایی دیگر می گوید:

اگرچه تلخ است حق نمی توانم نهفت

زبان از آن بایدم که آشکارا کنم



و حقا که شعرش زیبا و دلنشین بود چون آب روان و تیز و برنده چون شمشیر در حالیکه شمشیر شعرش را برای از پای انداختن نمی خواست بلکه این سلاح برای برپاداشتن حق و حقیقت بود.

وجودش پر از شور حیات بود و پر از شوق زندگی با همه زیر و بم های خوب و بد. در شعرش می گوید:

هرگز نزیستم با مرگ

با زندگی قرارم هست

گیرم که در زمستانم

میعاد با بهارم هست

وقتی که خار در پای ست

ناخن به کار می بندم

وقتی که بار غم دارد

آغوش غمگسارم هست

و به راستی در غم های یاران چه غمگساری بود. به یاد می آورم وقتی من در اندوه از دست دادن همسرم دکتر فره وشی به ایران بازگشتم، بی توان، افسرده و پرانده، چه غمگسارانه و مهربانانه مرا در کنار گرفت و در اندوه بی کرانم چه یار و یاور پرتوانی بود.

گلایه ای بر زبانش نمی آمد، بیشتر آموزگاروار سخن می گفت. تعلیم می داد و انتظار تعلم داشت. شعرهایش ضرب المثل ها و کلامی کوبنده بود که بر در و دیوار شهر

نوشته می شد. دنباله مطلب در صفحه ۵۴

ادب و فرهنگ متولد شدم، مادرم خانم فخری ارغون دختر یک افسر عالی رتبه زمان بود و پدرم آقای عباس خلیلی مردی پر دانش بود و مدیر روزنامه اقدام که از روزنامه های خوب آن زمان بود. مادرم شعر می گفت، موسیقی می دانست، تار می زد و نقاشی می کرد. بعد از ازدواج پدر و مادرم، پدرم به کرمانشاه تبعید شد و عروس پانزده روزه را گذاشت و رفت و دو سال در تبعید بود تا بالاخره با اقدام و پی گیریهای مادرم از تبعید باز می گردد اما زمانی که من جنین سه ماهه ای در شکم مادر بودم آنها با هم متارکه کردند و بعدها مادرم بعد از تولد، سرپرستی مرا به عهده گرفت درحالیکه در خانه پدر بزرگ متولد شده بودم.

تربیت اولیه مادرم در ساختن شخصیت ادبی من بسیار موثر بود. ما در خانه انجمن های ادبی داشتیم مادرم شعر می گفت و شرح حال شعرای بزرگ ایران مانند فردوسی را برای من به قصه می گفت و من اولین شعرم را در سن سیزده چهارده سالگی سرودم که در روزنامه نوبهار که متعلق به ملک الشعرا بهار بود چاپ شد.

با مطلع ای توده گرسنه و نالان چه می کنیدی

ای ملت فقیر و پریشان چه می کنیدی بعدها به دانشکده ادبیات رفتم و در آنجا دکتر معین شعری را که به زبان عربی و بدون اعراب بود در کلاس درس از من خواست که بخوانم و بعد از خواندن شعر لبخندی زد و گفت همه را با غلط خواندید شما می بایستی درست می خواندید، چون فکر می کرد من سیمین بهبهانی هستم و من با شرمساری از این رویداد به دانشکده حقوق رفتم و در آنجا به ادامه تحصیل حقوق پرداختم.

در مورد آثارش می گوید جزوه ای دارم از نوجوانی به نام «سه تار شکسته» و بعد کتاب «جای پا» که در سال ۱۳۳۴ منتشر شده است. چلچراغ، مرمر، رستاخیز، خطی ز سرعت و از آتش، دشت ارژن، گزینه اشعار، کاغذین، ای دیار روشنم، دیوان شعر، مجموعه شعر و نثر به نام آن مرد مرد همراهم. مجموعه ای به نام «چه می دانم» که در فرانسه به چاپ رسید و قسمت شعر حاضر را از سال ۴۰ تا ۸۴ خانم بهبهانی ترجمه کرده اند که این مجموعه به طور خلاصه راهنمای شعر برای شاعران فرانسه و دیگران است.

بیشتر کار خانم بهبهانی در غزل بوده است و می گوید با تصرفاتی که در غزل کرده ام آنرا تغییر داده ام و از غزل فقط شکل هندسی آن را نگه داشته ام و با نوآوری هایی جدید آنرا از شعر گذشتگان مجزا کرده ام.

## حمید ابطحی

متخصص و مشاور در امور سرمایه گذاری  
خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری



Hamid Abtahi

Experienced & Professional  
Real Estate Consultant & Developer

منطقه

منطقه

منطقه

آگاهی و شناخت درست از آخرین تغییرات و تحولات  
در امور خرید و فروش خانه و املاک، مهمترین مسئله  
می باشد. من می توانم شما را در این امر مهم مطلع نمایم!

**Location! Location! Location!**

**Why Do You Pay Rent?!**

Whatever my client's goals, my goal is to make it happen.

I am an expert seeking to add value to your next transaction.

hamid@true-vision.com ♦ DRE# 01071456



(408)-366-2180 ♦ (408)-253-5100

12376 Saratoga Sunnyvale Rd. Saratoga, CA. 95070

آورد. مثلاً اگر فردی برای شرکت ساختمانی (Construction) خود یک کامیون برای حمل مصالح می گیرد یا اگر فردی برای رستوران خود یک ون برای حمل سفارشات می گیرد، این وسایل می توانند سالها برای کسب و کار این افراد درآمد ایجاد کنند. بنابراین، قوانین مالیاتی به این افراد اجازه نمی دهند که آنها چنین هزینه هایی را در همان سالی که آنها این وسایل را خریده اند از درآمد ناخالص سالیانه کسب و کار خود کسر کنند. در عوض، قوانین مالیاتی به این افراد اجازه می دهند که بخش مشخصی از چنین هزینه هایی را در طی چندسال، که عمر مفید عمر این وسایل می باشد، از درآمد ناخالص خود کسر کنند. مثلاً اگر عمر مفید کامیون در مثال ذکر شده ۱۰ سال باشد، می توان در طول ۱۰ سال مداوم درصدی از هزینه خرید کامیون را کسر کرد. به چنین روشی روش مستهلک کردن (Depreciation) گفته می شود. البته مشکلی که وجود دارد این است که بعضی از هزینه ها را برخلاف مثالهای گفته شده نمی تواند با اندازه گیری سالها با طول عمر مستهلک کرد. مثلاً، هزینه ساختن یا بهینه کردن (Improvement) محل کسب و کار را نمی توان با تعداد معین سال مطابقت داد.

اگر پرداخت دستمزد سالیانه ای به ارزش ۴۰۰۰۰ دلار به کارمندان برای کسب و کارتان بازده ای به اندازه ۱۰۰۰۰ دلار در طول سال ایجاد می کند، درآمد کسب و کارتان ۶۰۰۰۰ دلار خواهد بود. چنین محاسبه ای را در مورد هزینه های دیگر چون اجاره محل کسب و کار، هزینه آب و برق، هزینه تبلیغ، هزینه تعمیرات، و غیره می توان انجام داد تا مقدار درآمدی که مالیات بر آن تعلق می گیرد را تعیین کرد. چیزی که مساله محاسبه درآمد یک کسب و کار که مالیات بر آن تعلق می گیرد را پیچیده می کند، سالیانه بودن محاسبه و پرداخت مالیات می باشد بنابراین آنچه که در بحث مالیات باید تعریف یا معین کرد صرفاً درآمد نیست، بلکه درآمد سالیانه می باشد. قوانین مالیاتی دولت فدرال، به صاحبان کسب و کار اجازه می دهد که تنها هزینه های «سالیانه» را از بازده «سالیانه» کسب و کار کم کنند. اما مساله اینجاست که همیشه نمی توان بعضی از هزینه های سالیانه را با درآمدهای سالیانه مطابقت داد. بعضی هزینه ها مثل هزینه خرید وسایل و تجهیزات مربوط به کار شما، برای کسب و کار شما نه تنها در همان سال که هزینه را پرداخت کردید، بلکه در سالهای آینده نیز بازده و درآمد ناخالص به وجود می



**کاوه میر شفیعی**  
وکیل رسمی  
دادگاههای کالیفرنیا و فدرال  
KM@headwaylegal.com

## کلیاتی که در مورد قوانین مالیاتی مربوط به کسب و کار (Business) خود باید بدانید

شناخت و کاربرد عملی و صحیح هر مفهومی از جمله مفاهیم حقوقی، باید ابتدا آن مفاهیم را به درستی و ورای نمونه های عینی آنها تعریف کرد. مالیات سهمی است که مالیات دهندگان از درآمد خود به دولت برای هزینه های دولتی می دهند. بنابراین برای اینکه بفهمیم مالیات به چه تعلق می گیرد، ابتدا باید مفهوم «درآمد» (Income) را تعریف کرد. دادگاه عالی آمریکا درآمد را هر دارایی که به ارزش «خالص» یک فرد یا یک کسب و کار اضافه می کند تعریف می کند. بنابراین، برای تعیین درآمد یک کسب و کار، باید هزینه هایی که صرف به دست آوردن بازده (Revenue) آن کسب و کار می شود را از آن بازده کسر (Deduct) کرد. مثلاً

افلاطون در یکی از آثار خود شرح گفتگوی سقراط با یکی از شاگردان خود به نام اوتیفرون در مورد مفهوم «دین داری» را نقل می کند. هرگاه که اوتیفرون تعریفی از مفهوم دین داری ارائه می داد، سقراط با اثبات اینکه آن تعریف مفهوم دین داری را با تناقض روبرو می کند، نشان می داد که آن تعریف نمی تواند تعریف درست و کاملی از مفهوم دین داری باشد. دلیل اینکه تعاریف اوتیفرون با تناقض روبرو می شد این بود که او به جای تعریف کلی یک مفهوم، صفات یا نمونه های عینی آن مفهوم را نشان می داد. مثلاً به جای تعریف دایره، اشکال گرد را نشان می داد و می گفت که اینها دایره هستند. منظور از این مقدمه، بحث فلسفی نیست، بلکه بیان این واقعیت است که برای



**دفتر حقوقی  
رامین مظفر**  
وکیل رسمی دادگاههای کالیفرنیا و فدرال

**Ramin Mozaffar**  
Attorney at Law

**Knowledgeable & Experienced**

♦ Family Law      ♦ امور خانواده  
♦ Business Law      ♦ امور تجاری  
♦ Criminal Law      ♦ امور جنائی  
♦ Immigration Law      ♦ امور مهاجرت

Law offices of Ramin Mozaffar  
www.itlaws.com ♦ advocate@itlaws.com

<b>San Jose</b> سن جوزه (408)288-8488	<b>San Francisco</b> سانفرانسیسکو (415)218-8141	<b>San Mateo</b> سن متئو (650)347-5800
---	---	--

5201 Great American Parkway, Suite 320, Santa Clara, CA 95054



**دکتر فتانه هوشداران**  
کایروپراکتر

*Chiropractic care is more than just making the pain disappear. It is about learning, understanding & taking care of your body to improve your quality of life.*

www.chiropracticusaca.com

تشخیص، معالجه و جلوگیری از ناراحتی های مفاصل و استخوان، ورزشی، صدمات کاری و تصادفات رانندگی با پیشرفته ترین وسایل پزشکی

♦ سردرد ♦ رماتیسم ♦ دیسک ♦ شانه و زانو درد ♦ دردهای عصبی ♦ دردهای گردن ♦ دردهای کمر ♦ دردهای دست

مطب مجهز به دستگاههای فیزیکیال تراپی و  
ماساژ طبی، ورزشی، Aqua Med Massage

Serving: San Jose & Santa Clara اکثر بیمه های درمانی پذیرفته می شود

<b>(408)712-3788</b> 1610 Blossom Hill Rd., Suite #1 San Jose, CA 95124	<b>(408)244-7677</b> 2797 Park Ave., Suite #103 Santa Clara, CA 95050
---	---

داده است. کجا بهتر از قهرمان لالیگا او که برای بایرن در ۵۴ بازی ۳۳ گل در بوندس لیگا زده است بعد از آنکه آرسنال و یوونتوس ایتالیایی خواستار او بودند با ۲۲ میلیون یورو راهی اسپانیا شد.

برای آنکه بدانیم فوتبال ما در جام جهانی هیاهوی بسیار و برای هیچ بود و برای اینکه قبول کنیم آقای کی روش از همه زرنگ تر است باید فهمید که در فوتبال ایران همیشه حاشیه ها بر اصل چربش داشته هیچ بازیکن ایرانی راهی اروپا نشد و حتی دو بازیکن اروپایی ما هم از جزیره راهی سواحل خلیج فارس شدند، قرارداد بستن رضا قوچان نژاد با تیم الکویت یک شوک بود. او قسط ۵۰۰ هزار دلار گرفت، چرا؟ کسی نمی داند. این در حالی است که اشکان دژا که به تیم

العربی قطر پیوست و حداقل پول قابل قبولی دریافت کرد. رقم های دریافت شده در لیگ ایران بیشتر از پولی است که به رضا قوچان نژاد داده شد. کاپیتان تیم ملی جواد نکونام هم به تیم دسته دومی اوسا سونا پیوست و شجایی هنوز هیچ جایی ندارد. و حال امروز در خبرها آمده است که پولادی مدافع چپ تیم ملی که در جام جهانی روزهای خوبی داشت به خارج می رود، او پیش از پیش از تماشاگران پرسپولیس حلالی خواسته است. دنباله مطلب در صفحه ۵۲

و فابریکاس با گرفتن ۲۷ میلیون پاند عطا حضور در بارسلون را به تقایش بخشید تا باردگر راهی لندن شود تا این بار همراه چلسی به فوتبال خود ادامه دهد و اما دیوید لوئیس برزیلی از چلسی جدا شد، او قبل از آغاز جام جهانی به جمع پارسی ها اضافه شد. او که اغلب در چلسی مصدوم بود در حالی به پاریس رفت تا با ۳۰ میلیون پوند گران ترین مدافع جهان نام گیرد، فراموش نکنید اگر پارسی ها عجله نمی کردند و بعد از جام جهانی به سراغ لوئیس می رفتند قیمت بسیار پائین تر بود، چرا که او هم با تیم برزیل سقوط کرد. یکی از ارکان قهرمانی آلمان ها در جام جهانی یک هفته بعد از قهرمانی آلمان ها در برزیل به جمع کهنکشانان های رئال پیوست تا کارلو آنچلوتی ایتالیایی روی نیمکت رئال مادرید نشان دهد که امسال با برنامه مشخص دست به خرید زده است، او ۲۵ میلیون یورو برای تونی کروس داد تا عقل را ضمیمه و لخرچی هایش کرده باشد. خیلی ها اعتقاد دارند که اتلتیکو مادرید یکی از بهترین خریدهای فصل نقل و انتقالات را انجام داده است، متروکیچ که با آمدن لوادونفسکی جایش را در ترکیب ثابت بایرن در خطر می دیدید به تیمی رفت که مهاجم نوکش را از دست



## ورزش از نگاه من

دکتر احمد طوسی

Email: tousi1515@aol.com

با منچستر یونایتد خواهد رفت. اما یکی از مهاجمان بد شانس در جام جهانی دیگو کاستا بازیکن برزیلی تیم ملی اسپانیا بود. گرچه جام جهانی برای او خوب نبود، اما او مزد بازی های خوبش را در فصل باشگاهی قبل گرفت و از لالیگا و اسپانیا و از باشگاه اتلتیکو مادرید در ازای ۳۲ میلیون پوند به چلسی در انگلیس رفت تا شاگرد آقای خاص شود. کاستا که جام جهانی کاپوس داری را با تیم ملی اسپانیا در سرزمین مادری اش سیر می کرد، هم تیم اش حذف شد و هم از سوی هموطنان برزیلی اش برای تغییر ملیت دادنش حسابی نواخته شد. او با یک قرارداد پنج ساله به ارزش ۳۲ میلیون پوند راهی لندن شد تا در خط حمله آبی ها خود را بازیابد. بعد از تورس این دومین مهاجم تیم ملی اسپانیاست که به چلسی می پیوندد. پسر بد جام جهانی با تیم اروگوئه لوئیژ سوارز که برای چهارماه در حضور در میدان های بازی محروم است بدلیل داشتن دندان های تیزش راهی اسپانیا می شود تا همراه تیمی برزیلی صاحب قوی ترین خط مهاجمان جهانی شوند. آنجا که لیونل مسی هم حضور خواهد داشت او در بارسلون پیراهن شماره ۹ را برتن خواهد کرد. بایرن مونیخ بنا بر سنت چندین و چند ساله اش یکی از ستاره ها دورتموند را به خدمت گرفت تا هم چنان پرستاره ترین تیم بوندس لیگا و آلمان باشد. لوادونفسکی ۲۵ ساله در طول تابستان گذشته مورد توجه سران باشگاه بایرن قرار گرفته بود، اما یورگن کلوپ سرمربی دورتموند مانع از انتقال او به مونیخ بود و بالاخره پس از کش و قوس های بسیار باشگاه بایرن تأیید کرد که در مهلت نقل و انتقالات تابستانی رویرت لوادونفسکی به صورت آزاد و با قراردادی پنج ساله راهی مونیخ خواهد شد. این ملی پوش لهستانی در سال ۲۰۱۰ به جمع زرد پوشان وست فالن پیوست و تاکنون ۹۶ گل برای آنها به ثمر رسانده است. آقای خاص جناب مورینیو مربی چلسی در این فصل یک صید بزرگ دیگر هم داشت

در ایران لیگ برتر به هفته سوم خود رسیده است و اروپا آخرین روزهای نقل و انتقالات و آخرین جابجایی ها را ثبت می کند. در آمریکا دیدار بین منچستر یونایتد و رئال مادرید صد و هفت هزار تماشاگر را به تماشا وا می دارد. لوئیس ونگال مربی تیم ملی هلند که حالا روی نیمکت داغ سرخ پوش ها و یا شیادان سرخ نشسته است، اولین جام را برای منچستر یونایتد به انگلیس می برد آنها در فینال تورنومنتی در آمریکا سه بر یک رئال را به خانه فرستادند. بیشتر تیم های اروپایی ستاره های خود را جذب کرده اند تا از گرمی بازار در روزهای پایانی نقل و انتقالات کاسته شود. اسپانیایی مثل همیشه با رئال مادرید و بارسلون رقم های درشتی را با دسته چک هایشان می پردازند. مدیران ثروتمند رئال و بارسلون با به پای هم پیش بروند در بارسلون نیما پس از رهائی از آسیب دیدگی به تمرین پرداخته است. بایرن مونیخ طبق معمول همیشه ستاره های دورتموند را به خدمت گرفته است و دو سه بازیکن را نیز به لالیگا فرستاده است. بایونی در فصل نقل و انتقالات بسیار آرام بوده اند. منچستر سیتی قهرمان فصل قبل لیگ برتر جزیره با مالکان عربش خرید بزرگی نداشته است. پاری سن ژرمن و موناکو هم با شیوخ میلیاردی عرب چندان خبرساز نبوده اند. دیوید لوئیس برزیلی پیش از جام جهانی روانه فرانسه شده بود تا برای پاری سن ژرمن به زمین رود. ناپولی هم در این فصل و لخرچی چندانی نداشته است. شاه ماهی بازار نقل و انتقالات را رئال به تور زده، جیمز رودریگز که با درخشش در جام جهانی همه نگاه ها به او خیره شده بود به آرزوی حضورش در رئال مادرید دست یافت و با مبلغی بسیار قابل توجه از فرانسه به اسپانیا رفت. او از آن دسته بازیکنانی است که در ساق پاهایش یک شورش طغیانی ناب فوتبال آمریکای جنوبی موج می زند و همه را تشنه دیدن بازی می کند، البته حضور او در مادرید یک قربانی بزرگ داشت و آن فروش آنجل دی ماریا بود که به پاری سن ژرمن



**لیلی و شاهین**  
مشاوران املاک  
DOMINE GROUP  
Residential & Commercials



Shawn Jahanbani & Lilly Yaz  
Realtors

**We charge only 4.5% total commission to sell your house including complimentary Staging & Videography**

دست خود را در درستان ما بگذارید و با اطمینان کامل قدم به عرصه خرید و فروش ملک بنمائید. ما معاملات «آس» مارکت را یافته و در اختیاران قرار می دهیم. ما شما را از آخرین وضعیت املاک در مارکت کنونی مطلع می نمائیم.

**تنها با یک تماس تلفنی می توانید از آنها آگاه شوید!**

Lilly: (408)761-7499 Shawn: (408)916-8665  
BRE#01506610 BRE# 01952057  
Email: [lillyyazrealty@gmail.com](mailto:lillyyazrealty@gmail.com)  
3194 De La Cruz Blvd., # 10, Santa Clara, CA, 95054

**کنسرت امید در سن حوزه**  
شنبه ۱۵ نوامبر ۲۰۱۴ در  
Center for the Performing Arts  
تلفن اطلاعات ۵۵۳۲-۷۶۱ (۴۰۸)



## واکنش رضا و دژاگه به اهانت‌ها در توئیتر و فیسبوک

آریا صالحی

چند هفته ای است که کوچی و اشکان فعالیت های خود در شبکه های اجتماعی را تعطیل کرده اند.

شبکه‌های اجتماعی به اشتراک می‌گذاشتند. در جریان بازی‌های جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل هم که ملی‌پوشان از طریق اینستاگرام، توئیتر و فیسبوک دیدگاه‌های خود را به اشتراک می‌گذاشتند، اشکان دژاگه و کوچی در این زمینه فعال بودند و تقریباً هر روز عکس، پیام یا نقل قول از خودشان منتشر می‌کردند اما حالا چند هفته‌ای است که کوچی و اشکان فیسبوک و توئیتر خود را تعطیل کرده‌اند.

ماجرا از زمانی شروع شد که اشکان دژاگه به العربی قطر پیوست و کوچی راهی نادی الکویت شد. این انتقال، دلخوری کارشناسان فوتبال ایران را به همراه داشت و کارشناسان بابت افت احتمالی این دو بازیکن بین‌المللی ایران به واسطه حضور در لیگ‌های عربی، کوچی و اشکان را سرزنش کردند. **دنباله مطلب در صفحه ۵۳**

سالگی فدر را درون کورت تماشا کنند اما دست کم فعلاً از ۲۳ سالگی این ورزشکار نمونه می‌توانند لذت ببرند.

قبل از جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل و در روزهایی که تب فوتبال جامعه را فرا گرفته بود، ملی‌پوشان فوتبال ایران چه در رسانه‌ها و چه در فضای مجازی که حالا هر شبکه اجتماعی‌اش یک رسانه و پایگاه اطلاع‌رسانی است، حضوری فعال داشتند و با اظهارنظرها و کامنت‌های خود شور و هیجان جامعه را افزایش می‌دادند. در آن روزها، اشکان دژاگه و رضا کوچان‌نژاد که در لندن زندگی و فوتبال می‌کردند، به دلیل دوری از رسانه‌های ایرانی، بیشتر از طریق شبکه‌های اجتماعی با دوستانشان فوتبال در ارتباط بودند.

اشکان و کوچی اخبار مربوط به بازی تیم‌های خود و حتی خبرهای مرتبط با ملاقات‌های دوستانه‌ای که با یکدیگر داشتند را از طریق فضای مجازی و می‌رسد اما رازهای زیادی را در خودش نهفته است. عاشقان تنیس در سراسر دنیا البته به خوبی می‌دانند که شاید نتوانند ۴۰



عین نابوری مدعی اصلی قهرمانی در همان تورنمنتی است که نسخه پایان دوران بازی اش را سال پیش در آن پیچیده بودند! ساده و معجزه آسا، این طور نیست؟



از سال ۲۰۱۰ به این سمت در بازی های زمانی مختلف بسیاری تصور می کردند که راجر فدرر به پایان دوران هنرنمایی اش نزدیک شده است. پیچیدن نسخه راجر فدرر

هرچند در ظاهر آسان به نظر می رسد، اما در عمل کار دشواری است. فصل پیش بدون شک یکی از نامیدترین فصلهای دوران زندگی فدرر محسوب می شود. ۱۲ ماه پیش او در چنین روزهایی در یکی از عجیب ترین بازیهای تاریخ زندگی اش در ۳ ست مغلوب تامی

تنیس ورزش متفاوتی است. کمتر رشته انفرادی در ورزش دیده می شود که از لحاظ نوع رقابت شبیه تنیس باشد. پارامتر «ثبات» یکی از مهمترین عواملی است که برای قضاوت بازیکنان تنیس در طول تاریخ یاد می شود. برای درک این پارامتر شاید تنها آوردن نام فدرر کافی باشد. بازیکنی که از سال ۲۰۰۰ به این سمت همواره بدون وقفه دیگر تنیس بازان در رقابت ها حضور داشته باشد، مساله ای که هرچند اغراق شده به نظر

روبرو شد و از دور رقابت های یواس اوپن کنار رفت. آن شب بسیاری از طرفداران تنیس نسخه پایان هنرنمایی های فدرر پیچیده بودند. در ظاهر نیز حق با آنها به نظر می رسید. پیرمرد هیچ نشانه ای از بازگشت نداشت. نه از لحاظ بدنی و نه از لحاظ فنی و روحی وضعیت او به هیچ عنوان در حد متوسط هم نبود. اما راجر فدرر بودن در چنین لحظه هایی خودش را نشان می دهد. ۱۲ ماه از آن شب نجس می گذرد و راجر فدرر ۳۳ ساله در



Immigration & Translation Services

۱۳۱۸-۵۵۴-۴۰۸

# شرکت ساعی

## مشکل گشای شهر شما

کارت سبز، ویزای نامزدی

امور مربوط به دفتر حفاظت ایران

ترجمه کلیه مدارک، عکس گذرنامه

تشکیل شرکت ها

تعویض نام

### تابعیت

www.saeicompany.com



(408)554-1318

برای اطلاعات بیشتر با آقای داریوش کیلانی تماس بگیرید

940 Saratoga Ave., Suite #112, San Jose, CA 95129

ایرانی (انوشه انصاری) تماس بگیرد. این فیلم در جشنواره «ساندنس» امسال به نمایش در آمد.

فیلم مستند و پرنز «کامیوندار و روباه» ساخته «آرش لاهوتی» داستان مردی است که عاشق روباه است و فیلم هایی هم درباره روباه ها ساخته و سعی دارد فیلم جدیدش را درباره عشق یک الاغ با

روباها بسازد که در کل تماشایی و بدیع است. «مهمونی کامی» ساخته «علی احمدزاده» داستان گروهی جوان است که برای شرکت در یک پارتی روانه شمال می شوند و



اتفاقاتی که در سرراه آنها پدید می آید. «بهنم مقصودلو» مستندی درباره «عباس کیارستمی» و فیلم «گزارش» او ساخته که از دیدهای مختلف این فیلم را با صحبت با افرادی مثل: شهره آغداشلو، فرخ غفاری، فریدون هویدا... بررسی می کند.

دنباله مطلب در صفحه ۵۴

گیر می کند و دلواپس همسرش است که تنها در خانه منتظر اوست. همین طور «تانکر مادرید» ساخته «ستار چمن گلی» داستان راننده کامیونی است که همسرش



دکتر مصدق

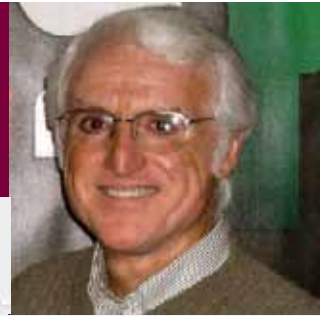
حامله است و او می کوشد تا قبل از وضع حمل او به خانه برسد ولی در سر راه با مشکلاتی مواجه می شود.

«انار میوه بهشتی» فیلم دیگریست از کردستان ساخته «تیمور قادری» درباره دختر و پسر خردسالی که والدین دختر به او اجازه نمی دهند به مدرسه برود ولی پسر همسایه می کوشد راهی پیدا کند تا به

دختر درس بدهد. علاوه بر این فیلم که به دنیای کودکان می پردازد، فیلم «سپیده» ساخته یک فیلمساز دانمارکی به اسم «بریت مدسن» هم هست که داستان دختر جوانی است که می خواهد فضا نورد شود. به این دلیل می کوشد تا با نخستین زن فضا نورد

## هفتمین جشنواره فیلمهای ایرانی سان فرانسیسکو ۲۷ و ۲۸ سپتامبر

### سعید شفا



هم از فیلمسازان ارزشمند ایران دارد که امسال برای خانم «پوران درخشنده» است که فیلم «هیس، دخترها فریاد نمی زنند» را با حضور فیلمساز نشان خواهد داد.

درباره کودتای ۲۸ مرداد مطالب بسیاری نوشته و عرضه شده، اما آخرین فیلم، آلیور استون، کارگردان برجسته آمریکایی نگرش تازه یی دارد از نقش سازمان سیا در براندازی حکومت دکتر مصدق با فیلم مستندش «تاریخ نگفته شده آمریکا» که به

طور اختصاصی در جشنواره امسال به نمایش درمی آید. از «فرامرز قریبیان» بازیگر مشهور، که فیلم «گناهکاران» را بازی و کارگردانی کرده به نمایش

وقتی هشت سال پیش جشنواره مستقل «فیلمهای ایرانی سان فرانسیسکو» جهت کشف و حمایت نسل آینده فیلمسازان جوان پا به عرصه وجود گذاشت، هیچ جشنواره ایرانی ای خارج از ایران وجود نداشت. تنها جشنواره موجود، جشنواره ای هست که دولت ایران در آمریکا برگزار می کند که از شیکاگو آغاز و در UCLA ختم می شود. «جشنواره فیلمهای ایرانی سن فرانسیسکو» طی هفت سال گذشته توانسته فیلمسازان



پوران درخشنده

درمی آید که نخستین فیلم پلیسی سینمای ایران بعد از انقلاب است. دیگر بازیگران فیلم: همایون ارشادی، شقایق فراهانی، محمد متوسلانی... هستند.

«در بند» ساخته «پرویز شهبازی» که در جشنواره حضور خواهد داشت، با شرکت «پگاه آهنگرانی» و «نازنین بیاتی» درباره

بسیاری را از اقصی نقاط دنیا به خود جلب کند و باعث کشف فیلمسازان با استعداد بسیاری در این مدت کم باشد.

علاوه بر این مهم، جشنواره سعی داشته هر ساله فیلم هایی را کشف و برای نخستین بار به نمایش در آورد. سال گذشته بطور مثال فیلم «رقص رونما» (۱۹۷۱) ساخته



سپیده

«هوشنگ شفتی» بود که جشنواره توانست با یافتن نسخه یی، آن را بعد از مرمت، پس از چهل سال به نمایش بگذارد. همین طور فیلم «گل شیطان»

ساخته «ترنس یانگ»، که در سال ۱۹۶۶ درباره قاچاق تریاک در ایران ساخته شد

را پس از چند دهه برای نخستین بار نشان داد. امسال نیز این روال با فیلم مستند «سفرهای برادران امیدوار» که نخستین

«سفرهای برادران امیدوار» که نخستین جهان سفر کردند و از این مسافرت ها توشه یی پر از فیلم و خاطره به همراه آوردند که دیدن این فیلم که توسط خود آنها ساخته شده دیدنی و بسیار تماشایی است.



مهمونی کامی

از سینمای کردستان که این روزها درگیر مسایل منطقه یی ست، فیلم های «آخرین زمستان» (ساخته: سالم صلواتی) درباره زن و شوهر مسنی ست که شوهر در برف

جهانگردان معاصر آسیا هستند به نمایش خواهد گذاشت.

جشنواره علاوه بر فیلم هایی که توسط فیلمسازان جوان ساخته می شود، بزرگداشتی

## اردشیر وثوقی

کارشناس و مشاور در امور فرید و فروش سافتمان های مسکونی و تجارتي

Find Your Happy Home



Ardeshir Vosoughi Realtor

حجت مشاوره رایگان لطفا با من تماس بگیرید!

(408) 342-3160

rdvhomes.com ♦ avosoughi@interorealestate.com

10275 N. De Anza Boulevard, Cupertino, CA 95014

'Your neighborhood is my neighborhood'



هم نبسته بود. حجاب مامان همیشه مثل ماست بقالی نیم بند بود. اون که رفت جلو، من به قانون عکس العمل رفتم عقب! بی نوا براتی. زمانی که مامان به وسط معرکه رسید مشدعلی از هولش جنگ انداخته بود فاق شلوار براتی رو گرفته بود تا شاید ناخود آگاه اندکی از مردانگیشو مهار کرده باشه و در این تقلا خشتک خودشم پاره شده بود. تو این کش واکش اونو پند و اندرز می داد که: آخه براتی جان، زنو خدا زده، تو دیگه چرا می زنی... که کاربیت ترکیب: خدا کسی رو نمی زنه مشدعلی. آگه بخواد بزنه باید به کمر این گردن شکسته بزنه که زنشو حامله نکنه. مرد حسابی مگه ماشین جوجه کشیه که نر و ماده می کنی؟ براتی که ماست ها رو کیسه کرده بود تو به آن خودشو جمع و جور کرد و صداشو پائین آورد که: حاج خانوم شما دخالت نکنین. که مامان امان نداد و توپ زد که: حاج خانومو درد. مردکه مردونگیت به اینه که می خوی زن زانو روبکشی اونم با چاقو؟ از امروزی بودن فقط کراواتشو یاد گرفتی؟ براتی که پشمش ریخته بود یخه شو مرتب کرد و گفت: احترامتو نگه دار. شما نمی فهمی کراوات چیه.

چند وقت پیش زن براتی حامله بود. شکم سومش بود در شرایطی که دو شکم اولش دختر بودن. یه روز دیدیم تو کوچه خود کشونیه که بیا و ببین. همه ریختیم بیرون. این جور سر و صداها خوراک هر هفته محل بود که به نوبت از تموم خونه ها بلند می شد و هر کدوم به یه دلیل. اهل محل همه دور خونه براتی جمع شده بودن. از اون وسط نعره براتی به گوش می رسید که: بزارین سرشو بیرو! یه کارد سلاخی دستش بود و هرچند ثانیه کله شو یه وری می کرد یعنی می خوام حمله کنم، جلومو بگیرین! چهارتا مرد به زحمت نگاهش داشته بودن. می خواست شکم زنشو سفره کنه. با فکل کراوات از درونی فلان اداره اومده بود خونه که بهش گفته بودن زنت باز دختر زایدده. داد می زد: بزارین جرش بدم! زن دختر زایه بهتره. مردهای محل سعی داشتن با ریش سفیدی فتیله خشمشو پایین بکشن. تو اون هیر و ویر یه لحظه نگاهم به مامان افتاد که داشت رنگ می داد و رنگ می گرفت و اون جا بود که دلم هری ریخت پایین. مامان که خشمگین می شد صدای انفجارش از کاربیت شب چهارشنبه سوری مهیب تر بود. مستقیم زد وسط جماعت و مردم که از ابهت او سابقه ذهنی داشتن کوچه دادن. از عجله حتی روسری



## قلک روی بخاری (بخش اول)

به مامان نگاه می کردم. اما گویا اون روز قیافه ام چنان مثل ننه مرده ها شده بود که مامان بزرگ تا آخرشو خوند و فهمید که تو خانواده ما چنین ترحماتی برای بچه ها جایی نداره. این بود که رو کرد به مامانم و گفت: اختر، قلک یکی چنده؟ تا مامان اومد بگه که لازم نیست من یه لنگه پا پریدم وسط حرفش که: هشت هزار! مامان گفت: نه ننه، لازم نداره. و چشمشو به من دروند. اما خوشبختانه مامان بزرگ ها همیشه از مامان ها منطقی تر هستن و مامان بزرگ من هم شامل این قاعده می شد. این بود که یه تومن گذاشت کف دستمو و گفت: بقیه شو عدس بوداده بگیر بیار. با پیش زمینه ای که از مامان داشتم بهش فرصت فکر کردن ندادم. با یک جست پولو رو هوا زدم و می خواستم با یه خیز مثل فریره از در بزنم بیرون که مامان باز موش دواند و گفت: نه! بذار هاشم بره. هادی پولو گم می کنه. آمپر زد بالا. خواستم با مامان دهن به دهن بذارم اما جای یکی به دو کردن نبود. من و هاشم همیشه جلوی مامان دهمون لای پاهامون بود. نه این که بزنه ها، نه! اما ترس داشتیم. ما که جای خود، بابا هم ترس داشت. اصلا یه ابهتی داره. زن کلاتریه. یه زنه و یه محل. همه در و همسایه و فامیلو رو سر انگشتش می چرخونه. یه همسایه داریم به اسم آقای براتی. در واقع اسمش براتعلیه. بابام به مسخره بهش می گه بلاهتی! براتی یه زن داره از نرمی مثل دنبه گوسفند! عاشورا وقتی تو تکیه می کن یا حسین مظلوم من فکر می کنم که مگه از خانم براتی کسی هم مظلوم تر هست؟ براتی پولی هم نداره اما زیاد سوسه میاد. هرچی داره و نداره جمع کرده داده دو سه دست کت شلوار. توی محل ما تنها مردیه که کراوات می زنه. این که می گم پول نداره خودم خبر ندارم اما آگه داشت هم محل ماها نمی شد. حتم دارم که ته دوری غذا رو سه بار با نون پاک می کرد. اما رمز خرسواری تو ایرانو خوب فهمیده بود. کراوات می زد به پهنی بیل که می شد باهاش خاکبرداری کرد. جیب خالی، پُر عالی! حالا چرا براتی رو وسط کشیدیم؟ واسه نشون دادن اوتوریتیه مامانم.

قُل قُلک یعنی چی؟ خودمم نمی دونم. مامان بزرگ من گاهی به کار می بره. از این کلمات زیاد بلده. کلماتی که به قول بابام مال عهد تیرکومنه. مثلاً به تاقچه می گه بخاری. یا پیش بخاری! یا به کشیده می گه تپانچه و از این حرف ها. بعضی هاشو که دیگه اصلاً نمی فهمم. به اونایی که تو فیلم ها ماچ آرتیستی می گیرن می گه حجامت چی! یه بار که اومده بود خونه مون و سر کیف بود دیدم بهترین موقع است که ازش بپرسم. مامان براش یه قلیون چاق آورده بود و اونم داشت مثل دودکش کوره پس خونه که از پشت بوم می دیدم از سوراخ های دماغش دود بیرون می داد. مامان که رفت جای بیاره مثل گریه زده پرسیدم: قُل قُلک یعنی چی؟ بچه ها همه می گن قُلک! مامان بزرگ تف سرلوله قلیونو پا کف دست پاک کرد و گفت: نه مادر جان، قُلکو نمی گم. یه جور کوزه کوچیکه که آب توش قُل قُل می کنه. مثل این قلیون. مامان که گوشش از آسپزخونه کلمه ای روجا ننداخته بود در اومد که: من وقتی بچه بودم یه کوزه کوچیک داشتم که بهش می گفتن قُل قُلک. با خودم می بردمش مدرسه. دیگه الان ققمه جاش اومده. اما چه فایده. قُل قُلک من آبو سرد می کرد.

با این که اشتباه کرده بودم اما حالا که صحبت قُل قُل شده بود من به مصداق ننه من بادوم بدجوری یاد قلک افتاده بودم. یعنی چیزی که بیشتر بچه ها داشتن و من نداشتم. نداشتم قلک آزارم می داد اما می دونستم که مامان برای این چیزا پول بده نیست. قلکو می شد قل داد و از صدای پول خردهای توش حظ روحی برد. صدایی به آرام بخشی لالایی مادر برای بچه قنداقی. مامان بزرگ یه هو مثل فالگیرا که به چشم زن ها نگاه می کنن و انگشت تو احساسشون می کنن فکر منو خوند و گفت: برو قلکتو بیار ببینم چه قدر پول جمع کرده ای. تا اومدم بگم ندارم مامان چنان چشمشو یه وری کرد که نون ندارم مثل نون بربری بیات راه نفسمو بست. اصلاً نگاه مامان از کمر بند بابا کارسازتر بود و ماست همه رو کیسه می کرد. واسه همین من همیشه اول یه کاری رو می کردم و بعد

دنباله مطلب در صفحه ۵۵

### Silicon Valley TaxSavers, Inc.

دفتر خدمات اجتماعی  
لیدا کوچصفهانی

کار را به کاردان بسپارید!



Not a Law Office

- دریافت حقوق و مزایای دولتی
- دریافت حقوق پرستاری
- اخذ تابعیت آمریکا (بدون امتحان) برای واجدین شرایط
- دریافت گرین کارت از طریق خانواده و ازدواج
- تنظیم فرمهای اداره مهاجرت و پناهندگی
- اخذ ویزای نامزدی
- مدیکر و مدیکل، SSI
- گرفتن وقت از سفارت آمریکا جهت ویزای توریستی
- تنظیم اوراق مربوط به دفتر حفاظت منافع ایران در آمریکا

(408)269-7283

lida.taxsavers@gmail.com

1777 Hamilton Ave., Suite 1100, San Jose, CA 95125

مورد تقلید و توجه شاعران و نویسندگان ایرانی و غیرایرانی بوده و خواهد بود. امیرخسرو دهلوی شاعر ایرانی الاصل مقیم هندوستان، خواجوی کرمانی، وحشی بافقی و تنی دیگر از منظومه سربایان پیوسته خسرو و شیرین نظامی را مد نظر داشته و از آن تقلید کرده اند، اما همانگونه که تقلید کنندگان شاهنامه فردوسی به پایه و عظمت و قدرت شاعری فردوسی بزرگ دست نیافتند، تقلید کنندگان آثار نظامی نیز نتوانستند در پهنه ادب پارسی هم پای او گردند و از عهده این کار عظیم در سطح نظامی توفیق یابند. همانگونه که وصف میدان نبرد و جنگ خاص نیروی اندیشه و نبوغ ذاتی فردوسی و هنر کم نظیر سخنوری او است، وصف مجالس بزم و توصیف رامشگران و بزم آریایان و نازک کاری ها و خیال پردازی های عاشقانه قهرمانان داستان ها نیز از ویژگیهای کار و قدرت خلاقه نظامی است.

به اختصار به وصف این داستان تراژیک و در خاطر ماندنی که عشق را به مشام جان می آویزد می پردازیم: سالهای بسیاری گذشته بود که انوشیروان، پادشاه دادگستر ساسانی فرزندی نداشت و در نهایت با نذر و نیاز صاحب پسری می شود که او را پرویز نامیدند. این نوجوان برومند تحت تربیت بزرگان و اساتید زمان پرورش یافت و با رسم و رسوم جهاننداری آشنا گردید. شبی در خواب کسی او را گفت که عشق ماهروبی «شیرین» نام در انتظار اوست. پرویز ندیم دانادل و صورتگر خود را که شاپور نام داشت به حضور طلبید و چگونگی خواب خود را برای او تشریح کرد. شاپور که مردی جهاننیده بود توصیف سرزمین های آران و ارمنی و حکومت زنی به نام مهین بانو را در آن سرزمین برای خسرو حکایت کرد و از شیرین زیبای پری پیکر آن دیار که برادر زاده مهین بانو است داستان ها بازگفت: پریروئی که فروغ و زیبایی چهره اش از ماه و مهر فزونی دارد.

یافت و گفت «راز نگفتی را به جز عشاقی که در کنار همدن در نمی توانند یافت» و سپس در وصف عشق چنین می سراید.

مبادا تازیم جز عشق کاری  
فلک جز عشق محرابی ندارد  
جهان بی خاک عشق آبی ندارد  
غلام عشق شوکاندیشه این است  
همه صاحب دلان را پیشه اینست  
جهان عشقست و دیگر زرق سازی  
همه بازیست الا عشقبازی  
اگر بی عشق بودی جان عالم

که بودی زنده در دوران عالم  
کسی کز عشق خالی شد فسردست  
گرش صدجان بود بی عشق مُردست  
مشو چون خر به خورد و خواب خرسند  
اگر خود گربه باشد دل درویند  
ز سوز عشق بهتر در جهان چیست  
که بی او گل نخندید، ابر نگریند  
طبايع جز گشش کاری ندانند  
حکیمان این کشش را عشق خوانند  
گر اندیشه کنی از راه بینش  
به عشق است ایستاده آفرینش

گر از عشق آسمان آزاد بودی  
کجا هرگز زمین آباد بودی  
داستان خسرو شیرین و فرهاد که موضوع سخن ماست، از جمله داستانهای اواخر عهد ساسانی می باشد. گویا این داستان بعد از قرن چهارم تا دوره نظامی توسعه و تغییراتی یافته و با صورتی که در مثنوی خسرو و شیرین مشاهده می شود به نظامی رسیده است. مثنوی خسرو شیرین که یکی از شاهکارهای شعر غنائی در زبان و ادب پارسی است در ۶۵۰۰ بیت سروده شده راجع به داستان عشقبازی خسرو پرویز، پادشاه ساسانی با شیرین شاهزاده ارمنی و سپس داستان عشق تراژیک و نافرجام فرهاد کوهکن و شیرین که یکی از غم انگیزترین افسانه های عشقی دراماتیک در تمام طول دوران است.

این اثر به یادماندنی و جاودانه از آغاز به شعر کشیدن آن توسط نظامی گنجوی



## سیر و سفری در گلستان ادب پارسی

گردآوری: مهندس پرویز نظامی

### عشاق نامدار جهان

خسرو - شیرین و فرهاد

به جز یکدیگر از جهان ندیدند؛ و نام وامق و عذرا که روزگاری دل به مهر هم دادند و عشق ورزیدند و جز به خاطر عشق نمی زیستند. اگر کتاب عشق را بخوانید آن را شگفت انگیزترین کتاب جهان خواهید یافت؛ در آن چند صفحه کوچک کوتاه وصف شادی و چندین دفتر بزرگ داستان غم خواهید دید؛ فصل هجرانش فصلی دراز و بحث و وصالش بحثی کوتاه است و آنجا که سخن از رنج عشق می رود گفتگو چندان است که شرح و حواشی خود از چندین مجلد فزون می گردد.

نظامی گنجوی، شاعر شیرین سخن پارسی گوی از همه بهتر پایان این راه دراز را

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر  
یادگاری که در این گنبد دوار بماند  
بر جمال تو چنان صورت چین حیران شد  
که حدیث اش همه جا در و دیوار بماند  
به تماشاه زلفش دل حافظ روزی  
شد که باز آمد و جاوید گرفتار بماند  
بشنوید تا نام شش زوج دلدادگان نامدار  
دوران کهن را در یاد خود بسپارید. نام  
ذال و رودابه را که با کشش عشق روی  
بهم آوردند، نام یوسف و زلیخا را که  
ناشناسانه از دو دیار دور دست بهم  
پیوستند؛ نام فرهاد و شیرین را که یکی  
در آتش عشق می سوخت و دیگری  
سربیوفائی داشت؛ نام مجنون و لیلی  
را که جز به خاطر هم نزیستند و چیزی

## دکتر کاملیا محمودی

وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا و فدرال

Law Office of  
Camelia Mahmoudi

طلاق، لیوینگ تراست، وصیت نامه، مالیات

#### Family Law:

♦ Divorce (Litigation & Mediation)

♦ Prenuptial Agreements

#### Estate Planning:

♦ Wills & Living Trust

#### Taxation:

♦ IRS & State Tax problems

#### دعای خانوادگی:

♦ طلاق: دعای و موافقتی

♦ قراردادهای قبل و بعد از ازدواج

#### انحصار وراثت:

♦ تنظیم وصیت نامه، تراست و وکالتنامه

#### امور مالیاتی:

♦ مشکلات مالیاتی و دفاع در مقابل IRS

Experience and results matter.

Our law firm has both.

Camelia Mahmoudi

Attorney at Law/J.D., LL.M. Taxation

(408)658-8580

camelia@camelialaw.com + www.camelialaw.com

2021 The Alameda, Suite 200. San Jose, CA 95126

## تسلیت

بهرام نازنین در خاک رفتی  
از این دنیای غم، غمناک رفتی  
زدی آتش به جان دوستداران  
چو گل پاک آمدی و پاک رفتی

مرضیه و رحیم عزیز، خبرد گذشت بهرام نازنین چنان سنگین و جانسوز است که به دشواری به باور می نشیند. این واقعه دردناک را خدمت شما و خانواده محترم تسلیت عرض می کنیم و برایتان از خداوند صبر و استقامت خواستاریم.

افلیا و اردشیر پرویزاد-همکاران-شرکت پژواک

## منطقه فضول آباد

### این پاک کن، درشت یادت نره

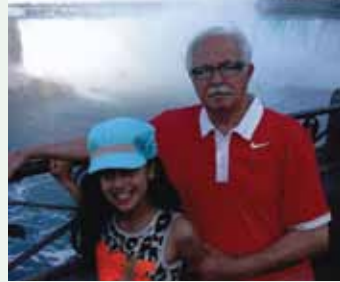
تورنتو که رفته بودیم، نوه ما، یه پاک کن درشت و سنگین داشت روش نوشته بود: **FOR BIG MISTAKE** اگر اشتباهی می نوشت بهش می گفتند غلطه پاکش کن. داشت درس های سال آینده را در خانه یاد می گرفت، بگذریم. من وقتی این پاک کن و عبارت روی آن را دیدم فوراً فکر کردم همه ما هم باید یک چنین پاک کنی البته قرضی و همه جا و همه وقت با خودمان داشته باشیم. حرف غلطی زدیم پاک کنیم تکرار نشه، کار غلطی کردم به همین پاک کن بگیم لطفا پاکش کن، نمی خوام تکرار بشه. البته آدم های غد، از دماغ فیل افتاده، خود شیفته، کاری به این پاک کن ندارند و اصلاً زیر بار نمی رن که کار غلطی کردند یا حرف غلطی زدن. تو جامعه از این جور آدم‌ها زیاده و خیلی هاشون هم کم سواد نیستند و مدرک تحصیلی دارند. من میگم آدم وقتی یه راه غلطی رفت با کمال آرامش و نرمش باید بره بیرسه که مسیر درست کدومه! آنوقت بی دردسر و با راحتی بمقصد میرسه. ما همون عادت نداریم با صراحت و آشکارا یه جایی بگیم من اشتباه کردم. بهرحال باید این تفکر و اخلاق غلط را درست کرد، والا بگذار تا بیفتد و ببیند سزای خویش.

دارد. پنجشنبه ها در تورنتو نشریات فارسی منتشر می شوند. کافیس بطور مثال یه سری به سوپر خوراک بزنی. حدود یکی دو نشریه تازه یه گوشه آن می بینی. سوپرهای دیگر ایرانی هم دارند اما نه به این تعداد خیلی کمتر. این نشریات معمولاً مطلبی، مقاله ای بپرد بخور ندارند و بقولی گردوی پوکند فقط غرق آگهی اند. تنها ماهنامه ای که دیدم قوی و پرمقاله بود یک مجله پزشکی است که چند نفر پزشک ایرانی مطالب آن را می نویسند و کارشان هم تحسین دارد.

در تورنتو چون بازار خانه سازی و نیاز به خرید و فروش حساسی گرم است یک لشکر از ایرانیان رفتند تو کار خرید و فروش املاک و نانشان را از این راه در میاورند. می گویند یاد گرفتن این حرفه هم سخت نیست و کافیس سه، چهار ماهی دوره بینی. اگر روزی کار ساخت و ساز متوقف شود، که خدا نکند، چه بیکاری عظیمی قابل پیش بینی است. من که دلم نمی خواهد ایرانی بیکار شود. آنهم در غربت بدتر از آن بیکسی. در تورنتو مثل همه جا هرکس عقاید مذهبی خودش را دارد. دنباله مطلب در صفحه ۵۲

حساب نکرده ام اما زیادند. میشود راحت همه زبان ها را در این شهر شنید منجمله فارسی خودمان. بیش از دویست هزار نفر ایرانی فقط در این شهر محاسبه شده است که به زندگی و کسب و کار مشغولند.

خداوند هوایشان را داشته باشد. وقتی از هر جای تورنتو رد می شوی محاله کسی نباشد که به زبان فارسی حرف نزد. این جور صداها به آدم آرامش می دهد، احساس می کنه نیومه غربت. باور نمی



کردم تورنتو در تابستان المثنای بهار باشد و زمستان. هر جا نگاه می کردم زمین ها سبز و پر علف بود با گل های ریز زرد. هر روز هم باران نازنینی می بارید. باران های کوتاه. ندیدم کسی از باران تابستان تورنتو بد بگوید. درسته که خیلی ها با تی شرت و شورت بیرون می آمدند اما چتر هم داشتند که لازم میشد.

مردم اگر می خواستند راحت پیاده روی می کردند در حالیکه زمستان تورنتو مکه میشه زیر هوای پائین تر از صفر درجه آمد بیرون قدم زد. البته در خیال ممکنه. تورنتو طبیعت فوق العاده جنگلی و زیبایی دارد. همه جنگل های آن از درخت افراست که از این درخت یک ماده شیرینی شبیه عسل هم می گیرند که می شود از فروشگاه ها خرید. تا حالا خیلی از این درختان را بریده اند و فضاهای سبزی نابود شده است و بجایش هرچه خواستند ساختند از خانه گرفته تا تاسیسات مورد نیاز دیگر. وقتی درختان یک محلی را قطع می کنند یک قسمت را نگه می دارند تا بعد بشود پارک جنگلی همان محل، من و پسرم بعضی از روزها به یکی از این پارکها می رفتیم و قدم می زدیم. چه درختان بلندی! گاهی با این انبوه درخت آسمان را نمی توانستیم ببینیم. زیر پایمان هم صدای خش خش برگها بود. هر وقت به تورنتو آمدم با اندوه دیدم دارند درختان جنگلی را می برند و پودر می کنند. احساس بدی داشتم، انگار درختان بمن می گفتند بگو این کار را نکنند و با ما مهربان باشند.

بگذریم در تورنتو فروش مشروبات الکلی دست دولت است و کارکنان این فروشگاه ها کارکنان دولت می باشند. بهر کسی هم نمی فروشند چون محدودیت سنی وجود

## مشقی تازه در روزهای غربت

حسینعلی مکنندی

فریمان- کالیفرنیا

e-mail: ha@makvandi.com



هم بدانید که مقرر پنج بانک بزرگ کانادا در همین شهر است. مضافاً شهری که من به آن سفر کردم و چقدر کار خوبی کردم که از چند جهت قابل توجه است تورنتو توسعه دهنده امور مالی، خدمات تجارت، ارتباطات، هوا فضا، حمل و نقل، رسانه ها، هنر، فیلم، ساخت برنامه های تلویزیونی، انتشارات، تولید نرم افزار، تحقیقات پزشکی، آموزشی، گردشگری، مهندسی و صنایع و ورزش است. بهرحال دیگه کاری به این قسمت نداریم. هر بار که به تورنتو آمدم طی یک دهه اخیر، احساس کردم دیگه این شهر را درست نمی شناسم. از بس در آن به سرعت ساخت و ساز می شود. آن هم چه برج های غول آسایی و یا چه بناهای فراوان تازه ای. می گویند عاقبت تورنتو مثل نیویورک به شهر برج ها معروف می شود. این حرف کاملاً درست است و ندیدم کسی آن را رد کند. چند جور مهاجر به این شهر آمده اند را

**ره آوردی از سفر به تورنتو**  
کی رفته بودم تورنتو؟ از اول ماه جولای تا بیست و نهم همین ماه. شاگرد مدرسه های اینجا می دانند چرا گفتم ماه تفریحی، چون در این ماه کتاب و درس را می بوسند، میذارن کنار و میرن دنبال ذوقیات، تفریحات و ورزش. بگذریم اول باید بگم تورنتو بزرگ ۵,۵۵۵,۹۱۲ نفر جمعیت دارد که خیلی از این آمار جمعیتی مهاجرند و لابد از هفتاد دو ملت یا کمتر. بهرحال کار مهاجرتشان را درست کردند و رفتند به آنجا. گمان نکنم ناراضی هم باشند.

تورنتو در غرب دریایچه انتاریو قرار دارد. و یک واژه سرخ پوستی است که معنی محل ملاقات می دهد. یک معنی دیگه هم برایش گفته اند که حالا پاک یادم رفته. این حرف را که حالا براتون میگم خیلی مهمه. این شهر پایتخت اقتصاد کانادا است و یکی از مراکز بزرگ اقتصاد جهان. همین قدر

## آرایش دائمی صورت توسط مینو پارسا

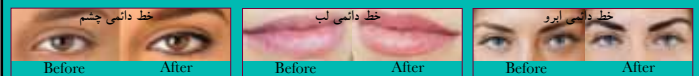


Mino Parsa/Beautician

با تکنیک منحصر به فرد در این مرکز، زیبایی طبیعی خود را نمایان کنید.

طراحی دائمی ابرو و هاشور زدن، خط لب، خط چشم، متناسب با چهره، کشیدگی پوست (lifting) از طریق ماسک و لایه برداری کامل پوست، بدون عوارض جانبی، با استفاده از مواد درجه یک و استریل در محیطی کاملاً آرام و بهداشتی

\*Permanent Makeup Specialist  
\*Non-Surgical Facelift \*Phytic Skin Peeling



Take your pick from our affordable selection of treatments & Skin Care products, & we will take care of the rest.

Step into our discreet, relaxed clinics & you will feel instantly reassured that you have made the right choice.

Clinics in South, East & North Bay

(415) 370-3974



دوباره می‌بویم از تو گل  
به میل نسل جوان تو  
دوباره می‌شویم از تو خون  
به سیل اشک روان خویش  
دوباره یک روز روشنا  
سیاهی از خانه می‌رود  
به شعر خود رنگ می‌زنم  
ز آبی آسمان خویش  
اگرچه صدساله مُرده‌ام  
به‌گور خود خواهم ایستاد  
که بر دَرَم قلبِ اهرمن  
به‌نعرهٔ آنچنان خویش  
کسی که «عظم رمیم» را  
دوباره انشا کند به لطف  
چو کوه می‌بخشدم شکوه  
به عرصهٔ امتحان خویش  
اگر چه پیرم ولی هنوز  
مجال تعلیم اگر بُوَد  
جوانی آغاز می‌کنم  
کنار نوباوگان خویش  
حدیث «حَبِّ الوطن» ز شوق

بدان رُوش ساز می‌کنم  
که جان شود هر کلام دل  
چو برگشایم دهان خویش  
هنوز در سینه آتشی  
به‌جاست کز تاب شعله‌اش  
گمان ندارم به کاهشی  
ز گرمی دودمان خویش  
۲۰ اسفند ماه ۱۳۶۰

<http://khaandaniha.com>

یا رب مرا یاری بده ، تا سخت آزارش کنم  
هجرش دهم ، ز جرش دهم ، خوارش کنم ، زارش کنم  
از بوسه های آتشین ، وز خنده های دلنشین  
صد شعله در جانم زخم ، صد فتنه در کارش کنم  
در پیش چشمش ساغری ، گیرم ز دست دلبری  
از رشک آزارش دهم ، وز غصه بیمارش کنم  
بندی به پایش افکنم ، گویم خداوندش منم  
چون بنده در سودای زر ، کالای بازارش کنم  
گوید می‌فزا قهر خود ، گویم بخواهم مهر خود  
گوید که کمتر کن جفا ، گویم که بسیارش کنم  
هر شامگه در خانه ای ، چابکتر از پروانه ای  
رقصم بر بیگانه ای ، وز خویش بیزارش کنم  
چون بینم آن شیدای من ، فارغ شد از احوال من  
منزل کنم در گوی او ، باشد که دیدارش کنم  
سیمین بهبهانی



## لادن الهی

مشاور آگاه و با تجربه

در خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری  
*My mission is to provide an excellent service & to exceed all your expectations!*

فرید منزل می‌تواند بزرگترین سرمایه‌گذاری در طول  
زندگی شما باشد. با من در اجرای این امر مهم مشورت کنید!

Ladan Elahi , Broker Associate, CDPE, GRI BRE # 01866376

Cell: (925)336-0227 ♦ [ladan@ladanhomes.us](mailto:ladan@ladanhomes.us)

760 Camino Ramon #200, Danville, Ca 94526

## یادداشتهای با تاریخ

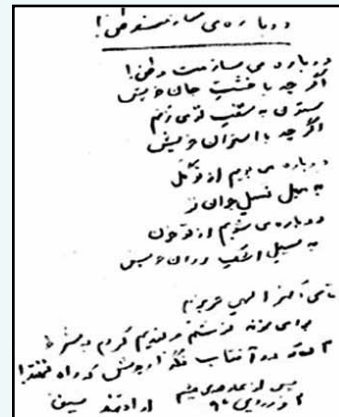
صدرالدین الهی



## تاریخچه شعر «دوباره می‌سازمت وطن»

ویران‌گر را درهم بشکنم. نوشتم، بله  
نوشتم: «دوباره می‌سازمت وطن» از دلم  
پرسیدم: «با چی؟» و دل‌گفت: «اگرچه  
با استخوان خویش . . .» و شعر شکل  
گرفت. همین شعری که دارید می‌خوانید  
«دوباره می‌سازمت وطن» و شعر را به  
«سیمین دانشور» هدیه کردم که همیشه  
دلش مثل من برای دوباره ساختن وطن  
می‌تپد.»

... و شعر جاری شد  
و شعر دوباره می‌سازمت وطن که در  
اسفند ۱۳۶۰ یعنی سی سال پیش شروع  
شده است مثل یک چشمه روشن از امید  
در جان همه ایرانی‌ها جاری شد.  
حالا هرجا می‌رفتی می‌پرسیدند:  
«شعر دوباره می‌سازمت وطن» سیمین  
را خوانده‌ای؟



## «دوباره می‌سازمت وطن» با دستخط «سیمین بهبهانی»

آقای دکتر الهی عزیزم،  
برای نمونه نوشتم و تقدیم کردم به  
شرط آن که در آفتاب نگذاریدش که  
راه نیفتد! پس از عارضه چشم  
۲ فروردین ۹۰ - ارادتمند سیمین



دوباره می‌سازمت وطن!  
اگرچه با خشت جان خویش  
ستون به سقف تو می‌زنم  
اگرچه با استخوان خویش

بی‌گمان شعر «دوباره می‌سازمت  
وطن» سروده بانوی شعر ایران سیمین  
بهبهانی از شناخته شده ترین شعرهای  
معاصر ایران است که هرکس به نوعی  
از آن سهمی برده است .

«دوباره می‌سازمت وطن» را «سیمین  
بهبهانی» سه سالی پس از انقلاب، در  
آخرین روزهای اسفند ماه سال ۱۳۶۰  
سرود. سی سال بعد در فروردین ۱۳۹۰،  
وقتی «باراک اوباما» رئیس جمهوری  
آمریکا در پیام نوروزی خود خطاب  
به ایرانیان، ترجمه دو بیت از این شعر  
را چاشنی تبریک خود کرد کارش  
به رسانه‌های گروهی فارسی‌زبان هم  
کشیده شد. این سروده تولدی دوباره  
یافت و بار دیگر نقل محافل ایرانی شد.  
اما اینکه «این شعر چگونه ساخته شد؟»  
«سیمین بهبهانی» در شرح چگونگی  
سرایش این شعر، می‌نویسد:

«سال‌های بد بود. سال‌های بعد از  
اعدام‌های روی پشت‌بام و محکمه‌های  
بی‌عدالتی به نام عدالت و قسط اسلامی.  
دلم از ویرانی‌ها گرفته بودم. در خانه تنها  
بودم. توی آشپزخانه یک میز کوچک  
بود و من بودم و کاغذ و قلم در دستم  
و هزار غم در دلم. نتشستم. شعر در جانم  
می‌جوشید. ویرانی‌ها را می‌دیدم و در  
فکر آن بودم که چه می‌توان کرد؟ وطن  
درهم شکسته و ویران بود. برخاستم.  
یک فنجان چای ریختم و به آرزوهای  
لگدمال‌شده اندیشیدم. کسی را نداشتم  
که با او درد دل کنم. دو سه شب پیش  
«سیمین» را دیده بودم. «سیمین دانشور»  
ویران‌تر از خودم و سرگردان‌تر از من.  
هنوز «جزیره سرگردانی» را ننوشته بودم.  
با من که حرف می‌زد انگار ایستاده است  
و از ته قلب من فریاد می‌کند.

بله، آقای الهی، یک‌مرتبه شعر آمد.  
شعری که امید را به فردا نشان می‌دهد.  
ته قلبم روشن شد. فکر کردم اگر هم  
مُرده باشم دوباره برمی‌خیزم که اهرمن

Parvaz entertainment proudly presents

**OMID**

live in concert

San Jose, CA

**Sat Nov 15, 2014**

Center for the performing Arts

255 Almaden Blvd, San Jose, CA 95113

Doors open @7PM

Show starts @8 PM

Info/Sponsorship: 408-761-5532

844-402-4347

Ticket available @ local persian store

And online <http://www.sanjosetheaters.org>

## از درگوشی ما

## به قلم: پیرایه

چگونه ارباب مسلکی شوهر ایرانی را در کوتاه مدت محدود نموده و تدریجا «آقا» را سرچایش بنشانند تا بالاخره شاهپرش را بریده نوکش را ورچیدند. آنوقت است که طرف بی سر و صدا خرید می کند. نوبتی غذا می پزد، ظرف می شوید، نظافت حمام و آشپزخانه و بچه داری و پادوئی و سایر کارهای ریز و درشت خانه را هم با روی خوش انجام می دهد. جیک هم نمی زند. زیرا در صورت ناراضی و دلخوری چه بسا نه تنها بی خانمان و دریدر می شود بلکه مفلس «فی امان الله» تا آخر عمر موظف است جور طرف را کشیده بردگی و چاکری مستمر را بپذیرد. چنین است که واقعا در پاره ای مواقع دل بعضی از ما پاکبخته ها چه بسیار خنک می گردد و اما تفاوت فاحش بر قوانین شرعی و عرفی زن ستیزی سرزمینمان استوار بوده و هست جائی که به انکاء همان قوانین ازلی ابید حضرات بار آمده اند و همان کنند در رسم آباء اجدادی رقم خورده است و رد خور ندارد. می نالند که ما ضعیفه ایم و ناقص العقل و به فرموده انبیاء، اولیا نیمه مرد لاجرم در جمیع فتوهای تاریخی سنتی «نصف» آدمیزاد زنده به حساب می آئیم و بالاخره ما نصفه های دیار مردانه می بایست از هر جهت نیازمند مردمان در خدمتگزاری سرور و ارباب و مالک سر از پا نشناسیم که در غیر اینصورت «ناشده» به حساب می آئیم و نان آقا بر ما حرام. می سوزیم و می سازیم تا می رسیم به مرحله آخر... یعنی بعد از ماهها و شاید سالها ناخوش داری طاقت فرسا توأم با بدزبانی و توپ و تشر طرف مربوطه مرخص می شود آنوقت است که قانون مسلم ارث می رود روی صحنه. هشت یک هوایی سهم زوجه.

دنباله مطلب در صفحه ۵۲

انداخته رفته به خودش برسد.»

بهر کیفیت حضرات عیال اختیار می فرمایند صرفا برای آسایش و پرستاری دائم به همین دلیل، هیچ مرد ایرانی زن کمتر از ده سالی کوچکتر از خود نمی گیرد. بالاخره مرد پیری دارد، مریضی و رنجوری و از کار افتادگی دارد. زن را برای این دوران می خواهد والا مگر عقل و شعورش را از دست داده که خودش را گرفتار و اسیر «زاق و زوق» کند و آزادی و «بللی» و قربان صدقه خانم والده را فدا نماید.

و اینجا در غربت بسیاری از زنها نان آور خانواده هم بوده اند و یا کمک خرج روزانه را تا حدودی تقبل نموده اند در حالیکه حتی در موقعیت شغل کاری در خارج منزل باز متضمن و مسئول تمام امور داخل منزل هم بوده و اصولا انتظاری از مردشان ندارند. چرا تلخی و بدزبانی و گنده گوئی. چرا جوانانی که دور از ایران بار آمده اند و از آغوش خانواده ایرانی به اختیار یا اجبار کنده شده اند خودکفا می شوند آنهم تا حدودی که البته بستگی به ازدواج خودی یا بیگانه دارد. یعنی رفتار و کردار در قبال همسر ایرانی و غیر ایرانی کلا متفاوت است. در عین حال با اکثر کمبودهای تربیتی و سنتی بسیار متجددتر تمدن تر و انسانی تر از ابوی گرام. اما پسرنی که اینجا هم در دامان والدین ایرانی قدیمی رشد کرده اند هنوز هم گهگاه به افتخار خصلت های موروثی و مقام ارباب رعیتی «آقاشون» از بذل توجه به تساوی حقوق همسر خصوصا هموطن در موازات ضعف شخصیت «مامان جونشون» ظفره می روند. و همین جوانان پرومند تحصیله کرده باز هم با همسر غیرایرانی رفتاری مطلقا ملایم تر منصفانه تر و مودبانه تر عرضه می نمایند. البته اگر طرف آمریکائی باشد که علی رغم هیچگونه مزیت یا درآمدی خودش میداند

و سرگرمی و معاشرت در به وجود مبارک، بد نگذرد. تمام و کمال هم تدارک جمیع احتیاجات درونی و بیرونی جسمی و روحی به عهده عیال مربوطه. و در غیر اینصورت «پس تو چکاره ای؟ زن گرفتم برای همین و بس.»

تلفنی اطلاع دادند که یکی از دخترها در فلان شهر وضع حمل کرده. مادر برای سه چهار روز از «شیر مرغ و جان آدمیزاد» آماده کرد و گفت: «همه نوع غذا و وسائل خورد و خوراک در یخچال است سایر کارهایت را با روز و ساعت نوشته ام. تلفن هم دست است. تماس بگیر.» که فغان پدر بلند شد. «کجا راه افتاده ای. سگ و گریه هم می زایند. تکلیف من چه می شود؟»

زن را بردند بیمارستان برای جراحی آپاندیس، مرد تالان و هراسان به عموم آشنایان خبر داد که «گرسنه و تنها افتاده ام کنج این خراب شده، نه غذائی، نه دوائی، نه آب و نانی، خانم، بنده را

مردان ایرانی نمی گویم صد در صد بلکه نود و نه درصد و باز هم نمی گویم پسران به ثمر رسیده در خارج بلکه حضرات فراری و تبعیدی و مهاجر و متواری عموما «چارچنگولی» اند، یعنی هیچگونه از امور اداره نیازمندی های روزانه شخصی آگاهی ندارند، نه تنها از عهده بر نمی آیند بلکه حتی نمی خواهند درباره اینگونه موارد فکر کنند چه رسد به خود زحمت دهند و مختصری یاد بگیرند. خلاصه کلام آقایان بازنشسته و معمولا بیکاره خانه نشین فقط نشسته اند به تخت سروری و اربابی دستور می دهند. سرویس بیست و چهار ساعته می طلبند و از جا تکان هم نمی خورند. چه بسا از «غروند» و ایراد و بدخلقی هم کوتاه نمی آیند و ادعای طلبکاری هم نمی نمایند. صبحانه، نهار، شام، اطاق تمیز، لباس شسته و البته رسیدگی مداوم به مداوای دردهای پیری و فرسودگی و چه پسندیده تر و واجب تربیبات تفریح



## مشاور مالی و مالیاتی

Accounting, Auditing &amp; Tax Services

سرویس مطمئن، قیمت مناسب، توجه کامل به نیازهای شما



خدمات دفترداری

مشاوره و برنامه ریزی مالی و مالیاتی

رسیدگی و جوابگویی در حل اختلافات با مراجع مالیاتی

تهیه و تنظیم اظهار نامه های مالیاتی (شخصی و شرکت ها)

Tax Planning

Tax Return Preparation

Business Bookkeeping

Tax Problem Resolution



Responsive to Your Needs

Reliable Service Reasonable Rates

www.mytaxmd.com

Tel: (408) 236-2444 Fax: (408) 236-2484

3550 Stevens Creek Blvd., Suite 330 San Jose, CA 95117

## جهت اطلاع

با از دست دادن چندین سخنران معروف در سن حوزه، جهت انجام کلیه مراسم مذهبی، بانویی آماده است با سخنرانی در مجالس ختم عزیزان، روح رفتگان شما را شاد و باعث آرامش خاطر بازماندگان گردد!

همچنین انجام مراسم عقد شرعی و قانونی!

جهت کسب اطلاعات بیشتر لطفا با تلفن های زیر تماس حاصل فرمایید!

(۴۰۸) ۶۰۳-۹۰۳۳

(۴۰۸) ۳۷۱-۶۴۴۰



پیکر و دوستش) در یک مزرعه مشغول به کار شده و حوادث تلخی را سپری می کنند...

لنی: تو گفتی من پسرعموت هستم  
جرج: دروغ گفتم! اگر فامیل من بودی



خودکشی می کردم.

**موبی دیک ۱۹۵۶ Moby Dick**

نویسنده: هرمن ملویل، کارگردان: جان هیوستن، بازیگران: گریگوری پک- ریچارد بیسپهارت

تنها بازمانده یک کشتی غرق شده شکار نهنگ، داستان ناخدای کشتی و وسوسه



ی او را برای شکار نهنگ سفید (موبی دیک) تعریف می کنند...

ناخدا اهب: خواب، من در تابوت خواهم خوابیدم، تا زمان مرگم هیچوقت به خواب فکر نمی کنم.

دنباله مطلب در صفحه ۰۲

بنایت و مکافات ۱۹۶۹ Crime and Punishment  
نویسنده: فئودور داستایونسکی، کارگردان: لو کولیدزائف، بازیگران: گئورگی تاراتورکین- اینوگنتی اسموگتنفسکی  
راسکول نیکف: دانشجوی رشته ی حقوق به



خاطر پول، یک سمسار و خواهرش را به قتل می رساند...

راسکول نیکف: همیشه می دانستم که پول باعث تباهی می شود.

وداع با اسلحه ۱۹۵۷ A Fairwell to arms  
نویسنده: ارنست همینگوی، کارگردانان: چارلز ویدور و جان هیوستن، بازیگران:

راک هادسون- جنیفر جونز  
ماجرای عشق بین یک پرستار انگلیسی و یک سرباز آمریکایی در جنگ اول جهانی.  
کاترین: شاید دوباره عاشق من شوی.  
گروهیان: منظورت ای دوباره چیست؟  
می دونی که خیلی دوستت دارم.

موش ها و آدم ها ۱۹۳۹ Of mice and men  
نویسنده: جان استاینیک کارگردان: لویی مایلسون، بازیگران: برگیس مردیت- لان چینی جونیر  
دو کارگر دوره گرد (یک عقب مانده ذهنی غول



ارباب خود را شرح می دهد...  
کتی: آن شب وقتی در باران رفتی، گفتم که به او تعلق دارم

**جنگ و صلح ۱۹۵۶ War and Peace**



نویسنده: لیو تولستوی، کارگردان: کینگ ویدور، بازیگران: آدری هپبورن- هنری فاند- مل فر  
زندگی دو خانواده اشرافی روس در زمان ناپلئون بناپارت و حمله او به روسیه...

ناپلئون: الان غازه های وحشی در حال کوچ به جنوب هستند، چطور است که در زمستان آن ها را به تله بیندازیم.

بی نوایان ۱۹۵۸ Les Miserables



نویسنده: ویکتور هوگو، کارگردان: ژان پل شانوس، بازیگران: جین گابن- برنارد بلیر ژان وال ژان که به علت دزدیدن یک قرص نان به زندان محکوم شده، پس از فرار باقی عمر خود را باید از چنگ بازرس ژاور مخفیانه زندگی کند...

ژان وال ژان: بخاطر دزدیدن یک قرص نان زندانی شدم، اما در زندان روزی دو قرص نان به من می دهند!

بلندی های بادگیر ۱۹۳۹ Wuthering heights

نویسنده: امیلی برونته، کارگردان: ویلیام وایلر، بازیگران: مرل ابرن و لارنس اولیویه  
مستخدمه ای داستان عشق بدفرجام

**KHOBSURAT**  
THREADING SALON

**سالن آرایش و زیبایی خوب صورت**

Full Service Salon

30 years of Experience. Serving Bay Area

\$10 EYEBROW THREADING

بند ابرو ۱۰ دلار

♦ بند ابرو و صورت ♦ واکس ♦ آرایش عروس ♦ آرایش ♦ رنگ مو و های لایت ♦ حنا ♦ کوتاه کردن مو ♦ فیشال



♦ Threading ♦ Waxing ♦ Bridal ♦ Makeover ♦ Full Hair Service ♦ Facials ♦ Hair Color ♦ Henna...and much more!

All our facials are herbal & chemical FREE

www.khoobsuratsalon.com

**(408)588-1215**

Serving in Two Locations

**(408)774-1214**

3956 Rivermark Plaza  
Santa Clara, CA 95054

Now Hiring

1014 East El Camino Real  
Sunnyvale, CA 94087

Tues-Sat: 10am-8pm Sun. 10am-6pm  
Closed Mondays

Threaders, Cosmetologist,  
Estheticians, Full Time &  
Part Time Receptionist

Mon- Sun: 11:am to 8:pm  
Closed Mondays

## افسانه

بر بالای تپه ای در شهر وینسبرگ آلمان، قلعه ای قدیمی و بلند وجود دارد که مشرفه بر شهر است. اهالی وینسبرگ افسانه ای جالب در مورد این قلعه دارند که بازگویی آن مایه مباهات و افتخارشان است:



قادر به حمل آن باشد.

نا گفته پیداست که قیافه حیرت زده و سرشار از شگفتی فرمانده دشمن به هنگامی که هر یک از زنان شوهر خود را کول گرفته و از قلعه خارج می شدند بسیار تماشایی بود.

افسانه حاکی از آن است که در قرن ۱۵، لشکر دشمن این شهر را تصرف و قلعه را محاصره می کند. اهالی شهر از زن و مرد گرفته تا پیر و جوان، برای رهایی از چنگال مرگ به داخل قلعه پناه می برند. فرمانده دشمن به قلعه پیام می فرستد که قبل از حمله ویران کننده خود حاضر است به زنان و کودکان اجازه دهد تا صحیح و سالم از قلعه خارج شده و پی کار خود روند. پس از کمی مذاکره، فرمانده دشمن به خاطر رعایت آیین جوانمردی و بر اساس قول شرف، موافقت می کند که هر یک از زنان در بند، گرانها ترین دارایی خود را نیز از قلعه خارج کند به شرطی که به تنهایی

## یه آشی برات بپزم که یه وجب روغن رویش باشه

در کتاب (سه سال در دربار ایران) نوشته دکتر فوریه، پزشک مخصوص ناصرالدین شاه، مطلبی نوشته شده که پاسخ این مسئله یا این ضرب المثل رایج بین ماست. او نوشته: ناصرالدین شاه سالی یک بار (انهم روز اربعین) آش نذری می پخت و خودش در مراسم پختن آش حضور می یافت تا ثواب ببرد. در حیاط قصر ملوکانه اغلب رجال مملکت جمع می شدند و برای تهیه آش شله قلمکار هر یک کاری انجام می دادند. بعضی سبزی پاک می کردند. بعضی نخود و لوبیا خیس می کردند. عده ای دیگ های بزرگ را روی اجاق می گذاشتند و خلاصه هر کس برای تملق و تقرب پیش ناصر الدین شاه مشغول کاری بود. خود اعلیحضرت هم بالای ایوان می نشست و قلیان می کشید و از آن بالا نظاره گر کارها بود. سر آشپزباشی ناصرالدین شاه مثل یک فرمانده نظامی امر و نهی می کرد. بدستور آشپزباشی در پایان کار به در خانه هر یک از رجال کاسه آشی فرستاده میشد و او می بایست کاسه آن را از اشرفی پر کند و به دربار پس بفرستد. کسانی را که خیلی می خواستند تحویل بگیرند روی آش آنها روغن بیشتری می ریختند. پر واضح است آن که کاسه کوچکی از دربار برایش فرستاده میشد کمتر ضرر می کرد و آنکه مثلاً یک قند بزرگ آش (که یک وجب هم روغن ریخته شده) دریافت میکرد حسابی بدبخت میشد. به همین دلیل در طول سال اگر آشپزباشی مثلاً با یکی از اعیان و یا وزرا دعواش میشد، آشپزباشی به او می گفت: بسیار خوب! بهت حالی می کنم دنیا دست کیه! آشی برات بپزم که یک وجب روغن رویش باشد.

کلی استنطاق و سین جیم های بی پایان دستبندش زدند و بردندش زندان. من که شاهد این ماجرا بودم نا خودآگاه چشمم به پلاک ماشین این آقای محترم افتاد و دیدم پلاک ماشینش این است: DUI LAWYER معلوم مان شد که حضرت آقا خودشان وکیل دادگستری هستند و تخصص شان هم دفاع از بندگان مست و پاتیل حضرت باری تعالی است که بد شانس می آورند و به چنگ پلیس می افتند و باید کلی تقاص پس بدهند و چند هزار دلاری هم جریمه بدهند. به خودم گفتم: آخی... طفلکی خیاط تو کوزه افتاد.



آدمخواران حماس امروز هیجده تن از فرزندان مردم فلسطین را به اتهام خبر چینی و همکاری با اسرائیل اعدام کردند. من امروز صبح وقتی این خبر را از رادیو شنیدم با خودم گفتم: ما ملتی هستیم که هم کوریم، هم کریم، و هم با خرد ورزی و اندیشیدن قرن ها فاصله داریم. این بلایی که داعش و حماس بر سر مردمان بیگناه می آورده همان بلایی است که او پاشان حکومت اسلامی بر سر فرزندان ما در زندانها آورده و هنوز می آورند اما از آنجا که ما ملت بزرگوار از هر گونه حافظه تاریخی محرومیم و بجای خرد ورزی بر بال احساسات سواریم همه آن جنایات بفراموشی سپرده شده و با فراغ بال میرویم به سبز و بنفش و خرس و روباه و کوسه و گراز رای میدهیم و در خیابان ها به پایکوبی می پردازیم و اصلاً هم یادمان نیست که دارها بر چیده خونها شسته اند. آنچه که آدمخواران حماس در فلسطین انجام داده اند کپی برداری از سیاست های جنایتکارانه جمهوری ی نکبتی اسلامی است یعنی اینکه مخالفت را به رگبار ببند و اعلام کن اینها جاسوس اسرائیل و مزدور امریکا بوده اند. آیا روزی خواهد رسید که این طاعون اسلام دست از سر بشر و بشریت بردارد؟

نقد امروز را مده از دست

دی گذشت و امید فردا نیست

و یا بقول حضرت سعدی: نگهدار فرصت که عالم دمی است....

گفت: نه برار جان! من در میان جمع و دلم جای دیگر است. می خواهم بر گردم سر خانه زندگی ام. امریکا را هم دیدیم و غم و غصه مان زیاد تر شد. خوش به حال تان که توی بهشت افتاده اید لا کردار ها!!

نیشخندی زدیم و گفتم: تا بهشت را چگونه معنا کنید!! بقول فرخی سیستانی: بسا کسا که به امید آنکه به یابد

شکر ز دست بیفکند و بر گرفت شرنگ



ده، دوازده تا ماشین پلیس تنوره کشان از راه رسیدند و یکی دو تا خیابان را بند آوردند و یک آقای محترمی را که دمی به خمره زده بود و مست و ملنگ پشت فرمان نشسته بود دستگیر کردند و پس از

رفیق سال های جوانی مان آمده بود امریکا دیدن ما. چند روزی اینجا بود و چون دلش

♦♦♦♦♦

♦♦♦♦♦

♦♦♦♦♦

**دفتر خدمات حقوقی ایران وکیل**  
با مدیریت رامین کرم ویسی  
وکیل پایه یک دادگستری ایران

♦ انجام کلیه خدمات کنسولی و امور حقوقی در دادگاههای ایران ♦ اخذ شناسنامه، کارت ملی، گذرنامه و ویزای آمریکا ♦ تنظیم انواع قرارداد و وکالتنامه ♦ حقوق بازنشستگی، امور خانوادگی، طلاق، مهریه ♦ انحصار وراثت و مطالبه سهم الارث ♦ رفع تصرف و تخلیه املاک و فروش ملک در ایران جهت مشاوره و حل کلیه مسائل حقوقی خود در ایران با من تماس بگیرید!

دفتر تهران: ۰۲۱-۶۶۹۰-۷۰۷۸

Office: (408)664-8375 \* Cell: (408)831-8057

1604 Blossom Hill Rd., Suite D, San Jose CA 95124

**TOUCHFREEWASH.COM** 3% DONATED MONTHLY TO HUMANITARIAN PROJECTS  
OPEN 24 HOURS

کسی که پرداخت می کند نمی تواند از مالیات پرداختی خود کم کند، شخصی که پول را دریافت می کند، نباید برای آن مالیاتی بپردازد برای اینکه آن مبلغ به عنوان درآمدش محسوب نمی شود. بعد از اینکه زن و شوهر از هم جدا می شوند، دیگر از مزایای صرفه جویی مالیاتی بهره نمی برند. برای اینکه دیگر نمی توانند مالیات بردارآمد خود را مشترکاً با اداره مالیات فایل کنند.

مسئله دیگر این است یکی از والدین، یا پدر یا مادر، فرزندان خود را به عنوان «وابسته» (Dependant) اعلام کنند تا بتواند از نظر مالیاتی بهره مند شوند و یکی از والدین که فرزندان در تحت سرپرستی شان است، می تواند فرزندان را بعنوان «وابسته» اعلام کند. البته اگر والدین هر دو موافقت کنند، می شود این کار را مشترکاً انجام دهند. این مسئله که کدامیک از والدین فرزندان را به عنوان وابسته مالی اعلام کند باید حتماً در حکم رسمی طلاق تأکید شود.

لطفاً پیشنهادات خود را در مورد مطلب مورد نظرتان از طریق ایمیل یا تلفن با من در میان بگذارید.

برای حمایت فرزندان پرداخت می کند، از نظر مالیاتی با نفقه متفاوت است، شخصی که به همسر دیگر این مبلغ را پرداخت می کند نمی تواند آن را قسمتی از مخارج خود اعلام کند و در نتیجه از مالیات خود آنرا نمی تواند کم کند. همسری که این مبلغ را دریافت می کند روی آن مالیات نباید بپردازد، برای اینکه این مبلغ جزو درآمدش محسوب نمی شود. به این دلیل شخصی که این مبلغ را دریافت می کند باید مطمئن شود که پولی را که برای



حمایت فرزندان دریافت می کند، حتماً به همین اسم (برای فرزندان) محسوب شود که از نظر مالیاتی به ضررش نشود. **تقسیم اموال:** زمانی که اموال پس از طلاق بین زن و شوهر تقسیم می شود، این مبادله مشمول مالیات نمی شود. به این ترتیب که زمانی که پولی از یک همسر به همسر دیگر پرداخت می شود،

## عواقب مالیاتی طلاق

کاملیا ممدوی، وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا و فدرال  
camelia@cameliialaw.com



و دیگری برای مخارج فرزندان. بعد از طلاق دریافت و پرداخت پول برای نفقه، حمایت فرزندان و تقسیم اموال نتیجه و عواقب مالیاتی به همراه دارد که به شرح زیر است:

**نفقه:** شخصی که نفقه می پردازد، می تواند آن مبلغ را بعنوان قسمتی از مخارج خود از مالیات درآمد خود کم کند و شخصی که نفقه دریافت می کند، آن مبلغ را باید مانند درآمد، اعلام کند و روی آن مالیات پرداخت کند. به همین دلیل کسی که نفقه پرداخت می کند همیشه درصدد این است که پول را که به همسر دیگر می پردازد آنرا «نفقه» بنامد یا طبقه بندی کند که حتماً بتواند آنرا جزو مخارج خود اعلام کند و از مالیات خود کم کند. مبلغی که همسری به همسر دیگر

نتیجه و عاقبت طلاق، فقط جدایی فیزیکی طرفین نیست بلکه، نتیجه ی تفکیک زندگی زناشویی به دو زندگی جداگانه است. معمولاً جدا شدن از نظر فیزیکی عملاً ساده است. برای اینکه هر دو، زن و شوهر دیگر نمی خواهند باهم زندگی کنند و تصمیم اولیه شان این است که هر کدام برای خودش زندگی جداگانه ای را شروع کند. مشکلات طلاق معمولاً بر سر مسائل مالی است. یعنی کدام اموال، به چه کسی تعلق بگیرد و چرا به او تعلق می گیرد. مسائل مالی طلاق شامل حمایت مالی همسر (نفقه)، حمایت مالی فرزند و تقسیم اموال است: نفقه مبلغی است که یک همسر از همسر دیگر دریافت می کند. مبلغی که یک همسر به همسر دیگر بابت حمایت فرزندان پرداخت می کند با نفقه متفاوت است، یعنی یکی برای مخارج همسر است

در کنار یکدیگر یک روز به یاد ماندنی برای خود و فرزندانمان بسازیم.

## Mehregan Festival

Sunday, October 5<sup>th</sup>, 2014  
10:00 A.M - 5:00 P.M

An ancient Persian harvest festival  
Food, Drink & Ice Cream  
Available for purchase  
Admission FREE

10186 N. Stelling Rd. Cupertino, CA 95014  
For more information please call:  
408-829-8296

ورود برای بچه ها رایگان می باشد.

## چشمهرگان

روز مهر و ماه مهر و جشن فرخ مهرگان  
مهرنژاد ای نگار ماه چهرمهریان

برای فروش:  
نمناز سنتی و نهار  
فالوده و بستنی سنتی گل نظر

از مساجد شامل خواهیم شد ما را در انجام این کار فرنگی یاری رسانند.

موسیقی و رقص  
کارگاه هنری  
نمایش لباس استان های مختلف  
سفره مهرگان



بطوریکه در آفریقای مرکزی ظاهر می شود در آمریکا به وقوع پیوندد؟ تعدادی از کتاب ها و فیلم های سینمایی در آمریکا یک آلودگی وسیع ایبولا را به نمایش گذاشته اند که به نظر غیرواقعی و قصه می آید. CDC گزارش داده است که یک شیوع بیماری ایبولا در آمریکا بوقوع نخواهد پیوست، چون آمریکا از نظر بهداشت عمومی و سیستم پزشکی کشور پیشرفته ای است و تمام امکانات خود را برای جلوگیری آن آماده کرده است.

ولی بهرحال ایبولا از کشوری به کشور دیگر به علت مسافرت افراد آلوده منتقل می شود و امکان اینکه به آمریکا برسد نیز وجود دارد. CDC روشهایی دارد که در فرودگاهها جلوی افراد آلوده را گرفته و آنها را از بقیه جدا می کند.

مهمانداران هواپیماها آموزش دیده اند که افراد آلوده را شناسایی کرده و با علائمی که از خود ظاهر می سازند و از محلی مسافرت کرده اند که بیماری در آنجا دیده شده است و آثار عفونت ویروسی دارند را از بقیه جدا کرده و به مقامات پزشکی CDC تحویل دهند.

آلودگی از طریق تماس با پوست و مایعات بدن فرد آلوده و یا حیوانات آلوده انجام می گیرد و سپس از فردی به فرد دیگر منتقل می شود. مواردی دیده شده است که افرادی که در خاک سپاری فرد آلوده پس از مرگ انجام وظیفه کرده اند آلوده شده اند.

رعایت بهداشت عمومی و آگاه بودن از محیط اطراف در مراکز عمومی بسیار ضرور بنظر می رسد و هرگونه علائم جدی که به آن اشاره شد را فوراً به پزشک گزارش کنید تا شاید در مراحل اولیه بتوان فرد را از مرگ نجات داد.

ای نگهداری می کنند تا بیمار یا ویروس بین افراد دیگر پخش نشود. این ویروس نه تنها انسان بلکه حیوانات دیگری نظیر میمون ها، گوریل ها و شامپانزه ها را از پای در می آورد. ویروس ایبولا به ۵ گروه دیگر تقسیم می شود و انواع گوناگون دارد ۴ نوع آن در انسان ایجاد بیماری می کنند.

طبق تحقیقات جدید محل اصلی این ویروس در خفاش ها بوده و از آنها به حیوانات دیگر سرایت می کند بیشتر این ویروس در قاره آفریقا ظهور کرده ولی به سرعت به سایر نقاط دنیا از طریق افراد آلوده منتقل می شود. این افراد با حیوانات آلوده تماس برقرار کرده اند.

ویروس به طریق زیر به افراد دیگر سرایت می کند:

۱- تماس مستقیم با خون، ادرار و یا مایعات بدن فرد آلوده.

۲- تماس با وسایل نظیر سوزن ها و وسایل شخصی بیمار.

۳- از طریق پرستاری و نگهداری یک فرد آلوده.

از بیمارستان ها هم در صورتیکه توجه دقیق نشود و پیشگیری لازم انجام نگیرد این ویروس به سرعت پخش شده و در صورت نزدیکی به بیمار بایستی از دستکش های پزشکی، ماسک و روپوش استفاده کرد.

دزمان: روشهای درمان این بیماری هنوز به روشهای محافظت کننده از بیمار ختم می شود.

۱- رساندن مایعات و الکترولیت ها و متعادل کردن میزان آنها در بدن.

۲- کنترل و اندازه گیری فشارخون و رساندن اکسیژن کافی به بیمار.

۳- هرگونه عفونت های دیگر را بایستی با داروهای ضد ویروس مورد درمان قرار داد. سوال مهم: آیا ممکن است این بیماری



## ویروس کشنده ایبولا (Ebola)

گلودرد، ضعف، درد معده و عدم اشتها به غذا می باشد. در صورت پیشرفت بیشتر ویروس ایجاد خونریزی در داخل بدن کرده بطوریکه از چشمان، بینی و گوش بیمار خونریزی دیده شده است. بعضی بیماران هنگام سرفه کردن خون بالا آورده و دچار اسهال خونی می شوند. تشخیص: گاهی بسیار دشوار است که فقط از طریق علائم ظاهر شده اولیه این بیماری را تشخیص داد و پزشکان آزمایش های متعددی انجام می دهند تا این بیماری را از مالاریا و بیماری های مشابه جدا تشخیص دهند. آزمایش خون و پاتولوژی بافت های بدن ضروری به نظر می رسد.

در صورت تشخیص این بیماری، فوراً بیمار را از محیط جدا کرده و در اطاق جداگانه

این ویروس بسیار نادر ولی در عین حال کشنده بوده که در داخل و خارج بدن ایجاد خونریزی می کند. همین طور که در داخل بدن تکثیر می کند سیستم ایمنی یا دفاعی بدن و اعضاء بدن را از بین می برد. فاکتورهایی که باعث انعقاد خون می شوند را نیز از کار می اندازد. بطوریکه خون لخته نشده و منجر به خون ریزی غیر قابل کنترل می شود. به همین دلیل این بیماری بنام خون ریزی ایبولا معروف است و حدود ۹۰ درصد افرادی که به آن مبتلا می شوند را از بین می برد. علائم بیماری: در مراحل اولیه علائم آن شبیه علائم یک بیماری ویروسی نظیر سرماخوردگی می باشد. ولی تدریجاً جدی تر شده و تا ۲۱ روز کاملاً ظاهر می شود. این علائم شامل، تب زیاد، سردرد، دردهای مفصلی و عضلانی،

## کاوه میر شفیعی

Attorney at Law

وکیل رسمی دادگاههای کالیفرنیا و فدرال با دانش و تجربه در امور ورشکستگی، امور خانواده و امور تجاری و بازرگانی



Kaveh Mirshafiei, Esq.

### مشاوره اولیه رایگان

♦ کلیه امور ورشکستگی ♦ کلیه امور خانوادگی  
♦ کلیه امور تجاری، بازرگانی، و ثبت شرکت ها

♦ Business Law

♦ Bankruptcy ♦ Family Law

I am committed to providing you with excellent legal service within a culture that encourages innovative problem-solving!

To schedule your free consultation, please call:

**(408)663-6286**

www.headwaylegal.com

4701 Patrick Henry Dr., Bldg. 6, Santa Clara, CA 95054

## جشن مهرگان

یکشنبه ۱۵ اکتبر ۲۰۱۴ در کوپرتینو کامیونیتی سنتر

شروع برنامه از ۱۰ صبح الی ۵ بعد از ظهر

## کنسرت امید در سن حوزه

شنبه ۱۵ نوامبر ۲۰۱۴ در Center for the Performing Arts

تلفن اطلاعات ۵۵۳۲-۷۶۱ (۴۰۸)



ارتدسنسی هست. یادورشوید که نگهدارنده را به هنگام غذا در جعبه اش بذارند. کودکان اغلب نگهدارندهشان را وقتی که روی سینی یا روی دستمال کاغذی میگذارند، گم میکنند.

#### جلوگیری

بر اساس آکادمی دندان پزشکان اطفال آمریکا، پوسیدگی دندانها معمولی ترین بیماری مزمن بین کودکان آمریکایی است. چک آپ منظم و بهداشت دهان کمک به جلوگیری از مشکلات دندان میکند. کودکانی که دندانهای سالم

ورزش آکادمی دندان پزشکان اطفال آمریکا، توصیه به پوشیدن محافظ دندان به هنگام فوتبال، فوتبال آمریکایی، لاکرس، هاکی، بس بال، بسکتبال، کشتی و ژیمناستیک میکنند.

برای بهترین محافظ، از دندان پزشک اطفالتان در مورد محافظ دندان سفارشی بپرسید. بجای نوشیدنی های ورزشی که مقدار زیادی شکر دارند آب جایگزین کنید. اگر فرزندانتان نوشیدنی های ورزشی مصرف می کنند؛ سعی کنید

## بازگشت به مدرسه

مدرسه ها دوباره باز شدند و شما مشغول خریدهای مدرسه هستید. کیف مدرسه، لباس، و وسایل ورزشی را هم خریدید. وقت سلمانی و ویزیت پزشک اطفال رو ترتیب دادید. ولی آیا دندانهای کودکتان چک شد؟ چک آپ دندان یکی از موارد ضروری لیست برگشت به مدرسه است. برای اینکه برگشت به مدرسه را برایتان آسان تر کنیم، این هم لیست دندان پزشکی برای برگشت به مدرسه:

#### بهداشت دهان

صبحانه میخورند احتمال نمره بالاتر در امتحانها، تمرکز بهتر، راحت تر مساله حل کردن، و هم اهنگی بهتر ماهیچه ها را دارند. ناهارهایی سالم برایشان آماده کنید و کودکان را تشویق کنید که در تهیه غذا شرکت کنند، با اینکار احتمال عوض کردن با همکلاسیها یا دور انداختن نهارشان کمتر میشود. فراموش نکنید که میان وعده برای بعد از مدرسه برایشان بگذارید، خیلی از بچه ها، بعد از مدرسه مستقیم به تمرین ورزش میروند و اغلب مجبور به خوردن غذاهای شکر یا نوشابه می شوند.

حد اقل دو بار در روز مسواک زدن و نخ دندان کشیدن. کودکان زیر ۶ سال، احتیاج به کمک یک بزرگسال برای مسواک زدن دارند. برای تشویق بچه ها به مسواک زدن بد از هر غذا، به آنها اجازه انتخاب مسواکی نرم و خمیر دندان فلوراید برای بردن به مدرسه بدهید. به علاوه "دنتال فلاسر" هم مکمل خوبی برای مسواک و خمیر دندان خواهد بود.

#### تغذیه

آکادمی تغذیه و دیابت آمریکا توصیه به خوردن صبحانه میکند. کودکانیکه که

## بازگشت به مدرسه



دارند، راحت غذا میچوند، بهتر یاد میگیرند، و با اعتماد بنفس بیشتر لبخند میزنند.

سال تحصیلی موفق داشته باشید و نخ دندان را فراموش نکنید!

مدت مصرف را کوتاه تر کنید یا از نی استفاده کنند.

#### نگهدارنده ارتدسنسی

اگر فرزندتان اخیراً سیم دندان را برداشته، احتمالاً مجبور به استفاده از نگهدارنده

# S & S Tire And Auto Repair

## Complete Automotive Repair Service



Family Owned & Operated



Oil Change Special  
Get \$5 OFF on  
Regular Oil Change

Oil Change Special  
Get \$10 OFF  
Synthetic Oil Change

For Scheduled Maintenance & any other information please visit our website at  
[www.sstireandautorepair.com](http://www.sstireandautorepair.com)

(408)738-1960  
597 S. Murphy Ave.  
Sunnyvale, CA 94086

We Are #1  
Established in 1996

(408)583-1200  
1800 S. Winchester Blvd.  
Campbell, CA 95008

## تمریناتی برای مثبت اندیشیدن

افزایش انگیزه و شعله ور شدن شادی می شود. ثبت روزانه اتفاقات خوشایند باعث می شود که احساس بهتری داشته باشید و وقایع بهتری برای شما رخ دهند. **✱** روزانه از یک نفر تقدیر کنید. برای داشتن چیزهای خوبی که به دست می آورید باید آنها را تشخیص دهید و اجازه دهید که دیگران هم بدانند که آن موضوع برای شما هم اهمیت دارد و شما متوجه آن شده اید. زمان بگذارید و از تلاش یک نفر از اقوام یا دوستان تان در برابر دیگران تشکر یا تمجید کنید. یک روش دیگر ارسال ایمیل های روزانه برای یک شخص است. آن شخص می تواند معلم قدیمی مدرسه شما باشد که زمانی به شما نصیحت ارزشمندی کرده است و اکنون هر روز از آن سپاسگزاری می کنید. از خودتان شجاعت نشان دهید و از یک همکار یا حتی کسی که فقط یکبار او را ملاقات کرده اید، تشکر کنید.

**✱** یک کار نیک انجام دهید. انجام کارهای نیک (حتی کار کوچکی مانند آوردن لبخند بر لبان یک نفر در محل کار) باعث افزایش سطح خوشحالی می شود. متوقف کردن انجام کاری که انرژی فکری زیادی لازم دارد این قدرت را به شما می دهد که از حلقه منفی نگری خارج شوید. سعی کنید کارهای خوب کوچک شما محسوس باشند؛ مثلاً خرید یک فنجان قهوه برای کسی. **✱** مراقب ذهن تان باشید. تمرکز یعنی توجه داشتن به زمان حال بدون قضاوت درباره آن، باز کردن درهای آگاهی و رها کردن ذهن فرا تر از محدودیت های منفی که می تواند به برقراری تعادل و مثبت دیدن تصاویر پیرامون کمک کند.

### یادگیری مثبت نگری

برای نواختن پیانو، صحبت به زبان های خارجی یا حتی ضربه زدن به توپ تنیس، یادگیری امری عادی و شیوه ای متداول تلقی می شود. نکته اینجا است که همان انعطاف ذهنی که باعث می شود شما در کارهای ساده یا ورزش ها مهارت پیدا کنید، این امکان را برای شما فراهم می آورد که مثبت اندیشی را بیاموزید. شوان آپور نویسنده کتاب «مزایای خوشبختی» نقل می گوید: «همان طور که مغزما شکل ها و طرح ها را در بازی تریس تشخیص می دهد و نحوه چیدن سریعتر آن ها را فرا می گیرد، می توانیم به مغزمان بیاموزیم که چیزهای خوب در زندگی را کاوش کند (به دنبال نکات مثبت باشد) تا بتوانیم امکانات بیشتری را مشاهده کنیم، انرژی بیشتری احساس کنیم و به سطوح بالاتر موفقیت دست یابیم.» آپور این اثر را «اثر مثبت تریس» می نامد.

### تمرین شاد بودن

چگونه این کار را انجام دهیم؟ چن چهار فعالیت ساده را پیشنهاد می کند که به وسیله آنها می توان مغز را آموزش داد تا به پدیده ها نگاه مثبت تری داشته باشد: **✱** جستجوی روزانه برای سه نکته مثبت در پایان هر روز از سه اتفاق خوبی که آن روز برای شما رخ داده است، فهرست تهیه کنید و درباره عوامل رخ دادن این اتفاقات تامل کنید. اتفاقات خوب می توانند هر چیزی باشند، دیدن یک دوست قدیمی، نکته جالبی که یکی از همکاران در محل کار تعریف می کند یا حتی یک غروب آفتاب زیبا. ثابت شده است که جشن گرفتن موفقیت های کوچک باعث



برای فنگ شوی خانه شما رخ خواهد داد. بدین ترتیب که هر بخش از خانه شما با قسمت به خصوصی از زندگی شما مرتبط است. (به عنوان مثال، قسمت شرقی منطقه فنگ شوی با خانواده و سلامت زندگی شما مرتبط است.) کاهش انرژی در یک بخش از فنگ شوی منزل شما، شروع به بازتاب در جهت کاهش انرژی یا انسداد انرژی در قسمت معینی از زندگی شما خواهد کرد.

۲- هر چیزی که جزء به جزء اجسام داخل منزل شما را شرح می دهد بدون واکنش احساسی و سر سخت بپذیرید، سعی کنید ماهیت اصلی آنها را آشکار سازید (برای خودتان):

فرض کنید شما از حمام بالای پله ها متفرید، اما نمی خواهید به آن رسیدگی کنید. مهم نیست دلیل آن چیست، و قتش را ندارید، پول آن را ندارید، نیازی ندارید و یا همهی اینها. فقط بپذیرید. بنشینید و چندین قدم فنگ شویی را که در جهت تعمیر حمام و زیبا کردن آن نیاز دارید بنویسید. مجدداً سعی کنید آنرا بدون هیچ وابستگی احساسی تعیین کنید. به طوری که انگار یک کاری است که شما باید آنرا انجام دهید. یک پروژه کوچک (یا بزرگتر) که شما مجبورید آنرا اداره کنید. احساسات قوی به احتمال زیاد ظاهر خواهند شد و شما باید آماده باشید که به آنها اجازه بدهید لبریز شوند اما اجازه ندهید شما را از کاری که برای استفاده از فنگ شوی در جهت خوب کردن خانه تان، یعنی بخش مشخصی از زندگیتان، انجام می دهید باز دارند.

بعد از اینکه این دو ضرورت فنگ شوی را تجربه کردید، با این دو گام اساسی و تمرینی فنگ شوی شروع کنید و بدانید که زندگی شما تغییر خواهد کرد.

فنگ شوی برای خانه همواره یکی از کارآمدترین درمان هاست - شما روی منزل کار می کنید، اما کاری که شما در حقیقت انجام می دهید معالجهی زندگی خودتان است. آسیبهای گذشته، درد کشیدن، مصیبت، مسدود شدن ها، یا هر چیزی، این چیزی است که شما طی سالها روی هم انباشته اید و حالا در حال بوجود آوردن یک فضای فنگ شویی تازه برای فهرست کردن رویاهایتان هستید.

فنگ شوی به ما می آموزد که همه چیز انرژی است و ما دائماً در حال تبادل انرژی با همه چیزهایی که در اطرافمان وجود دارند هستیم. بنابراین خیلی مهم است که یک خانه فنگ شویی ایجاد کنیم که دارای انرژی شاد و سالم باشد. فنگ شوی نکات گوناگونی برای خانه شاد دارد که بر پایه این حقیقت هستند که اگر شما در یک خانه فنگ شویی شاد و سالم زندگی کنید، انرژی خود شما ناچاراً سالم و شاد خواهد شد. آیا تا به حال توجه کرده اید وقتی افراد شاد وارد جایی می شوند چگونه انرژی محیط را تغییر می دهند؟

و شما وقتی با دوستان شادتان معاشرت می کنید چگونه شادتر و خوش بین تر می شوید؟

این به این دلیل است که شما در حال تبادل انرژی دائم با هر چیزی که در اطراف شماست هستید - مردم، حیوانات، ساختمانها، درختان، غیره و غیره - حال بهترین زمان است که این لطف بزرگ را در حق خودتان کنید و از فنگ شوی برای ایجاد همیشگی فضایی شاد استفاده کنید. هر چه بیشتر راجع به آناتومی محیط خود بدانید، (که این همان فنگ شوی است)، شرایط بیشتری برای برقراری یک رابطه سالم با خانه خود می توانید بدست آورید. این رابطه تازه بر تمام قسمتهای زندگی شما باز تاب مفیدی خواهد داشت: زندگی عاشقانه شما، حرفه شما، رابطه شما با فرزندانان. اگر شما می خواهید شروع به اکتشاف فنگ شویی کنید و کنجکاو که بدانید که چه کاری برای شما انجام دهد، در اینجا دو نکته اساسی برای شروع فونگ شوی وجود دارد:

۱- با خانه تان ارتباط برقرار کنید، همان طور که با یک فرد ارتباط برقرار می کنید. بپرسید، گوش دهید و توجه کنید:

بگردید و ببینید کدام یک از قسمتهای خانه شما آزار دهنده است، منظور این است که خوب کار نمی کند، خوب به نظر نمی آید و شما هم دوست ندارید مدام برای آن وقت بگذارید. همان طور که درد یک قسمت از بدن شما مانع جریان انرژی در کل بدن شما می شود، مشابه آن

**ستاره شناسی بر اساس علم قدیم چینی**

**پاریناز کدخدایان**

مشاور با گواهینامه رسمی در فنک شویی و ستاره شناسی

در مورد سرمایه، شانس، اقبال، عشق، دوستی، سلامتی، حرفه، خانواده، مکان زندگی و ... آگاه شوید

**Parinaz Kadkhodayan**  
Feng Shui & Astrology Certified Consultant

www.FengShuiAndLiving.com ★ Parinaz@FengShuiAndLiving.com

**(۶۵۰)۷۰۴-۵۶۸۷**

که این شخص به او داده بود (دروغگویی، ضد و نقیض بودن، گم شدن های بسیار در رابطه و ناگهان و بدون توضیحی ناپدید شدن در شبها و روزها...) چشم هایش را بسته و خود را گول زده و فقط به حرفهای عاشقانه و رابطه فیزیکی آنها دلخوش باشد و به اصطلاح به میل خود، خود را بدست احساس گرم و عشقی را که به او داشته بسپارد با اینکه زود متوجه شده بوده که او با افراد دیگر هم سر و کار دارد و او را فقط دارد بازی می دهد.

این خانم که از هر نظر کامل و برازنده بود و به قول خودش خیلی ها آرزوی توجه و یا مهر و محبت او را داشتند، اعصابش خراب بود که چرا عاشق و بازیچه یک بازیگر تو خالی و دروغگو شده است! اول ارزیابی کردیم که آیا این فقط احساس فیزیکی است، یا روحی و یا هر دو. چرا او نمی تواند این مرد را فراموش کند و به خاطر او غرور و شخصیت خود را زیر پا گذاشته و گدایی محبت او را دارد؟

بعد از چندین جلسه متوجه شدیم که این خانم واقعا او را دوست داشته و فقط مسئله فیزیکی مطرح نبوده. بعد متوجه شدیم که احساسش واقعا عشق بوده، عشقی پاک و بی شایبه. احساس سرخوردگی او این بود که چرا با این همه صفات عالی ظاهری و درونی وی چگونه این مرد دروغین را باور کرده و به حرف های او ارج و احترام گذاشته و حرکات رمانتیک و ابراز احساسات دروغین او را مانند شعرهای عاشقانه جدی گرفته و به او دل بسته. کسی که عاشق باشد و یا حتی روراست باشد ترس از نزدیکی و وقت حضوری گذاشتن، شناساندن خود و یا خواستن شناخت بیشتر شما ندارد و مشتاق پیشرفت دوستی و عمق رابطه است.

دنباله مطلب در صفحه ۵۴

به منشاء آن، بعد از مدتی که البته برای هرکسی متفاوت است، تمام می شود. به عاشق باید مجال داد تا آن زمان را مثل هرزمانی دیگر در زندگی و مسیر خود را طی کند و بگذرد. در این مدت حساس و خطرناک و یا بعد از تمام شدن این سیر و سفر، باید خیلی مواظب بود که شخص در این مرحله زندگی صدمه زیادی نخورد و غصه و ناراحتی های ناشی از سرخوردگی و تلخی و یاس از او انسان دیگری نسازد و یا او را بیمار نکند. زیرا که غصه، احساسات منفی دائمی، نامتعادلی و عدم اعتماد و اطمینان به جنس مخالف و زندگی باعث حس انتقام و عقده شخصی و فضایی ناامن به وجود می آورد که می تواند روی سلامت روحی و جسمی هرکسی اثر همیشگی و دائمی بگذارد.

اگر روی این تجارب و احساسات کار نشود آنها تبدیل به مسائلی بیشتر مثل شخصیتی بی تفاوت، سرد، بی اطمینان و پر مسئله می شوند. برای همین با یک مربی مهربان و حرفه ای می توان این راه سخت را پیمود و به مقصد آرامش و دانایی بیشتر رسید.

مهمترین مسئله این است که این خانم بالاخره متوجه شد که او نباید یک قربانی باشد و به اشتباهات خود نیز پی برد. با بازکردن مسائل بین آنها و کارهای انجام شده در این رابطه، متوجه شد که مسئولیتش نسبت به خود چه بوده و از تنفر و احساس بد خود چگونه باید بکاهد که التیام پیدا کند. همچنین تقصیر او نبوده که از بد حادثه، قلب خود را یکباره به روی انسانی بازیگر، نامتعادل و هوسباز، مادی و پر از ترس باز کرده و حرفهای او، دام های مخصوص به او و... را باور کرده و جدی گرفته. او اجازه داده بود که باوجود دیدن علامتهای بسیار بد و زیادی

## هیچوقت دیر نیست!



**آتوسا یکان**  
مشاور و راهنمای زندگی  
Professional Certified Life Coach  
atoosa30@yahoo.com



باشیم. به نسبت زیادی می توانیم مسائل عاطفی، فیزیکی و کاری و یا هر چیزی را که در آن نقش داریم را تغییرات سازنده بدهیم. با عشق زندگی کنیم و کارهایمان را انجام بدهیم و با نیروی عشق و انرژی مثبت روی بقیه تاثیر گذار باشیم. اگر رشته تحصیلی فرزندانمان را انتخاب کنیم ممکن است که آنها موفق نشوند و در نهایت ما را مقصر بدانند. پس بنابراین آنها را باید کمک به تصمیم گیری و شناخت کنیم. اگر حرفه ای را پیش می گیریم نباید بخاطر جلب احترام و یا اسم و رسم در جامعه باشد و یا با کسانی ازدواج و یا نزدیک باشیم که توسط این اصل برای خود شخصیت بسازیم. آنهايي که برای مقام و یا پول ازدواج کرده و تابع آن هستند، انسانهای تو خالی و محتاج احترام و پر از احساس حقارت درونی هستند که فکر می کنند احترام خود را توسط تیترا و لقب ها خریده اند! آنها نمی دانند که خوشحالی خود و خوشبختی واقعی، بستگی به این تظاهرات ندارد و این کارها دست آویزهایی برای آدم های گم شده و غمگین هستند. خوشبختی و شادی و احترام واقعی، فقط از درون خود ما ریشه می گیرد. پس باید راه های آن را خودمان پیدا کنیم و سعی کنیم وابسته به دیگران نباشیم.

خانم جوانی که چندین هفته است که با او کار می کنم و در خارج از کالیفرنیا زندگی می کند از راه صحنه های تلفنی باهم Coaching انجام می دهیم، از من خواست تجربه او را در اختیار دیگران بگذارم چرا که مشکل او مشکلی است که بسیاری از آن رنج می برند. او از یک عشق یک طرفه به آقایی که هیچ فایده و احساس مثبت به این خانم نداشت رنج می برد و دنبال راه حل ها و راه کارهای خلاص شدن از آن است. خوشحال شد وقتی جوهر و چگونگی فیزیکی عشق یک طرفه را فهمید که عشق یک طرفه هیچ وقت پایدار نمی ماند.

عشق یک احساس و انرژی می باشد ولی اگر یک طرفه باشد شارژ نشود، چون انرژی محدودیت دارد، بالاخره در اثر مصرف زیاد و تنها ماندن و عدم همبستگی

با سلامی گرم و صمیمی به گرمی آفتاب و صمیمیت آبی دریاها به خوانندگان این ماه مجله پژواک، نوشتن مقاله در این ماهنامه بسیار وزین یکی از عواملی می باشد که باعث می شود تا احساس رضایت و شادی بیشتری در زندگی داشته باشم. چندین تلفن داشتم که مرا خوشحال کرد زیرا بسیار زیباست که توانستم در زندگی کسانی یادآور نکاتی مثبت و شادی آفرین باشم و مفید واقع شوم. برای دریافتن خود و تلاش برای تغییرات مثبت در زندگی در قسمتهایی که شاد و راضی نیستیم، و یا به بن بست فکری رسیده ایم، هیچ وقت دیر نیست. برای عوض کردن مسیرها و یا انرژی های منفی واقع در یک رابطه کهنه و راکد، هیچ وقت دیر نیست. برای تغییر جهت و تغییر شکل غم های کهنه و خاطرات بد به تجربه های بهتر و جدید هیچ وقت دیر نیست. برای استفاده آنها به مانند پله هایی برای رسیدن به راه پرسبز و خرم زیبای آینده، هیچ وقت دیر نیست. برای فراموش کردن غم ها و غصه ها و مثبت احساس کردن مجدد هیچ وقت دیر نیست. برای رسیدن به هدف و تغییرات شخصی و بازتاب آن در محیط کار و رابطه بهتر در محیط کار، هیچ وقت دیر نیست. برای بهبود رابطه ها به رابطه های سالم و مثبت در میان خانواده ها و یا عشاق هیچ وقت دیر نیست. مهمتر از همه، برای آشتی کردن با خوشحالی و دوری از غم ها هیچ وقت دیر نیست. برای کنار آمدن با تراژدی ها، یا بیماریها و اتفاقات بد، مبارزه با بدتر شدن آنها، مبارزه با پیش روی پیامدهای آنها در بدن و زندگی مان، و بهتر ساختن آنچه سر ما آمده که ما نمی دانستیم، هیچ وقت دیر نیست.

تا وقتی که قلبمان و حقیقت وجودمان بخشنده، گیرنده و دهنده باشد، برای تلاش دیر نیست. برای تغییر خود هیچ وقت دیر نیست. در تاریک ترین لحظات زندگی می توانیم یاد بگیریم که با دید درست، واقعی و منصفانه، با اتکا به خود و با اتکا به عشق در قانون هستی می توانیم مثل یک درخت پر ریشه و پر برگ محکم باشیم و با سایه خود برای اطرافیان هم پرمیوه و پر سایه



## آتوسا یکان

مربی و راهنمای زندگی

Professional Certified Life Coach

atoosa30@yahoo.com

- ♦ رسیدن به شادی و رضایت خاطر نسبی
- ♦ تصمیم گیری های درست و هدف یابی
- ♦ روابط، حل اختلافات و تضادهای فرهنگی
- ♦ خودشناسی، اعتماد و حرمت نفسی
- ♦ صحبت های مثبت با تین ایچرها
- ♦ به دست آوردن نشاط و شادی درونی



(۹۲۵) ۲۹۷-۹۷۰۰

### بیا بار سفر بندیم از این شهر

دریا نشد، استخر و آب نشد، تورهای گردشگری هست؛ سفر برای سیاحت و زیارت، در هتل‌هایی با ستاره‌های طلایی یا حلبی، تورهای یک روزه و چند روزه. این سفرها گاه با جشنی‌های جذابی همراه است: سفر گروهی، همراه با رقص و آواز بین راه و همراهی گروه‌های زن و مرد که به طور عادی نمی‌توانند با هم سفر کنند. با این حال این سفرها، گروهی را خوش نمی‌آید. ابراز نگرانی از رعایت نشدن "شونات اسلامی" و "نامن شدن محیط برای حضور خانواده‌ها"، زنگی است که گروه‌های تندرو و مذهبی به صدا در می‌آورند و به مقام‌های رسمی هشدار می‌دهند که باید نظارت بیشتری روی تورهای گردشگری باشد تا "موسیقی، رقص و استفاده از آلات قمار در کنار بازی‌ها و سرگرمی‌های خارج از عرف بدون در نظر گرفتن حدود شرعی در رابطه زن و مرد و رفتارهای هنجارشکنانه‌ای از این دست"، در این تورها وجود نداشته باشد.

تلاش‌ها برای کنترل تورهای مسافرتی همیشه با شدت و ضعف استمرار داشته و حتی یک بار عده‌ای سعی کردند طرح‌هایی برای تفکیک جنسیتی تورها اجرا کنند؛ به این بهانه که "زنان بیش از نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند و در این میان زنان خانه‌دار نیز حدود ۱۵ میلیون نفر هستند که تمام وقت و زمان خود را صرف کارهای منزل و خانواده می‌کنند، به همین دلیل برای جلوگیری از کسالت، رفع خستگی و تجدید روحیه نیاز به گذران اوقات فراغت خود به صورت مناسب دارند که برگزاری تورهای ویژه یکی از این راه‌هاست."

تورهای زنانه اما فقط جلوه‌ای از تمایل حکومت به جدا کردن زن‌ها و مردها نیست، اجرایش در بستر عرفی جامعه چندان هم ممکن به نظر نمی‌رسد. کدام زن ایرانی سنتی، اجازه تنها سفر کردن دارد؛ آن هم بارها کردن خانه و بچه؟

### فراغتی که نیست

این که از گذشته رسم بوده که زن‌ها و مردها جدا از هم تفریح کنند، هرچند با نیازهای امروز خانواده و جوان ایرانی نمی‌خواند، اما هنوز هم عرف و حکومت این نگاه را ترجیح می‌دهند. در بعضی از نقاط ایران، تفریح اصولاً یک موضوع مردانه است و زن‌ها در نقش مادر و همسر با رسیدگی به کارهای بچه‌ها و شوهر، فرصتی برای تعطیلات ندارند. هنوز برای خیلی از ایرانی‌ها امکانات تفریحی مال مردهاست و زن‌ها در نهایت فقط آنها را همراهی می‌کنند و تماشاگر لذت و تفریح آنها هستند.

زن‌ها و مردها اما گاهی پرده‌ها را پاره می‌کنند: زن، رنج مانتوی سنگین شده از آب را به جان می‌خرد تا کنار مردش تا زانو در آب راه برود. بچه‌ها هم هستند؛ ذوق زده از تصویر پدر و مادر در کنار هم. اما همیشه هم این‌طور نیست: زن‌ها ترجیح می‌دهند روی زیرانداز کنار ساحل بنشینند و تن به آب زدن مردها را تماشا کنند. جوان‌ترها هم عطای لباس چسبیده به تن را به لقایش می‌بخشند و به بستوی ویلاها و پلاژها پناه می‌برند. ساقی نوشیدنی می‌آورد و از پنجره ویلا می‌شود دریا را دید که موج به ساحل می‌کوبد. ایام زیر سقف می‌گذرد، آنجایی که می‌شود بی‌خیال تذکر مامور و نگاه سنگین دیگران، آفتاب و آب را تماشا کرد.

### سرزمین بدون موه‌های آبی

سرسره‌های ۳۶۰ درجه، رودخانه‌های خروشان و سقوط از ارتفاع در میان نرمی آب. همه این امکانات در ایران هم فراهم است و فارغ از کیفیتش، پر مشتری. بعضی شهرهای ایران حالا رکورددار تعداد پارک‌های آبی شده‌اند؛ فضاهایی تفریحی که جان می‌دهند برای ایام تابستان. مشهد یکی از شهرهایی است که پارک‌های آبی‌اش هنوز رقیب اصلی مجموعه‌هایی هستند که تند و تند در استان‌های مختلف ایران افتتاح می‌شوند. مثلاً افتتاح پارک ساحلی آفتاب، به گفته تاسیس‌کنندگان، "حاصل تلاش شبانه روزی متخصصان متعهد ایرانی بوده"، اما سرسره‌های هیجان انگیزش همه جذابیت داستان نیست. این پارک یک برتری ویژه دارد و آن اینکه "امکان استفاده همزمان به صورت جداگانه را برای کلیه اعضای خانواده ایجاد کرده است". این برتری "ویژه"، پارک آفتاب را از پارک‌هایی که یک روز در میان برای استفاده خانم‌ها و آقایان فراهم شده‌اند، جدا می‌کند. هرچند تعداد سرسره‌ها و بخش‌های جذاب مخصوص خانم‌ها، به طرز محسوسی کمتر است؛ اما چه باک؟ اعضای خانواده می‌توانند دست در دست هم تا دم پارک بروند و آنجا پس از ورود از درهای جداگانه، سوار سرسره‌های جداگانه شوند و در آب‌های جداگانه سر بخورند. یکی از این پارک‌های آبی در تهران تاکید کرده که "پسر بچه‌ها در هر سنی اجازه همراهی با مادران خود برای استفاده از پارک را ندارند" و عین همین جمله درباره دختر بچه‌ها و پدران‌شان هم نوشته شده است. تصور حضور زن‌ها و مردها در کنار هم در چنین فضاهایی غیرممکن است؛ عرف، مذهب و قانون دست در دست هم سد بزرگی جلوی این خواسته‌ها ایجاد کرده است.



## تعطیلات تابستانی: مردا این ور، زنا اون ور

### نعیمه دوستدار

### ممدویت های دریا

ساحل شمال یا جنوب؟ ماسه‌های داغ چمخاله یا صخره‌های سپید رامسر؟ شن‌های ریز کیش یا خاک داغ قشم؟ خط ساحلی طولانی است اما فرصت با هم بودن کوتاه. مجرد یا متاهل، فرقی نمی‌کند: شنای مختلط زن و مرد ممنوع است. به آبی آب اگر خیره شوی، مرزی تا دورها کشیده شده است: روی این طناب بلند، پرده‌هایی زنان و مردان را از هم جدا می‌کند؛ قطعه‌های کوچکی از دریا که اجازه هست زنان در آنها تن به آب بزنند و البته قایق موتوری ماموران دریا، حواسش هست که چشم مردی از آن سوی پرده‌ها به تن زنی نیفتد. سی و چند سال است که طرحی به نام «طرح دریا» در سواحل ایران اجرا می‌شود که بیش از فراهم کردن وسائل و امکانات برای مسافران، هدفش کنترل وضع پوشش زن‌ها و روابط آنها با مردان است. طراحانش می‌گویند با کنترل این چیزها، محیط برای خانواده‌ها امن می‌شود.

اینکه غیر از دور کردن توی خیابان‌ها و تماشای سر و وضع آدم‌ها و مدل‌های جدید ماشین دیگران یا گشت زدن توی پاساژها و خیابان‌ها و غیر از رفتن به رستوران یا خوردن یک شام دور همی توی پارک، تصمیم بگیرد یک جور دیگر از مرخصی‌های سالانه برای تابستان استفاده کنی، اسمش می‌شود تعطیلات! تابستان ایران و روزه‌های تعطیلی که ناگزیر سر می‌رسند، میل به آب و سبزه و دور شدن از حرارت داغ خورشید و تخفیف گرمای سوزاننده بیشتر می‌شود. شکل گذراندن تعطیلات اما، خیلی بستگی به جیب آدم‌ها دارد. اگر پول خارج رفتن نداشته باشی، انتخاب‌هایت محدود می‌شود به امکانات موجود. با اینکه امکانات طبیعت همه جوره برای گذراندن تابستان فراهم است، روح تعطیلات در چنگ محدودیت‌های اجتماعی زندانی است؛ محدودیت‌هایی که هرچند همه را فارغ از جنسیت‌شان گرفتار می‌کند اما به زن‌ها فشار مضاعف می‌آورد.



## دکتر ورقا روحپور

جراح و متخصص بیماری‌های ارتوپد

### Varqa Rouhipour, M.D.

✓ Shoulder, Sports Medicine, Orthopedic  
✓ Trauma, and Fracture Management Specialist

✓ Fellowship training in Orthopedic Trauma at Carolinas Medical Center  
✓ Sports Medicine/Shoulder & Elbow Reconstruction fellowship at the University of Southern California.

- ◆ جراحی دست و پا
- ◆ جراحی تعویض مفاصل
- ◆ شکستگی‌ها و تصادفات
- ◆ معالجه صدمات ناشی از کار و از کار افتادگی
- ◆ جراحی‌های آرتروسکوپی مفاصل
- ◆ جراحی‌های ناشی از صدمات و شکستگی‌های ورزشی

"Seeing my patients smile after treating their injury or condition is what motivates me to become even more skilled and educated every day."

(408) 412-8100

www.norcalorthopedics.com

3803 South Bascom Avenue, #102, Campbell, CA 95008



عناوین استادی و امتیازات آن صرفنظر کند و تعصب و سختگیری را از برنامه کار خود بیندازد و ترک مدرسه و شاگردان گوید و به دانشگاهی پا گذارد که علوم آن عشق و حال و شوریدگی و بیخبری است و مواد کلاس آن رقص و سماع و حال است تا با دریافت نفعات الهی به عشق سرمدی رسد و بدین ترتیب از پاره ای علوم خود را کنار گیرد، نه تنها به عناوین و خواست های دنیوی اعتنا نکند بلکه حتی آثار پدرش را نیز نخواند و همین امر موجب دشمنی عوام الناس و شاگردان مولوی با شمس شد که قصد جان او کردند و او از قونیه و مردم آن آزرده شد و از مصاحبت مولوی هم خود را کنار کشید و به دمشق جایی که از آن آمده و اولین بار با مولوی در آنجا ملاقات کرده بود مهاجرت کرد. بعدها مولوی در توصیف اندیشه این دوره خود می گوید:

یک چند به تقلید گزیدم خود را

در خود بودم، زان نسزدیم خود را

نادیده، همین نام شنیدم خود را

از خود چو برون شدم، بدیدم خود را

پایان این دوره از ایام دشوار و سخت

زندگی مولوی است زیرا او نه تنها در هجر

شمس می سوزد، بلکه وقتی خبر جانکاه

کشته شدنش نیز به او می رسد که جلال

الدین چون پرنده سرکنده ای بال و پر می

زند و خود را به این سو و آن سو می کشاند.

۶- سالهای ۶۴۲ تا ۶۷۲ هجری قمری

که سال درگذشت مولوی است یکی از

درخشانترین دوره های زندگی او است

چه مدتی از هیجان هجران شمس گذشته

و از ناراحتی های او کاسته شده و آرامش

قابل ملاحظه ای یافته است و تمام اوقات

خود را صرف تهیه آثار خود از جمله

مثنوی و دیوان کبیر نموده که با تشویق

و ترغیب حسام الدین چلبی و صلاح

الدین زرکوب شاگرد و مرید برجسته اش

صورت می گیرد. به هر حال این دوره

محصول مطالعات مولوی بیار می نشیند و

بهترین اثر عرفانی و ادبی ایران یعنی ۶

دفتر مثنوی و دیوان غزلیات شمس تدوین

می گردد و آثار دیگر او تجلی می یابد.

مانند فیه مافیة - مجالس سبعه - مکتوبات

و غیره.

در خور فهم عوام این گفته شد

آن چه می گویم به قدر فهم تو است

از سخن باقی آن بنهفته شد

مردم اندر حسرت فهم درست

علمی است و طرز آن طریقه علمی است که به مفهوم این آیه قرآن پی خواهید برد (يُخْرِجُ الْتَّحِي مِنَ الْمَيْتِ وَيُخْرِجُ الْمَيْتَ مِنَ الْحَيِّ) آیه ۱۹ سوره الروم و بالاخره مشکلات مذاهب نیز باید با ابزارهای علمی حاصل شود و نکته دیگر آنست که ادیان در زمان های خود برای جلوگیری از فساد و تباهی ها موثر بوده اند به شرط آنکه عاری از خرافات و تعصبات و ابداعات اشخاص مغرور و نابا باشد. مولوی گوید:

گر نکردی شرع افسون لطیف

بر دریدی هرکسی جسم حریف

و باید توجه داشت که جنگ اضداد یکی از

موارد اشتراک نظر بین هگل و مولوی است

که شرح آن در همین صفحه تحت عنوان

«مشترکات هگل و مولوی» آمده است.

این جهان جنگ است چون کل بنگری

دژه با دژه، چو دین با کافری

جنگ فعلی، جنگ طبعی، جنگ قول

در میان جزوهای جنگی است هول

چهار عنصر چاراستون قوی است

که برایشان سقف دنیا مستوی است

پس بنای خلق براضداد بود

لاجرم جنگی شدند از ضرّ و سود

هست احوالت خلاف یکدیگر

هریکی با هم مخالف در اثر

این تفرانی از ضدّ آید ضدّ را

چون نباشد ضدّ نبود جز بقا

هست بی رنگی اصول رنگ ها

صلح ها باشد اصول جنگ ها

زندگانی آشتی ضدّها است

مگر آن کاندن میانشان جنگ خاست

صلح اضداد است عمر این جهان

جنگ اضداد است عمر جاودان

۵- سالهای ۶۴۲-۶۴۵ هجری قمری یعنی

ظهور و غروب شمس در زندگی مولوی

که در این دوره با مصاحبت شمس تحولات

عجیبی در جلال الدین پیدا می شود یعنی با

توصیه های او مولوی از دو خط اول و دوم

یعنی فتوا و تبیین مسائل شرعی و همچنین

عرفان و تصوّف عبور می کند و پا در خط

سوم می گذارد. با بیان دیگر او از علوم

زمان فراتر می رود و به ورای آنها یعنی

تکاملی می رسد که در هیچ یک از عرفان

زمان و معاصرانش دیده نمی شود. شمس

در ابتدا سخت به جلال الدین می تازد که

از تمام آئین و رسوم و قراردادهای عرفی

و قوانین متداول اجتماعی چشم پیروشد

و از حسن شهرت و وجیه المله شدن و



## افکار و اندیشه مولانا جلال الدین در طی مراحل زندگی

دکتر حسین مسیح پور

این نکته قابل توجه است که آنچه از تذکره های عرفانی و تواریح از آراء و اندیشه مولوی نقل شده است مربوط به دوران زندگی جلال الدین قبل از ملاقات با شمس است ولی ما می خواهیم جستجویی از اندیشه های اصیل مولوی بعد از برخورد با شمس داشته باشیم زیرا مولوی پس از ملاقات با شمس چنان تحوّلی یافت که آثار آن در فرهنگ های قرن ها بعد اروپائی متجلی شده است و اینکه هر پدیده در جامعه و فرد یکسان نمی ماند همواره ترها با برخورد با آنتی ترها سنتنزی بوجود می آورند و سترها شباهتی با ترها ندارند، چنان که تحوّل هر جنس با مخالف خود پدیده جدیدی را آشکار می کند و ما مفهوم و مصداق آن را در ضمن آیات (شاخ اشکوفه نماند دانه را) قبلا بیان کردیم.

مولوی پدیده های مرگ و حیات را متعاقب هم می داند که هریک از دیگر زائیده می شود. این حیات خفیه در نقش ممت

و آن ممت خفیه در نقش حیات

چون ز مرده زنده بیرون می کند

هرکه مرده گشت، او دارد رشد

چون ز زنده مرده بیرون می کند

نفس زنده سوی مرگی می تند

این جهان و آن جهان زاید ابد

هر سبب مادر، اثر از وی ابد

چون اثر زاید، آن هم شد سبب

تا بزاید او اثرهای عجب

این سبب ها نسل بر نسل است لیک

دیده ای باید منور بخت نیک

و تحوّل فرهنگی لازمه رسیدن به مرحله

ادامه مطلب از ماه گذشته...

ای دریغا رهزنان بنشسته اند

صدگره زیر زبانه بسته اند

این سخن اشکسته می آید دلا

این سخن در است و غیرت آسیا

هست قرآن حال های انبیاء

ماهیان بحر پاک کبریا

شرح می خواهد بیان این کلام

لیک می ترسم بلغزد فهم عام

فهم های کهنه کوزه نظر

صد خیالات بد آرد در فکر

و در مورد اینکه معانی اشعار من بعدها معلوم

خواهد شد که افهام تکامل و تحوّل باید گوید:

بو که فیما بعد دستوری رسد

رازهای گفتنی گفته شود

با بیانی کان بود نزدیکتر

زین بیانات دقیق مستتر

بر طبق فحوای ولدنامه مولوی در هنگام مرگ

سکوت خود را به شرح زیر توجیه می کند:

مدتی این مثنوی چون والد

شد خممش گفتم وراکای زنده ام

از چه رو دیگر نمیگوئی سخن

وز چه بر بستی در علم لکن

گفت نظقم چون شتر دیگر بخت

نیستش با هیچ کس تا حشر گفت

هست باقی این سخن، لیکن درون

بسته شد دیگر نمی آید برون

باقی این گفته آید بی زبان

در دل آن کس که دارد نور جان

سرّ پنهان است اندر زیر و بم

فاش اگر گویم جهان برهم زخم



**هم میهن گرامی**

**زبان پارسی را در همه جا پاس بداریم!**

**با عزیزان از دست رفته به زبان مادری و پارسی سخن بگوییم**

**اجرای مراسم تر حیم با گفتار و اشعار**

**عرفانی، معنوی و ادبی به زبان شیرین پارسی**

**فرید افشار ۷۹۷۲-۴۲۰ (۴۰۸)**

**کیترینگ افشار با کیفیت خوب، قیمت مناسب و سرویس عالی در خدمت شما می باشد!**



**TOUCHFREEWASH.COM** 3% DONATED MONTHLY TO HUMANITARIAN PROJECTS

**OPEN 24 HOURS**

بافته کتانی است که در اینجا خلاف این فرایند مضمون قرار گرفته است. [در این دنیا تا از خویش نگذرم عیش و خوشی برابم حاصل نمی‌شود، همچنان که وجود من در برابر جلوه معشوق فنا می‌یابد.]

توز نیز نام درختی است که از الیاف پوست آن زه کمان و رویه زین می‌ساخته و جامه نازک تیزی با آن می‌بافته‌اند. "توز نام شهری بوده در خوزستان و اهواز و بافته‌ای که در آنجا می‌بافند تیزی گویند" (ل.ن.). با سه بیت از ابوسعید ابوالخیر، سنایی و فرخی سیستانی:

بز در کمر است و توز در بلغار است / زه کردن این کمان بسی دشوار است  
فاجران را قصبی بر سر و تیزی در بر / شاعران از پی ذراع نیابند سلب  
فاجر = تبهکار، دارا و مالدار. ذراع = جامه بلند. سلب = لباس.

لباس من به بهاران ز تیزی و قصب است / به تیر ماه خز قیمتی و قز و سمور  
در مورد جامه تیزی هم همان مضمون تأثیر مهتاب در شعر آمده است، با دو بیت از انوری و فرخی سیستانی:

ز حفظ عدل تو مهتاب در ولایت تو / طراز تیزی و تار قصب نفرسوده

این تنم از هجر تو چون برگ بیداندر خزان / این دلم در عشق تو چون تیزی اندر مهتاب  
واژه کتان در شعر حافظ نیامده است، ولی واژه‌های شرب (با فتح اول) و قصب (با فتحین) هردو به معنی بافته نخی یا کتانی در یک بیت در دیوان غزلیات آمده است:  
دامن کشان همی شد در شرب زرکشیده / صد ماهروز رشکش جیب قصب دریده  
دامن کشان رفتن = با ناز و کبر رفتن، روی گرداندن و دور شدن. زرکش یا زرکشیده = پارچه زری، پارچه که تارهای سیم و زر در آن کشیده باشند. شرب زرکش یا زرکشیده معروف است. جیب = گریبان. بیت بالا شاید اشاره‌ای ظریف به تاب نیاوردن قصب در برابر ماه باشد. [در جامه زربفت با ناز می‌رفت و صد خوبرو از رشک او گریبان می‌دید.]

"بهرام گرامی، گل و گیاه در هزار سال شعر فارسی (تشبیهات و استعارات)، همراه با شرح و معنی همه ابیات مربوط به گل و گیاه در دیوان حافظ، با مقدمه ایرج افشار، انتشارات سخن، تهران، ویراست دوم، ۱۳۸۹، صفحه ۷۲ تا ۸۰.



## پُرسش ادبی

(کتاب و مهتاب)

بهرام گرامی

bgrami@yahoo.com

کسانی که پاسخ "مستندی" در مورد سابقه پیدایی یا چرایی ارتباط کتان (یا قصب) و مهتاب ارائه نمایند، نظرشان در ماهنامه پژواک درج می‌گردد و به مدت یکسال از اشتراک رایگان این ماهنامه، به نشانی خود، برخوردار خواهند شد.

**توضیح لازم:** در سراسر شعر قدیم فارسی، مراد از پنبه توده سفید الیاف تا مرحله رسیدن نخ و ریسمن بوده و هیچگاه بافته یا جامه‌ای پنبه‌ای نامیده‌اند. برعکس، از همه بافته‌ها و جامه‌های نخی یا ساخته شده از پنبه به صورت کتان یا کتانی نام برده شده است. ازین روست که در ادب فارسی مراد از پنبه و کتان یکی است. پنبه نام گیاه و الیاف آن و کتان بافته و جامه ساخته شده از آن.\*

در شعر قدیم فارسی این مضمون بسیار دیده می‌شود که مهتاب یا نور ماه بافته یا جامه نخی، موصوف به کتان یا قصب، را می‌فرساید و می‌پوساند یا تار و پود آن را از هم می‌ریزد و می‌پاشد یا چون آتش می‌سوزاند. "... شاعران پاره شدن آن [را] به سبب نور ماه گفته‌اند و ... آن جامه در مهتاب قوت ندارد." (لغت نامه دهخدا) در واقع، ابیات حاوی واژه کتان که فاقد مضمون تأثیر مهتاب باشند بسیار اندک هستند. سابقه پیدایی یا چرایی این باور معلوم نیست. از میان صدها بیت با این مضمون از شاعران نامور طی قرن‌ها، ابیات زیر به ترتیب قدمت، از ناصر خسرو، سنایی، امیر معزی، سعدی، اوحدی مراغه‌ای، خواجهی کرمانی، محتشم کاشانی و شیخ بهایی از باب نمونه آورده می‌شود:

از نام تو بگدازد بدخواه تو گویی / ماه است مگر نامت و بدخواه تو کتان  
با تن من کرد نور عارضت / آنکه با تار قصب مهتاب کرد  
گفتم ز چهره تو تنم را زبان رسید / گفتا ز ماه تار قصب را بود زبان  
تو را که گفت که برقع بر افکن ای فتان / که ماه روی تو ما را بسوخت چون کتان  
زود پوسد جامه پرهیز ما / کاین قصب در مهتاب انداخته ست  
پیکرم در مهر ماه روی تو / گشته چون تار قصب بر مهتاب  
از برق تیغ با سپه خصم می‌کند / کاری که مهتاب نکرده ست با کتان  
وارهان خود را از این همصحبان / جمله مهتاب‌اند و دین تو کتان

در مرزبان نامه آمده که: "در نیستانی وطن داشت که آنجا گرگ و میش چون نی با شکر آمیختی و یوز و آهو چون خار و گل از یک چشمه آب خوردندی، در حمای قصباء او خرقة قصب از خرق مهتاب ایمن بودی و ... حما = حریم و قلمرو. قصباء = نیزار یا نیستان. خرقة قصب = جامه کتانی. خرق = شکافتن و دریدن.  
صائب حدود صد بیت با واژه کتان دارد که تمامی آن‌ها با مضمون تأثیر مهتاب بر کتان است، با چند بیت انتخابی از او:

در سرا پرده امکان نبود رنگ بقا / هر چه جز پرتو ماه است کتان است اینجا  
از دل روشن علائق را شود پیوند سست / ماه می‌سازد کتان را پود و تار از هم جدا  
بسکه دلسردم ز تار و پود هستی چون کتان / می‌تواند پرتو مهتاب سوزاندن مرا  
حسن را با سینه چاکان التفات دیگرست / ماه ممکن نیست پرتو از کتان دارد دریغ  
بس که در ایام او دست تعدی کوتاه است / بر بساط ماه می‌گردد کتان دامن کشان  
پرتو مهتاب می‌سازد کتان را تار و مار / کی شود پوشیده آن سیمین بدن در پیرهن  
ابیاتی نیز با واژه پنبه و نور ماه یا مهتاب وجود دارد که بیشتر آنها از بیدل دهلوی است، با دو بیت از او که در آنها تمایز بین دو واژه پنبه و کتان به خوبی روشن است، پنبه به توده الیاف سفید اشاره دارد و کتان به جامه بافته از نخ آن:

ما را به غم عشق همان عشق علاج است / مهتاب بود پنبه ناسور کتان را  
مصراع اول همان مفهوم "علاج کزدم زده کشته کزدم بود" را دارد. ناسور = زخمی و مجروح. مهتاب به توده الیاف پنبه تشبیه شده که بر زخم می‌نهند. از سوی دیگر، کتان که از همان جنس است در مقابل مهتاب ضایع می‌شود.

به غیر از نفی خویش اثبات عشرت مشکل است اینجا / کتانم پنبه گردد تا بالاد مهتاب من  
کتانم = وجودم. پنبه گردد = تار و مار یا متلاشی گردد. مهتاب من = معشوق خوبروی و ماه منظر من. این بیت شاهد بسیار خوب در تأیید تبدیل الیاف پنبه به

گرچه پیرم ...

تنگ چشمان این دیار

با

دستی گشاده و روبی گشاده تر

دلتنگی غریب از ره رسیده را

در خلوت حضور دو دل چاره می‌کنند.

اینان چه بردبار

با

آغوش باز ز هر شام تا سحر

پیران خسته محنت کشیده را

بر تن قبای جوانی دوباره می‌کنند.

مسافر هنگ کنگ سپتامبر ۱۹۹۵

## حکایت

### عشق و جوانی، گستان سعدی

در عنفوان جوانی، چنان که افتد و دانی، با شاهی سری و سری داشتیم. اتفاقاً به خلاف طبع از وی حرکتی بدیدم که نپسندیدم، دامن از او درکشیدم و مهره برچیدم و گفتم:

برو هر چه می‌بایدت پیش گیر / سر ما نداری سر خویش گیر  
شنیدمش که همی رفت و می‌گفت:

شب پره گر وصل آفتاب نخواهد / رونق بازار آفتاب نکاهد  
این بگفت و سفر کرد و پریشانی او در من اثر

باز آی و مرا بکش که پیشش مردن / خوش تر که پس از تو زندگانی کردن  
اما به شکر و منت باری پس از مدتی باز آمد، آن خلق داوودی متغیر شده و جمال یوسفی به زبان آمده و بر سبب زنجاندنش چون "به" گردی نشسته و رونق بازار حُسنش شکسته، متوقع که در کنارش گیرم. کناره گرفتم و گفتم

تازه بهار ورقت زرد شد / دیگ منه کاتش ما سرد شد

چند خرامی و تکبر کنی / دولت پارینه تصور کنی

پیش کسی رو که طلبکار تست / ناز بر آن کن که خریدار تست

## مریم میرزاخانی

مریم میرزاخانی (زاده ۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۶، تهران) ریاضی‌دان و استاد ایرانی دانشگاه استنفورد، آمریکا است. میرزاخانی در ۳۱ سالگی و در دانشگاه استنفورد به عالی‌ترین جایگاه دانشگاهی، مقام استادی، رسید. میرزاخانی در سال ۲۰۱۴، برنده مدال فیلدز شد، که بالاترین جایزه در ریاضیات است. وی نخستین زن و نخستین ایرانی برنده جایزه فیلدز است. زمینه تحقیقاتی او مشتمل بر نظریه تائشمولر، هندسه هذلولوی، نظریه ارگودیک و هندسه هم‌تافته است. مریم میرزاخانی در دوران تحصیل در دبیرستان فرزنانگان تهران، برنده مدال طلای المپیاد جهانی ریاضی در سال‌های ۱۹۹۴ (هنگ‌کنگ) و ۱۹۹۵ (کانادا) شد و در این سال به عنوان نخستین دانش‌آموز ایرانی حایز نمره کامل شد. وی نخستین دختری بود که به تیم المپیاد ریاضی ایران راه یافت؛ نخستین دختری بود که در المپیاد ریاضی ایران طلا گرفت؛ نخستین کسی بود که دو سال مدال طلا گرفت و نخستین فردی بود که در آزمون المپیاد ریاضی جهانی نمره کامل گرفت. سپس کارشناسی خود را در رشته ریاضی از دانشگاه شریف گرفت و در سال ۱۹۹۹ برای ادامه تحصیل دکترا به دانشگاه هاروارد رفت. از مریم میرزاخانی به عنوان یکی از ده ذهن جوان برگزیده سال ۲۰۰۵ از سوی نشریه پاپیولار ساینس در آمریکا و ذهن برتر در رشته ریاضیات تجلیل شد. میرزاخانی برنده جوایزی چون جایزه ستر از انجمن ریاضی آمریکا در سال ۲۰۱۳، جایزه کلی و مدال فیلدز در سال ۲۰۱۴ است. وی از یازدهم شهریور ماه ۱۳۸۷ (اول سپتامبر ۲۰۰۸) در دانشگاه استنفورد استاد دانشگاه و پژوهشگر رشته ریاضیات است. پیش از این، او استاد دانشگاه پرینستون بود.

### زندگی‌نامه

مریم میرزاخانی، استاد دانشگاه استنفورد، در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ (سال سوم و چهارم دبیرستان) از دبیرستان فرزنانگان تهران موفق به کسب مدال طلای المپیاد ریاضی کشوری شد و بعد از آن در سال ۱۹۹۴ در المپیاد جهانی ریاضی هنگ‌کنگ با ۴۱ امتیاز از ۴۲ امتیاز مدال طلای جهانی گرفت. سال بعد یعنی ۱۹۹۵ در المپیاد جهانی ریاضی کانادا با ۴۲ امتیاز از ۴۲، رتبه اول طلای جهانی را به دست آورد. میرزاخانی دوره کارشناسی ریاضی در دانشگاه صنعتی شریف طی کرد. او با دریافت بورسیه از طرف دانشگاه هاروارد به آنجا رفت و دوره دکتری خود را در دانشگاه هاروارد پشت سر گذاشت.

### مادته تصادف

در اسفندماه ۱۳۷۶ اتوبوس حامل دانشجویان ریاضی شرکت‌کننده در بیست و دومین دوره مسابقات ریاضی دانشجویی، که در آن تیم متشکل از میرزاخانی، ایمان افتخاری و حسین نمازی در آن رتبه اول کشور را کسب کرده بودند، که از اهواز راهی تهران بود (مسابقات ریاضی دانشجویی در اهواز برگزار شد). به دره سقوط کرد و طی آن شش تن از دانشجوی نخبه ریاضی دانشگاه صنعتی شریف شامل آرمان بهرامیان، رضا صادقی - برنده دو مدال طلای المپیاد جهانی - علیرضا سایه‌بان و علی حیدری، فرید کابلی، دکتر مجتبی مهرآبادی و مرتضی رضایی دانشجوی دانشگاه تهران که اغلب از برگزیدگان المپیادهای ملی و بین‌المللی ریاضی

بودند، جان باختند و مریم میرزاخانی از جمله دانشجویان بازمانده از این سانحه بود.

### زندگی شغلی

سلیقه سینمایی میرزاخانی بازتابی از ذات بدون مرز پژوهش اوست، که درگیر کاویدن «خصوصیات اشکال هندسی نامعمول» است. او می‌گوید: «گاهی مواقع احساس می‌کنم در یک جنگل بزرگ هستم و نمی‌دانم به کجا می‌روم. ولی به طریقی به بالای تپه‌ای می‌رسم و می‌توانم همه چیز را واضحتر ببینم. آن چه آن گاه رخ می‌دهد، واقعا هیجان‌انگیز است.» فیلم مورد علاقه او، داگویل، نگاهی خشن به آمریکای دوران رکود بزرگ است. وی گفته که در کودکی آرزو داشته نویسنده شود. او گفت: «وقتی که بچه بودم رویایم این بود که نویسنده شوم. هیجان‌انگیزترین لحظاتم را به خواندن رمان می‌گذرانم، در واقع هر چیزی را به دستم می‌رسید می‌خواندم.» همسر وی یان وندراک، پژوهشگر علوم کامپیوتر نظری مرکز تحقیقات آی‌بی‌ام و اهل جمهوری چک است و از او دارای یک فرزند به نام آنهیتا می‌باشد.

### فعالیت‌ها و افتخارات

او به همراه ۹ محقق برجسته دیگر در چهارمین نشست ۱۰ استعداد درخشان نشریه پاپیولار ساینس در آمریکا مورد تقدیر قرار گرفت. به نوشته یواس‌ای تودی این فهرست ۱۰ نفره، شامل محققان و نخبگان جوانی است که در حوزه‌های ابتکاری مشغول به فعالیت هستند و با این



دکتر مریم میرزاخانی، استاد ریاضیات دانشگاه استنفورد نخستین بانوی ریاضی‌دان تاریخ لقب گرفت که توانسته مدال فیلدز، معتبرترین جایزه دنیای ریاضیات را از آن خود کند.

حال معمولاً از چشم عموم پنهان مانده‌اند. این فهرست بر اساس پیشنهادها ارائه شده از سوی سازمان‌های گوناگون، رؤسای دانشگاه‌ها و ناشران انتشارات علمی برگزیده شده‌اند. این محققان برجسته جوان در حوزه‌های گوناگونی از گرافیک رایانه‌ای تا ریاضیات و علوم ریاتیک، افق‌های تازه‌ای در مرزهای جهان اطراف ما گشوده‌اند که مریم میرزاخانی ریاضیدان ۳۳ ساله ایرانی یکی از آنها است.

میرزاخانی در سال ۱۹۹۹ میلادی موفق شد راه‌حلی برای یک مشکل ریاضی پیدا کند. ریاضیدانان مدت‌های طولانی است که به دنبال یافتن راه عملی برای محاسبه حجم رمزهای جایگزین فرم‌های هندسی هذلولی بوده‌اند و در این میان مریم میرزاخانی جوان در دانشگاه پرینستون نشان داد که با استفاده از ریاضیات شاید بتوان بهترین راه را به سوی دست یافتن به راه‌حلی روشن در اختیار داشت: محاسبه عمق حلقه‌های ترسیم شده بر روی سطوح هذلولی.

میرزاخانی در تلاش است تا معمای ابعاد گوناگون فرم‌های غیر طبیعی هندسی را حل کند. در صورتی که جهان از قاعده هندسه هذلولی تبعیت کند، ابتکار وی به تعریف شکل و حجم دقیق جهان کمک خواهد کرد. در واقع مشکل این است که برخی از این اشکال هذلولی همچون doughnuts و یا amoebas دارای ظاهری بسیار نافرمان هستند که محاسبه حجم آنها را به معمای جدی برای ریاضیدانان میدل کرده است. اما میرزاخانی با یافتن راهی جدید در واقع دست به یک ابتکار عمل بزرگ

### دیدگاه وی درباره ریاضیات

بدون علاقه داشتن به ریاضی ممکن است آن را سرد و بی‌بهره ببیند. اما زیبایی ریاضیات خود را تنها به شاگردان صبور نشان می‌دهد. پُرازش‌ترین بخش [مطالعه ریاضی] لحظه‌ای است که می‌گویی آها! ذوق کشف و لذت فهمیدن چیزی جدید. احساس ایستادن بالای یک بلندی و رسیدن به دیدی شفاف و واضح.

### دریافت جایزه فیلدز

او در سال ۲۰۱۴ برنده مدال فیلدز شد که بالاترین نشان علمی رشته ریاضیات است و هر چهار سال یک‌بار به دانشمندان برگزیده زیر ۴۰ سال اهدا می‌شود و از آن به نوبل ریاضیات نیز تعبیر می‌شود. وی نخستین زن و نخستین ایرانی بود که موفق به دریافت این جایزه گشت.

### جوایز و افتخارات

مدال فیلدز ۲۰۱۴ سئول

(«List of Fields Medallists»)

جایزه بنیاد ریاضیات کلی در سال ۲۰۱۴ (Clay Mathematics Institute)

جایزه ستر از طرف انجمن ریاضی آمریکا در سال ۲۰۱۳

جایزه ای.ام.اس بلومنتال در سال ۲۰۰۹

Clay Mathematics Institute

Research Fellow ۲۰۰۴.

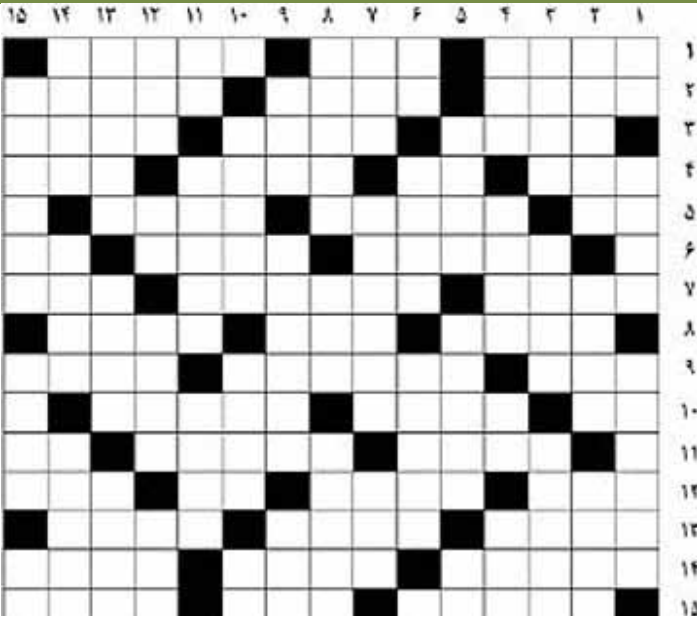
## کنسرت امید در سن حوزه

شنبه ۱۵ نوامبر ۲۰۱۴ در Center for the Performing Arts

تلفن اطلاعات ۵۵۳۲-۷۶۱(۴۰۸)

حل جدول در صفحه ۵۰

# سرگرمی



من رامین هستم. ده ساله. کمتر از یک سال است که با مدرسه‌های فارسی می‌آموزم. کلاس موسیقی می‌روم. تنیس و لیوانی هم می‌زنم. لب‌سنگین‌ها را خیلی دوست دارم. دوست دارم با ایران بروم و تخت جبهشید را ببینم.

## عمودی:

- ۱- بالا آمدن آب دریا- بخشنده و از صفات باریتعالی- چیرگی و برتری
- ۲- راننده هواپیما- قانونی- چون و برای اینکه
- ۳- مرسوم و متداول- داستان‌سرا- عایدی از کار
- ۴- امر به رفتن- راه یافتن- زمینه- خالص و سره
- ۵- چهره- گرامیداشت- بوی ماندگی
- ۶- صدمه- «خوب» فرنگی- فهمیدن
- ۷- از بت‌های زمان جاهلیت- ساخته دست قناد- ترس و بیم
- ۸- ندا دهنده- به شب رسانیدن- نظریه
- ۹- حرف تصدیق فارسی- کار بلد- همچنین
- ۱۰- ویرانی- آسمان‌ها- ریشه و بیخ
- ۱۱- طاقچه بالا- ناپسند بودن- پارچه مشبک
- ۱۲- گندم سوده- نیزه کوتاه- فالگیر- ابزار اندازه‌گیری
- ۱۳- آبیار- پارسا- انبار گندم
- ۱۴- خشک مزاجی- دفعه- مرکز عدسی
- ۱۵- تنور- شیوه- ساز مولانا.

## افقی:

- ۱- ویرانگر- رنج و درد- مکرم
- ۲- پول قدرتمند- احمق و نادان- زن فریب‌دهنده
- ۳- انتظار و چشمداشت- از هنرمندان سینما و تلویزیون و بازیگر مجموعه «معصومیت از دست رفته»- صحیح
- ۴- درخت همیشه سبز- پول ژاپن- ستون خیمه- نار
- ۵- رود اروپایی- دیدن و نظاره کردن- خط کج
- ۶- آزادی- گوشت برشته بر آتش- رمق آخر
- ۷- هدف و مقصود- پول اولیه تجارت- امتحان و آزمایش
- ۸- پروتئین گیاهی- آسانی- خاک
- ۹- بی‌سواد- کشوری با مرکزیت «تاوا»- بزرگ‌تر
- ۱۰- عدد ماه- شکننده بودن- خورشید
- ۱۱- درآوردنی از روزگار- میل کردن- ویتامین جدولی
- ۱۲- دوست و رفیق- آبی متنوع- بوزینه- دوازده ماه
- ۱۳- روشنی بخش- آهنگر باستانی- سمت راست
- ۱۴- آرزوی بزرگ- تشنه فریب- رنگارنگی
- ۱۵- بدبختی- کشور مبارک- بازیکن تیم «منچستر یونایتد» انگلستان.

## تقویم برنامه های فرهنگی و هنری در شمال کالیفرنیا

### انجمن ادبی شمال کالیفرنیا

هر دو هفته یکبار روزهای یکشنبه از ساعت ۱:۳۰ تا ۴:۳۰ پس از نيمروز برگزار می شود. ورود برای عاشقان شعر و ادب پارسی رایگان است. برای آگاهی بیشتر با شماره ۹۳۹-۹۹۸-۰۹۲۵ یا ایمیل mayheravi@yahoo.com تماس حاصل فرمایید.

### جلسات انجمن فردوسی

هر دو هفته یکبار در دومین و چهارمین جمعه هر ماه  
www.ferdosi.org  
۴۰۸-۲۹۵-۱۲۴۰  
ورود برای عموم آزاد است

### جلسات شعر فریمانت

اولین و سومین شنبه های هر ماه میلادی در شهر فریمانت. مکان:  
Fremont, Main Library  
۵۱۰-۲۲۶-۷۱۶۰  
۵۱۰-۷۴۵-۱۴۰۰  
ورود برای عموم آزاد است

### شب شعر در ساکرامنتو

اولین چهارشنبه هر ماه در رستوران فیمس کباب. تلفن اطلاعات: ۹۱۶-۴۸۳-۱۷۰۰  
1290 Fulton Ave., #3  
Sacramento, CA

### برنامه تلویزیونی رهنمودهای مسیح

با کشیش فرید فروتن یکشنبه ها ساعت ۲:۳۰ بعد از ظهر از کانال ۲۹ سانفرانسیسکو شنبه ها ساعت ۱۰ شب از کانال ۱۵ سن حوزه

### آموزش شعر و ادب با نصرت الله نوح

در کلاس تدریس حافظ و حافظ خوانی، غزلیات حافظ از نقطه نظر اسطوره شناسی، تاریخ، آیات و احادیث مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد. هر هفته در روزهای سه شنبه از ساعت ۷ تا ۹ عصر برگزار می شود.  
۹۶۸۵-۵۶۵(۶۵۰)  
Ortega Park, 636 Harrow Way, Sunnyvale

### شب بانوان

دومین چهارشنبه هر ماه شروع برنامه با شام و موزیک از ساعت ۷ عصر تا ۱۱:۳۰  
۱۲۳۴-۳۶۹(۴۰۸)  
۶۴۴۰-۳۷۱(۴۰۸)  
مکان: رستوران ساقی  
1392 S Bascom Ave, San Jose  
ورودی به شام ۲۵ دلار

### کلاس خصوصی

کلاس خصوصی عرفان و رفع مشکلات آثار مولوی، سعدی و حافظ توسط دکتر مسیح پور، استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برای کسب اطلاعات بیشتر لطفا با ما تماس حاصل فرمایید.  
۲۹۲۲-۷۲۵(۴۰۸)

## نیاز مندیها

### موقعیتی استثنایی

بعد از ۳۰ سال موفقیت و با وجهه بسیار عالی، به علت بازنشستگی، مغازه بوتیکی در بهترین منطقه شهر کاپیتولا، با منظره رو به دریا، برای فروش و یا اجاره. (831) 476 6856 (831) 325 3270

### استخدام

به خانمی با گواهینامه معتبر رانندگی و با داشتن اتومبیل، جهت نگهداری از فرزند ۱۰ ساله در سانتا کلارا به صورت Part Time احتیاج داریم.  
(۴۰۸)۴۴۱-۴۴۰۰ (۴۰۸)۶۵۸-۴۶۲۰

### جویای کار

خانمی با ۱۲ سال تجربه و دارای مدرک Child Development و با گواهینامه معتبر رانندگی و داشتن اتومبیل، آماده نگهداری از فرزندان دلبنده شما.  
(۴۰۸)۷۲۸-۰۸۷۵

## کلمات را در جدول پیدا کنید!

E	G	G	P	L	A	N	T	C	T	E	Z	R	B	F
B	A	J	Z	R	C	K	A	H	C	E	E	A	R	R
C	G	N	W	G	E	R	P	U	U	W	E	S	A	E
O	Z	A	J	W	R	B	T	A	O	Y	E	B	B	P
L	B	E	R	O	A	T	M	L	R	O	W	J	U	P
L	R	G	T	L	E	T	F	U	T	S	Z	Y	H	E
A	O	A	R	L	I	I	E	A	C	U	N	F	R	P
R	C	B	U	Z	L	C	T	R	D	U	K	I	W	E
D	C	B	T	U	L	O	W	R	C	M	C	K	P	R
M	O	A	A	F	P	A	S	P	A	R	A	G	U	S
E	L	C	B	S	W	T	V	E	Y	D	E	C	R	L
L	I	Z	A	E	O	D	R	A	H	C	I	S	H	O
O	C	E	G	D	A	N	O	I	N	O	V	S	S	D
N	P	Q	A	P	H	N	T	Y	X	I	S	V	H	Q
I	B	A	R	L	H	O	K	N	P	I	N	R	U	T

ASPARAGUS	CABBAGE	COOLARD	KOHLRABI
BEAN	CARROT	CUCUMBER	LETTUCE
BEET	CAULIFLOWER	EGGPLANT	MELON
BROCCOLI	CHARD	GARLIC	

# فایل ستارگان

### دای

شایستگی های شما از چشم هیچ کس پنهان نیست پس چرا زمان را با کارهای بیهوده تلف می کنید و منتظر لقمه آماده هستید؟ به آرزویی که دارید می رسید ولی باید اندکی صبر کنید. سعی کنید به کسانی که فقط به ظاهر شما اهمیت می دهند و براساس آن قضاوت می کنند، اعتنا نکنید، چون دوستی با آنها فایده چندانی برایتان نخواهد داشت.

### مهتر

کمی بیشتر قدر خود را بدانید و خود را دست کم نگیرید. حقی از شما زایل شده است ولی با زبان نرمتری هم می توان مقصر را متوجه خبط و خطایش کرد. کمی بیشتر به درس هایتان توجه کنید. و اگر شاغل هستید کمی بیشتر به کارتان توجه کنید. درخواستی از شما می شود بهتر است اول خوب در مورد آن فکر کنید. جوانب را بسنجید و سپس آن را قبول یا رد کنید.

### تیر

جاه طلب و بلندپرواز بودن عاقبت خوبی ندارد و خیلی زود انسان را خسته و دلزده می کند. گاهی بسیار غرق رویاها می شوید، این خوب است اما نه آنگونه که شما را از زندگی اصلی دور کند. اگر به کسی علاقه دارید و از او دورید در این ماه غرور را کنار بگذارید و به او زنگ بزنید. به پدر و مادرتان بیشتر احترام بگذارید و فراموش نکنید دعای خیر آنها همیشه پشت و پناهنان خواهد بود.

### شروردین

هدف مهمی دارید. اگر واقعاً تصمیم گرفته اید به این هدف برسید، شجاعانه قدم در راه بگذارید و کمی تلاش خود را بیشتر کنید. این ماه باید بیشتر از ماههای قبل انرژی برای خواسته تان صرف کنید. با کسی که دوستش دارید شاید دلخوری پیش آید و اگر یکی از طرفین کوتاه نیاید ممکن است که رابطه تان بهم بخورد. اگر قصد خرید چیزی را داری کمی عجله کنید که به نفع شماست.

### بهمن

بیماری دارید، در این روزها او را فراموش نکنید و برایش دعا کنید. یکی از آشناهای قدیمی را خواهید دید. اگر کار دادگاهی دارید کمی طول خواهد کشید. از دوستان قدیمی خود نیز یادی کنید. شاید بودن با آنها خاطرات خوب گذشته تان را برایتان یادآوری کند. هیچگاه از یاد خدا غافل نشوید و امید خود را از دست ندهید. البته که در هر اتفاقی مصلحتی است.

### آبان

حسرت روزهای از دست رفته را خوردن فقط شما را کسل و بی انگیزه می کند، پس به جای غصه خوردن سعی کنید اشتباهات را عبرت بگیرید و دیگر آنها را تکرار نکنید. حد اعتدال را در هر چیزی رعایت کنید. یک سفر کوتاه مدت، می تواند روحیه کسل و غمگین تان را از این رو به آن رو کند. نگران نباشید مشکلات گذرا هستند فقط نگذارید که اثر سوء آنها روی شما بماند.

### مرداد

گاهی به صلاح نیست که به خواسته خود برسیم. یا زمان دلخواه ما زمان مناسب رسیدن به خواسته مان نیست چون خدای تعالی بندگان را بهتر از خود آنان می داند، پس نگرانی های بیخود به خود راه ندهید و به خداوند بزرگ توکل کنید. در تصمیمی مردد هستید. بهتر است به نزدیکانتان اعتماد کنید و از آنها کمک بخواهید. سفری کوتاه ولی مهمی در پیش دارید.

### اردیبهشت

قدر فرصت ها را بدانید. اگر با بی خیالی آنها را از دست بدهید دیگر امیدی به موفقیت نمی توانید داشته باشید. فکری در سر دارید؛ فکر آغاز یک کار جدید، خرید یک وسیله نو یا... ؛ اگر می خواهید فکرتان را واقعاً عملی کنید بهتر است قبل از شروع این کار با صاحبان نظر مشورت کرده و سپس این کار را آغاز کنید. در زمان نزدیک مهمان یا قدم نو رسیده ای در راه دارید که قدمش بسیار برایتان مبارک خواهد بود.

### اسفند

انرژی انجام کاری را ندارید. کمی ناراحت و دلسرد هستید. نگران نباشید، محکم باشید و موانع را از پیش پای خود بردارید که به قله های موفقیت می رسید. اسرار درونی خود را با کسانی که شناخت کافی از آنها ندارید، در میان نگذارید. در مورد اتفاقی که افتاده زود تصمیم نگیرید؛ در قضاوت عجله نکنید. بهتر است که بگذارید کمی بگذرد و سپس تصمیم بگیرید تا ضرر نکنید.

### آذر

به برخی مسائل بسیار بی اعتنا هستید و به برخی دیگر بسیار حساس. این افراط و تفریط اصلاً خوب نیست. بهتر است کمی متعادل تر برخورد کنید. در این ماه امکان درگیری لفظی با اشخاصی وجود دارد پس تا می توانید با هر کسی همصحبت نشوید. کمی با دید مثبت تر به اطرافتان نگاه کنید و به نعمت الهی بسپاری که دارید، شکرگزار باشید.

### شهریور

کاری را شروع کرده اید، شروع هر کاری ممکن است با سختی و مشکلات همراه باشد، اما مهم این است که چگونه آن را به پایان برسانید. قولی که داده بودید یا نذری که داشتید را هر چه زودتر انجام دهید. خواب بدی دیده اید که ذهنتان را بشدت مشغول کرده، بهتر است آن را خواب تعبیر کنید و بد به دل تان راه ندهید. از راه دور خبر بسیار خوبی را به شما خواهند گفت.

### فرورداد

خریدی کرده اید که نهایت سود را خواهید برد. دچار اضطراب و نگرانی شده اید. باید به خدا توکل کنید و قدر کسانی را که برایتان زحمت می کشند بدانید و شما هم تا می توانید به آنها کمک کنید. کمی استراحت کنید، وضعیت جسمانی خوبی ندارید، شاید بیش از انرژی خودتان از خود کار می کشید که باعث خستگی تان می شود.



# Oakmont Produce Supermarkets!

A Family-Owned & Operated Food Retailer

یکی از بزرگترین و تمیزترین سوپر مارکت مواد غذایی در بی اریا

هدف ما جمع آوری کلیه مواد غذایی زیر یک سقف با سرویس عالی و قیمت های مناسب به منظور رفاه حال مشتریان عزیز می باشد



عرضه کننده گوشت و مرغ با ذبح حلال، ماهی تازه، خشکبار، برنج، حبوبات، لبنیات، چای، سبزیجات خشک، ادویه، سبزیجات و میوه جات تازه، انواع نان، آب میوه تازه...

سفارش کله پاچه  
با بهترین قیمت  
پذیرفته می شود!

Check out the  
*weekly Specials*  
Amazing Deals

فروشگاه مواد غذایی اُکمونت مارکت در محیطی سالم و بهداشتی در دو شعبه

Monday through Saturday 8:00am to 8:30pm, Sundays from 8:00am to 7:00pm

**(408) 873-7738**

19944 W. Homestead Road  
Cupertino, CA 95014

**(408) 866-6555**

810 W. Hamilton Ave.  
Campbell, CA 95008

میامد اما شبها همه را در حیاط بدور خود جمع میکرد و در حالی که پی در پی چای مینوشید و به مخده و متکا تکیه میداد و گاه از دنده راست به دنده چپ تغییر جهت میافت، داستانهای ترسناکی را تعریف میکرد که موهای دستم سیخ میشدند و حالتی دردناک پیدا میکردند و از آنجایی که همیشه از شنیدن داستانهای ترسناک، نوعی لذت همراه با دهشت برایم پیدا میشد، هم سخت میترسیدم و هم نمیتوانستم نیمه رهایش کنم. و بقیه هم چنین حالی را داشتند. چون تنها مستراح خانه در سمت مقابل اتاقها، در حیاط بود، اگر یکی از بچه ها جیشش میگرفت، از مستراح خانه بعلت آنکه همه در حیاط بودند نمیتوانست استفاده کند و مجبور بود در بیرون خانه و پشت دیوار کارش را انجام دهد. اما رفتن بیرون خانه در آن تاریکی که تنها چراغ خانه، گرسوزی بود که در حیاط گذاشته شده بود و همه از آن روشنایی استفاده میکردند، کاری بس شجاعانه بود که آن شجاعت در هیچکدامان یافته نمیشد و برای هر جیشی دوسه نفر همراه طرف، باید بیرون بروند تا بتواند کارش را انجام دهد. اغلب داستانهایش از جن بود و نیز از زائرنی که در راه بیابان، راه را گم کرده بدنبال سراب میرفتند و در راه، گرفتار اجنه میگرددند و آنان، به آزار آن زائر میپرداختند. و سعی میکردند زجر کشش کنند و هرگاه زائر، دیواری کوتاه می یافت که میخواست با جهیدن از روی آن دیوار، از آن حصار ترسناک بگریزد، به محض رسیدن بدیوار، آن دیوار، قد میکشید و آنقدر بلند میشد که حتی با نرده بان هم نمیشد به نوک آن رسید و وقتی آن بیچاره از دیوار دور میشد، دوباره دیوار، کوتاه میگردد. بطوری که اگر قدمش را قدری بلند بر میداشت میتوانست از روی آن عبور کند..... ادامه داستان در ماه آینده

خاکستر و ذغال و آت و آشغالها گاز میزدیم که اغلب دهانمان را هم میسوزانندیم. در طول سال تحصیلی، خواهرم که از من بزرگتر بود، و بعلت آنکه در آن حوالی مدرسه پیدا نمیشد، به ناچار به تهران می رفت و در منزل عمویم میماند. و در همانجا به مدرسه میرفت و آخر هفته ها به خانه خودمان میامد. وقتی که میرسید، هزاران تعریف از مدرسه و خانم معلم و همکلاسی ها و عمو و زن عمو و دیگران داشت که برایمان با آب و تاب شرح دهد و به نحوی ما را به اینکه مدرسه نیرویم و از دنیا و آنهمه ماجرا ها بی خیریم سرکوفت میزد. اما در همان حال هم با اشتیاق تمام از ما میخواست تا بر خیزیم و بیرون از خانه و به میان مزرعه ها و پس از لخت شدن زمین از سبزی ها به میان سنگلاخ ها و بالای تپه هایی که در نزدیکی بودند برویم و بازی کنیم.

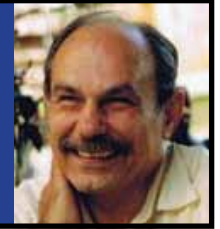
در وقت تابستان، اغلب میهمان، از راه دور داشتیم که از دوستان پدرم بودند که با خانواده و از اهواز و اندیمشک و گاهی از عراق میآمدند و چند روزی در خانه ما اقامت میکردند و برای زیارت مشهد، راهی میشدند و پس از مدتی، هنگام بازگشت، باز در منزل ما میهمان بودند. بعضی خیلی خوش خلق بودند و ما بچه ها، مشتاقانه انتظار آمدنشان را میکشیدیم و بعضی که خشک و بد اخلاق بودند را نمیتوانستیم هضم کنیم و وقتی که آنها می آمدند، ما بیشر طول روزها را در مزرعه ها و بالای تپه ها میگذرانیدیم و فقط هنگام خواب، در خانه سر میکردیم.

یکی از دوستان پدرم، ریشی بلند و سفید داشت با هیبتی چون نقاشی هایی که از زال، پدر رستم میکشند و هرگاه که آن نقاشی ها را میدیدم، یاد همان دوست پدرم می افتادم. فارسی را با لهجه عربی حرف میزد که طرز گویشش برای من خیلی غریب

## خیلی قدیم های تهران

### بخش اول

#### عباس پناهی



شباهت به ده شاهی داشت و جنسش از نوعی برنج (برنز) زرد رنگ بود و رویش مبلغ (۲۵ دینار) نوشته شده بود. سکه قویتر، ده شاهی بود که همان شکل ولی کمی بزرگتر و رویش هم نوشته شده بود (۵۰ دینار) که البته ارقام را با اعداد بخط فارسی نوشته بودند. از آن بالا تر، سکه نقره ای (نیکل) ۱ ریالی بود. پس از آن،

(سی شاهی) یعنی یک سکه نقره ای یک ریالی و یک سکه برنجی ده شاهی. بعد، دوزار بود که در واقع ۲ ریال بود که به آن دوزاری میگفتند و پس از آن دو ریال بود که شرح دادم و بعد ۵ ریالی بود. در آنزمان، سکه ۱۰ ریالی



هنوز ساخته نشده بود و برای مبلغ ده ریال، یک اسکناس که رنگ زمینه آن سرمه ای بود. و بعد اسکناس بیست ریالی بود که رنگی آجری داشت. اسکناس ۵۰ ریالی که همان پنج تومانی بود، برنگ سبز بود و تازه اسکناس ده تومانی یا ۱۰۰ ریالی هم چاپ شده بود که رنگ تقریباً سرخابی داشت.

من هنوز مدرسه نمیرفتم و به اتفاق برادر کوچکترم، اغلب در میان کشتزار های شیدر و سیب زمینی و یونجه و گندم زار، بازی میکردیم و در واقع بهترین نوع بازی، قايم باشک (قايم موشک) در همین مزرعه ها بود که وقتی وارد آن میشدیم با توجه به جثه های کوچکمان، در لابلای آن بته ها که گاه از قد ایستاده مان هم بلندتر بودند، پنهان میشدیم و دیگر مشکل میشد که بتوان پیدایمان کرد. گاهی در همانجا که پنهان شده بودیم، بته را که از جایش بالا میکشیدیم، چندین سیب زمینی ریز و درشت در ریشه آن بود که فوراً بر میداشتیم و پنهان شدن را فراموش میکردیم و به سرعت بطرف خانه میدویدیم و در نزدیکی خانه، از کاغذ و چوب و اشغال و هرچه که سوختنی بود جمع آوری میکردیم و با کبریتی که دور از چشم مادرمان از آشپزخانه کوچکمان کش میرفتیم، آتشی می افروختیم و سیب زمینی ها را، زیر آن بته ها چال میکردیم تا در اثر حرارت آتش، کباب شوند و پس از خاموش شدن آتش، چوبها را کنار میزدیم و سیب زمینی هایی را که پوستشان سوخته و ذغال شده بودند را بر میداشتیم و با همان

وقتی ما بچه بودیم، آنقدر روش زندگی و تسهیلات، متفاوت بود که اگر خودم در طول زمان با آن تغییرات بزرگ نشده بودم همه آن تعریفها از آن دوره، بنظر بیشتر به افسانه میمانست تا واقعیت...

خانه ما در محلی بود که نامش را گذاشته بودند ((کوچه اسدی)) اما از کوچه، خبری نبود. بلکه از خانه ما تا جاده قدیم شمیران

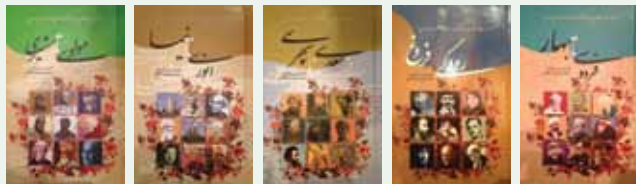
که نزدیک میدان تجریش بود، فقط چند خانه، به صورت پراکنده، اینجا و آنجاساخته شده بود و در فاصله خانه ها، از یکدیگر، مزرعه های گندم و سیب زمینی و شیدر و خربزه و اینگونه سبزی ها، کشت شده بودند.....

برای رسیدن به جاده ای که از تجریش به پیچ شمیران تهران وصل میشد، میبایستی مسافتی طولانی از میان مزارع و زمین های شنی ای که مثلاً سطح کوچه بودند، عبور میکردیم... اگر باید برای خرید به بازار میرفتیم، میبایستی کنار جاده خاکی پر از چاله چوله می ایستادیم که یا به میدان تجریش برویم که تنها میتوانستیم سبزی ها و میوه و مواد خوراکی تهیه کنیم، و یا در سمت دیگر منتظر اتوبوسهای قراضه و زوار در رفته ای میشدیم که بدنه های چوبی داشتند. و تا وقتی که به مقصد برسیم، دست کم، سی بار در اثر عبور از چاله ها و افتادن و در آمدن از گودالها، از جا یمان کنده میشدیم و سرمان محکم میخورد به سقف و با همان شدت، روی صندلی های چوبی سقوط مینمودیم. نرخ کرایه شان از محله ما تا پیچ شمیران، دو ریال بود. کلمه دو ریال در واقع به معنی دو عدد یکریالی نبود بلکه به معنی دو عدد یکریالی باضافه یک نیم ریالی یا (ده شاهی) بود و به سکه دو ریالی، مردم (دوزاری) میگفتند.... واحد های پولی ای که در آن زمان بود، چنین بودند --- سکه پنج شاهی که

## سیروسفری در گلستان ادب پارسی

### گردآوری و نگارش مهندس پرویز نظامی

مجموعه کتاب در هفت جلد مشتمل بر شرح حال-تحلیل و معرفی آثار و گلچینی از زیباترین اشعار شاعران-عارفان و عالمان ایران در یک هزار و دو بیست سال اخیر



قیمت هر جلد بیست دلار  
تلفن سفارش و خرید

۷۷۸۷-۲۰۸-۵۱۶

parviznezami@yahoo.com

Protecting our communities one home at a time.

1-888-298-9274



Health Response Systems

Shop Now

ADT Pulse Remote Security

piece of mind



Living independently doesn't mean you're alone. Help is here with the ADT Companion Services Personal Emergency Response Systems.



From burglary & fire monitoring to complete home automation, we have an ADT Home Security package that is right for you.



From almost anywhere, you can have the power to arm and disarm your home - it's home automation, climate and light control, and video.



ADT award winning home security offers your home 24-hour security monitoring for burglary, fire, carbon monoxide and more.

Video Surveillance



Keep an eye on what matters most, whether you're there or on-the-go. With home video surveillance, you can have peace of mind.

Help protect your home and family with a monitored alarm system. 24 hours a day, every day.

- ✓ Wireless Keypad
- ✓ Three Points of Protection
- ✓ Pet Sensitive Motion Detector
- ✓ Loud High Decibel Siren
- ✓ Yard Sign & Window Decal
- ✓ Lifetime Warranty



و نه به هیچ کس دیگر نمی شود اطمینان کرد و این همان دنیای و انفسانی است که برایتان گفته بودم. با خودم گفتم چرا من باید ناراحت باشم مدتی گشتم و خوش بودم و حالا هم بر می گردم سرخانه و زندگی خودم. فرض که تمام آنچه که بر من گذشت یک خواب بود. چند روز دیگر هم همسرم خواهد آمد و من سرافکنده و شرمسار نیستم. بالاخره بابک هم هرچه باشد آدم منحرفی نیست و گل نم هم می تواند از پس زندگی خودش بر بیاید. ده هزار دلار هم به پولش اضافه شد. بهر حال دختر زیبایی چون او تنها نخواهد ماند.

با این افکار کمی خودم را تسکین دادم و ساعتی دیگر را هم رانندگی کردم. ولی یک چیزی در درونم مرا میبازرد و راحت و قرار مرا از من گرفته بود. می توانستم گوشم را بگیرم، چشمم را ببندم و زبانم را گاز بگیرم ولی حریفم افکارم نبودم. با خود گفتم آخر من به او عادت کرده ام و دوستش دارم. خاطراتش، خنده هایش، نگاه ها و حرف زدنش، بوی عطر، لباس پوشیدنش و آن آغوش گرمش همه و همه برایم خاطره ای فراموش نشدنی است. من بدون او دیگر وجود ندارم. نیمی از راه را اشک ریختم. نزدیکی های لس آنجلس که رسیدم باران شروع به آمدن کرد و قطرات باران نیز اشکهایم را همراهی کردند. هنوز نمی توانستم به خودم بقبولانم که وارد قمار عشق شده ام، قماری که حتما در آن بازنده خواهم بود. راهی یکطرفه و بدون بازگشت. نمی دانم چطوری به لس آنجلس رسیدم در هتلی کوچک اتاقی گرفتم تا روزی را بگذرانم و دوشنبه که بانکها باز می شوند پول گل نم را بگیرم و برایش بفرستم و بعد به سن حوزه برگردم.

وقتی که به سن حوزه برگشتم دخترم گفت که شخصی بنام بابک تا حالا سه چهار دفعه زنگ زده و می خواست که با من صحبت کند و یک دفعه هم خانمی زنگ زد و خواهش کرد که به مجرد رسیدن حتما با او تماس بگیرم.

سری تکان دادم و تشکر کردم. رفتم دوشی گرفتم و چائی درست کردم و برای خودم ریختم و خوردم و سوسه عجیبی مرا بر آن می داشت که به بابک و یا گل نم زنگ بزنم ولی من خیلی بیشتر از آنچه خودم فکر می کردم اذیت شده بودم. به اتاق خواب رفتم ولی چطوری می توانستم خوابم. تا صبح اشک ریختم و هزار و یک جور تصمیم گرفتم و بالاخره نزدیکهای صبح خوابم برد.

نکن با من بازی کنی. کاش همانطور که من با تو رفتار کردم رفتار می کردی. جوابی نداد. منم در حالیکه ساکم را بر می داشتم، پاسپورت و حدود ۱۰ هزار دلار پولی را که برده بودیم انداختم روی تخت و گفتم: بلیط و بقیه پول هایت را هم به آدرس همین هتل برایت خواهم فرستاد. فقط تنها لطفی که می توانی در حق من داشته باشی این است که دیگر هرگز با من تماس نگیری، برایت آرزوی موفقیت و خوشبختی می کنم.

خواستم از اتاق خارج شوم، رفت جلوی درب ایستاد و گفت: مرا تا اینجا آورده ای مرا به همان جایی که برداشتی باز می گردانی و کرایه ات را می گیری آنوقت می روی. من که از آن لحظه به بعد دیگر نمی خواستم در لاس و گاس بمانم بدون جواب، گل نم را از سر راهم پس زدم و از اتاق خارج شدم.

گل نم به دنبالم آمد و گفت: نشیدی چه گفتم؟ چرا اگر می خواهی با من بیائی توی پارکینگ منتظر می مانم. دوید جلوی درب اسانسور ایستاد و گفت: می توأم خواهش کنم برگردی تو اتاق می خواهی با تو حرف بزنم؟

گفتم: مگر حرفی هم مانده است؟ آمدم پارکینگ و سوار ماشین شدم و بطرف لس آنجلس حرکت کردم. نمی دانم کجای کار من اشتباه بود؟ البته می دانم خودم باعث شدم که بابک این چنین پا پیش گذارد. حرف های بابک یک بار دیگر برایم مرور شد:

بابک: تو با او خیلی تفاوت سنی داری. حالا من را بگوئی یک چیزی، هم جوان هستم و هم می خواهم ازدواج کنم.

می توانی امتحان کنی. بابک: چه چیز را امتحان کنم؟ -اینکه ببینی حاضر است با تو ازدواج کند یا نه. بابک: جدی می گویی؟ -بله، جدی میگم.

بابک: یعنی اینقدر به خودت مطمئن هستی؟ -نه به خودم مطمئن نیستم بلکه از او مطمئن هستم.

لیکن گل نم را نمی توانستم باور کنم. بابک شاید فقط به خاطر رقابت با من و اینکه ثابت کند هیچ زنی قابل اطمینان نیست اینگونه پیش آمد. زیرا من و بابک سالهای زیادی باهم دوست بودیم و من بخوبی می دانستم که بابک این کار را نخواهد کرد و این ماجرا نشان داد که نه به بابک و نه به گل نم

## گل نم شیدوش باستانی

داستان دنیاله دار



**مقدمه:** همراه با تشکر و قدردانی تقدیم به دوست زیبا و نازنینم گل نم. ۱۶ سال طول کشید تا توانستم گل نم را پیدا کنم و از او اجازه بگیرم تا داستان زندگی را همانگونه که بود برشته تحریر در آورم. در این سرگذشت نویسنده از هر نوع تشابه اسمی و استراتژی رزمی و منطقه ای و یا اشتباهات تاریخی خود را معذور میدانم. سنتا پارابارا- کالیفرنیا

گفتم: ولی با این حرف دیگر اطمینانی در میان نیست، تو می توانی همین جا بمانی و من کوله بارم را بدوشم می کشم و می روم. راه افتادم و رفتم تا ساکم را از اتاق بردارم. برعکس انتظار خودم خیلی هم خونسرد و آرام بودم و انگار هیچ اتفاقی نیفتاده و نخواهد افتاد. وارد اتاق که شدم. ساکم را بر میداشتم که گل نم پشت سرم وارد شد و گفت تو از وقتی که بابک را دیده ای خیلی حساس شدی و حالا هم یادت نرود که بابک دوست توست نه دوست من و خودت گفتمی که می توانم به او اطمینان داشته باشم و دیگر اینکه می دانم که آن اطمینان ظاهری را هم به من نداری احتیاجی بگفتن آن نبود. گل نم وقتی این حرفها را می زد معلوم بود فقط عصبانی است.

گفتم: من نه کسی را به تو تحمیل کرده ام و نه خودم را و یک بار هم گفته بودم که نمی خواهم اویزه نه تو باشم و نه کس دیگر. لاید حرف بابک آنقدر ترا امیدوار کرده است که راضی شدی من بروم و تو را با او تنها بگذارم. تو اگر فقط بدنبال این هستی که کسی وضع اقامت تو را درست کند احتیاجی نبود که مرا انتخاب کنی آمریکا پر از سیتی زن های ایرانی است و خود جوانهای آمریکائی هم هستند که عاشق دختران ایرانی باشند و تو آزادی که هر کاری که دوست داری بکنی ولی سعی

حرکت حساب شده من: به گل نم گفتم هرطور که دوست داری آن کار را می کنیم. لیکن اول از همه باید برگردیم لس آنجلس تا من پاسپورت و پول را از بانک بگیرم و بعد بابک را در جریان امر قرار دهیم. با این حرف که حرکت درست و بجای یک شطرنج باز بود هر دو حریف مات و مبهوت شدند.

حرکت بعدی بابک: گفت: چطور است که گل نم اینجا بماند و شما با هواپیما بروید و یکروزه همه کارها را بکنید و برگردید؟ نگاهی به گل نم کرده گفتم تا نظر ایشان چه باشد؟ گل نم ساکت نشسته بود. بابک قیل ازاینکه او نظر خودش را بگوید گفت من و گل نم می رویم. یک چرخ تو کازینوها می زنی و قدری بازی می کنی تا شما برگردید و شام را باهم بخوریم.

حرکت بعدی من: گفتم: من و گل نم باید قدری راجع به برنامه های خودمان با هم مشورت کنیم پس چه بهتر که با هم باشیم. مطمئن باش که در صورت لزوم تو را در جریان کار قرار خواهیم داد. و بعد به شوخی گفتم: ضمناً اگر قرار باشد که من تنهائی بروم ممکن است که دیگر برنگردم؟

گل نم گفت: تو بر می گردی من اطمینان دارم. این حرف گل نم برایم خیلی سنگین آمد چرا که او ترجیح میداد که با بابک تنها بماند. من اصلاً از حرفها و کارهای او سر در نمی آوردم و همین موضوع مرا دیوانه می کرد.

## اطلاعیه «شب بانوان»

به اطلاع دوستان، آشنایان و بانوان عزیز می رساند که از دومین

چهارشنبه ماه سپتامبر شب بانوان به رستوران ساقی منتقل می گردد.

جهت اطلاع شما، در ابتدای گشوده شدن شب بانوان، با همکاری و همراهی خانواده جعفری همگام بوده ایم و خاطره بسیار خوبی از «کلاب اولان» داریم. در ضمن رستوران ساقی با دکوراسیون جدید، غذاهای متنوع و مهمان نوازی عالی از این ماه پذیرای ما خواهند بود. در یک ماه گذشته که نائل به دیدار شما نبودیم متأسفیم، آرزوی دیدار مجدد همگی شما را در روز چهارشنبه، ۱۰ سپتامبر داریم.

جهت اطلاع بیشتر با شماره تلفن های زیر تماس بگیرید:

۱۲۳۴-۳۶۹ (۴۰۸) • ۶۴۴۰-۳۷۱ (۴۰۸) • ۰۱۲۲-۹۹۸ (۴۰۸)

Saaghi Resturant

1392 S. Bascom Ave., San Jose, CA





گفتا که می بوسم تو را، گفتم تمنا می کنم  
گفتا اگر ببند کسی، گفتم که حاشا می کنم  
گفتا ز بخت بد اگر، ناگه رقیب آید ز در  
گفتم که با افسونگری، او را ز سر وای می کنم  
گفتا که تلخی های می گر نا گوار افتند مرا  
گفتم که با نوش لبم، آنرا گوارا می کنم  
گفتا چه می بینی بگو، در چشم چون آینه ام  
گفتم که من خود را در آن عریان تماشا می کنم  
گفتا که از بی طاقتی دل قصد یغما می کند  
گفتم که با یغما گران باری مدارا می کنم  
گفتا که پیوند تو را با نقد هستی می خرم  
گفتم که ارزاتر از این من با تو سودا می کنم  
گفتا اگر از کوی خود روزی تو را گفتم برو  
گفتم که صد سال دگر امروز و فردا می کنم  
سیمین بهبهانی

شمشیر خویش بر دیوار آویختن نمی خواهم  
با خواب ناز جز در گور آمیختن نمی خواهم  
شمشیر من همین شعر است، پرکارتر ز هر شمشیر  
با این سلاح شیرین کار خون ریختن نمی خواهم  
جز حق نمی توانم گفت، گر سر بریدنم باید  
سر پیش می نهم وز مرگ پرهیختن نمی خواهم  
ای مرد من زخم انسان، بر تارکم به کین توزی  
گر تاج خار نگذاری گل ریختن نمی خواهم  
با هفت رنگ ابریشم از عشق شال می بافم  
این رشته های رنگین را بگسیختن نمی خواهم  
هر لحظه آتشی در شهر افروختن نمی یارم  
هر روز فتنه ای در دهر انگیختن نمی خواهم  
این قافیت سبک تر گیر، جنگ و جنون و جهلت بس  
این جمله گر تو می خواهی ای مرد من نمی خواهم  
سیمین بهبهانی

ستاره دیده فروبست و آرמיד بیا  
شراب نور به رگ های شب دوید بیا  
ز بس به دامن شب اشک انتظارم ریخت  
گل سپیده شکفت و سحر دمید بیا  
شهاب یاد تو در آسمان خاطر من  
پیای از همه سو خط زر کشید بیا  
ز بس نشستیم و با شب حدیث غم گفتم  
ز غصه رنگ من و رنگ شب پرید بیا  
به وقت مرگم اگر تازه می کنی دیدار  
بهوش باش که هنگام آن رسید بیا  
به گام های کسان می برم گمان که تویی  
دل ز سینه برون شد ز بس تپید بیا  
نیامدی که فلک خوشه خوشه پروین داشت  
کنون که دست سحر دانه دانه چید بیا  
امید خاطر سیمین دل شکسته تویی  
مرا مخواه از این بیش ناامید بیا  
سیمین بهبهانی

آیات مصحف عشقم  
کس خواندند نتواند  
وان کس که مدعیم شد  
غیر از دروغ نخواند  
چونان سیاوش پکم  
از دود و شعله چه بکم  
آتش به رخت سفیدم  
خکستری نفاشاند  
دل ا برابر یاران  
چون گل به هدیه نهادم  
دیوانه آن که به تهمت  
خون از گلم بچکاند  
آن شبنم که سراپا  
در انتظار طلوعم  
گو آفتاب برآید  
وز من نشانه نماند  
جان را به هیچ شمردم  
این است رمز حضورم  
دشمن بداند و دردا  
کاین نکته دوست نداند  
رویای باغ بهشتم  
در نقش پرده ی خوابت  
شیطان به کینه مبادا  
این پرده را بدراند  
چون صبح، ایت حقم  
تصویر طلعت حقم  
عاقل طلیعه ی حق را  
در گل چگونه کشاند؟  
جز آفتاب و به جز من  
ظلمت زدا و صلا زن  
پیغام نور و صدا را  
سوی شما که رساند؟  
گفتی چرا نکشندم  
زیرا هر آن که به کشتن  
جسم مرا بتواند  
شعر مرا نتواند  
سیمین بهبهانی

من با تو ام ای رفیق! با تو  
همراه تو پیش می نهم گام  
در شادی تو شریک هستم  
بر جام می تو می زخم جام  
من با تو ام ای رفیق! با تو  
دبری ست که با تو عهد بستم  
همگام تو ام، بکش به راهم  
همپای تو ام، بگیر دستم  
پیوند گذشته های پر رنج  
اینسان به توام نموده نزدیک  
هم بند تو بوده ام زمانی  
در یک قفس سیاه و تاریک  
رنجی که تو برده ای ز غولان  
بر چهر من است نقش بسته  
زخمی که تو خورده ای ز دیوان  
بنگر که به قلب من نشسته  
تو یک نفری... نه! پیشماری  
هر سو که نظر کنم، تو هستی  
یک جمع به هم گرفته پیوند  
یک جبهه ی سخت بی شکستی  
زردی؟ نه! سفید؟ نه! سیاه، نه  
بالاتری از نژاد و از رنگ  
تو هر کسی و ز هر کجایی  
من با تو، تو با منی هماهنگ  
سیمین بهبهانی





# سوپر مارکت اطمینان

افتخار ما ارائه سرویس مناسب و قیمت منصفانه می باشد!

♦ انواع خواربار ♦ روغن و برنج ♦ خشکبار ♦ لبنیات ♦ ترشیجات ♦ حبوبات  
♦ لوازم آشپزخانه و کادوئی ♦ انواع شیرینیجات و آجیل ♦ ادویه جات ♦ چای  
♦ انواع نان ♦ سماورهای اتوماتیک (ساخت آلمان)



محصولات گوشتی، کله، پاچه، زبان، گوشت و مرغ با ذبح حلال، ماهی سفید و دودی



مجموعه ای از لوازم خانگی، آشپزخانه، کادویی، قلیان و انواع تنباکو

**(408) 226-5992**

5754 Santa Teresa Blvd. San Jose, CA 95123

## نیمکت کنار ساحل

اثری از سعید حبشی

بتازگی کتابی بنام (عشق گمشده) به قلم سعید حبشی در آمریکا منتشر شده که مجموعه ده داستان درجه یک و زیباست. سعید حبشی نویسنده، فیلمنامه نویس و روزنامه نگاری چربدست و ماهر است. نوشته های ایشان در بیشتر نشریه های خارج به چاپ می رسد و مورد پسند اهل دل و اهل قلم می باشد. در سالهای جوانی کتاب (پوسه روی شن های ساحل) را نوشت که سه بار تجدید چاپ شد. بعد جاذبه های سینما او را به فیلم و فیلمنامه نویسی کشید و در غربت نیز کتاب (برهنه در مرداب) را نوشت و تازه ترین اثر او (عشق گمشده) است که محتوی ده داستان جذاب و اندیشه برانگیز می باشد. داستان (نیمکت کنار ساحل) ساعت ها شما را به فکر می اندازد در این غربت که شاد و که غمناک.

اتوبوس در همان ایستگاه همیشگی ایستاد. راننده زن بود و می دانست چه کسی باید پیاده شود. از آینه به او که مردی هشتاد و دو ساله بود و روی صندلی سوم نشسته بود نگاه کرد و بعد با فشار یک دکمه در را گشود. پیرمرد که می دانست به مقصد رسیده، با کمک عصایش بلند شد و به طرف در رفت. اما قبل از پیاده شدن با لبخندی به راننده نگاه کرد و گفت:

Thank you madam, thank you.

حالت تشکر پیرمرد مثل این بود که دارد از طرف مردم ایران از نماینده دولت آمریکا تشکر می کند. راننده که بارها شاهد این صحنه بود، با یک لبخند مصنوعی فقط سرش را تکان داد و بعد که پیرمرد با احتیاط پیاده شد، در را بست و حرکت کرد. پیرمرد هنوز

به این طرف و آن طرف، به یاد تنقلاتی افتاد که با خود آورده بود. دست در جیب کرد و یک دستمال گره خورده را بیرون آورد. گره اش را باز کرد و آن را روی نیمکت، کنار دستش گذاشت. کشمش، توت خشک شده و پسته خرد شده بود. چند دانه را به دهان انداخت. مراقب بود به چند دندان مصنوعی اش صدمه ای نخورد. بعد نگاهش را از اطراف به افق دریا انداخت. جایی که آسمان و دریا به هم رسیده بودند. او نیز که تشنه رسیدن بود، به افق دریا خیره شد. باز با خودش حرف زد: پشت این دریا چیه؟ در اونجا چه می گذره؟ این دریای اروم و قشنگ چه چیزهایی که ندیده. چه لذت هایی که به آدم داده. چه جنایات هایی که نکرده... دوباره ساکت شد و بعد از انداختن چند دانه دیگر از تنقلات به دهان، دست در جیب بغلش کرد و کتاب جیبی حافظ را بیرون آورد. لای آن را باز کرد و شروع به خواندن کرد:

مزرع سبز فلک و داس مه نو

یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو

پیرمرد می خواست بیت دوم را بخواند که

یک مرغ دریائی روی لبه پشتی نیمکت

او نشست.

می رفتند، نبود. گویا دریا و ساحل آن فقط برای پیرمرد بود. پیرمرد از راه باریکه ای که آسفالت شده بود و اطراف آن را طناب کشیده بودند به آرامی عبور کرد و خود را به نیمکتی رساند که همیشه روی آن می نشست. نیمکت در قطعه زمینی محصور شده با گل و گیاه قرار داشت که مشرف به دریا بود. پیرمرد روی آن نشست و عصایش را هم کنار دستش گذاشت. بعد با دستمالی که از جیب شلوارش بیرون آورد شیشه های عینکش را پاک کرد تا بتواند دور دست ها را به خوبی ببیند. با دیدن یک قایق بادبانی که زن و مردی جوان در آن دیده می شدند، زیر لب گفت: جوانی کجائی؟

بعد به اطراف نگاه کرد. هیچ کس را ندید. دلش می خواست با کسی حرف بزند، اما کو هم صحبت؟! فقط می توانست با خودش حرف بزند: می گن اینجا بهشته! آخه بهشته که آدم توش تنها باشه، بهشته نیس.

جایی که حرف آدمو نمی فهمن به درد کی می خوره؟ توی خونه هم هرکی به دنبال کار خودش. حرف هم که بزیم می گن شما متوجه نیستین. هنوز نمی شه بگن تو نمی فهمی و یه کلام خری... پیرمرد عقده هایش را که خالی کرد، آرام شد. بعد از چند دقیقه نگاه کردن

## ارتش آمریکا استخدام می کند!

به قدرت صدای خود پی ببرید! "از طریق صدایم، ماموریت من تغییر دادن مسیر تاریخ است."

برای حل و فصل ناسازگاری ها، نجات دادن زندگی و بازسازی یک ملت، به عنوان مترجم با حقوق و مزایای بسیار عالی به ارتش آمریکا بپیوندید!

تسلط شما در زبان فارسی نقشی حیاتی در تداوم تلاشهای نوسازی کشور ما ایفا خواهد کرد. شما می توانید در ارتباط با شغل مترجمی و یا موقعیت های دیگر در ارتش آمریکا، سؤالات خود را با ما مطرح کنید. مسئولین استخدامی ما آماده هستند تا سؤالات شما را در اسرع وقت پاسخ دهند.

Part Time or Full Time. Between the ages of 18 and 41 years old. Total compensation includes Housing, Medical, Dental, Food, Special Pay, Vacation Times and many more.

Earn your **Citizenship** within six to eight months

For more information on the US Army's Linguist Program in your area, please call:

**Sergeant Jamie Laurent 650-248-4760**



# Burlington coat factory

## Great Deals for Women, Men, Kids & Baby

Vibrant dresses and handsome suits starting at just \$21.99



Mens Shirts



MENS PANTS



WOMENS DRESSES



Boys Dresswear



GIRLS DRESSES



Girls Shrugs



Mens Suits & Suit Separates



Jewelry & Accessories



For Home



Womens Suit Separates



Toys & Books



Baby Depot

CITRUS HEIGHTS, 6145 San Juan Avenue (916) 729-1002  
DALY CITY, 99 Southgate Avenue (650) 997-0733  
ELK GROVE, 9175 E. Stockton Blvd (916) 687-6192  
GILROY, 6900 Chestnut Street #a-1 (408) 847-0918  
MILPITAS, 1400 Great Mall Drive (408) 934-9630  
SACRAMENTO, 5601 Florin Road, Store 101 (916) 399-5726  
SAN JOSE, 1600 Saratoga Avenue (408) 378-2628

CONCORD, 1675 Willow Pass Road (925) 687-3355  
DUBLIN, 6900 Amador Plaza Road (925) 875-0712  
FRESNO, 5630 North Blackstone (509) 432-2628  
HAYWARD, 1000 La Playa Drive (510) 782-7073  
PITTSBURG, 4105 Century Boulevard (925) 754-5513  
SAN FRANCISCO, 899 Howard Street (415) 495-7234  
STOCKTON, 3702 East Hammer Lane (209) 477-6227

**سازمان زنان و گروه پیوند تقدیم می کند!**  
**جشن سنتی مهرگان در سانتانا رو**  
 با همکاری شهیار قنبری، فرزاد ارجمند و دی جی علیرضا  
 غذای ایرانی توسط رستوران رُزی مک کین

# MEHREGAN

2014 Celebration

## Celebrate Fall Together!

Santana Row is proud to host and celebrate the arrival of fall and the 2014 Mehregan, Persian Fall Festival.

In partnership with the Iranian Federated Women's Club (IFWC), enjoy free live music and featured performances in Santana Row's Park Valencia to welcome the autumn season.

The Persian Fall Festival is an ancient festival of Persian origin, which has been celebrated since 6th century BC at the time of the first day of the fall.

SANTANA ROW

September 23rd, 2014

5:30pm to 9:00pm

Park Valencia



## کلینیک عقل

به کلینیک عقل رفتم تا چکاپ همیشگی ام را انجام دهم، فهمیدم که بیمارم ...

منطق مهربانم برای همه این مشکلات به من مشاوره رایگان داد. به شکرانه اش تصمیم گرفتم از این پس تنها از داروهایی که در کلمات راستینش برایم تجویز کرده است استفاده کنم.

هر روز صبح یک لیوان قهوه بنوشم. قبل از رفتن به محل کار یک قاشق آرامش بخورم.

هر ساعت یک کیسول صبر، یک فنجان برادری و یک لیوان فروتنی بنوشم.

زمانی که به خانه برمیگردم به مقدار کافی عشق بنوشم و زمانی که به بستر می روم دو عدد قرص وجدان آسوده مصرف کنم. امیدوارم اراده نعمتهایش را بر شما سرازیر کند:

رنگین کمائی به ازای هر طوفان

لبخندی به ازای هر اشک

دوستی فداکار به ازای هر مشکل

نغمه ای شیرین به ازای هر آه

ورهای همگان از خدائی که خود خالقش بوده اند

شعور فشار خونم را گرفت، معلوم شد که لطافتم پایین آمده.

زمانی که دمای بدنم را سنجیدم، دماسنج ۴۰ درجه اضطراب نشان داد.

آزمایش ضربان قلب نشان داد که به چندین گذرگاه عشق نیاز دارم، تنهایی سرخگرهایم را مسدود کرده بود و آنها دیگر نمی توانستند به قلب خالی ام خون برسانند.

به ارتوپد رفتم چون دیگر نمی توانستم با دوستانم باشم و آنها را در آغوش بگیرم.

بر اثر حسادت زمین خورده بودم و چندین شکستگی پیدا کرده بودم.

فهمیدم که مشکل نزدیک بینی هم دارم، چون نمی توانستم دیدم را از اشتباهات اطرافیانم فراتر ببرم.

زمانی که از مشکل شنوایی ام شکایت کردم معلوم شد که مدتی است که صدای منطق را آنگاه که در طول روز با من سخن می گوید نمی شنوم.

انسان تنها موجود طبیعت است که از مرگ خود آگاه است. با این که می دانیم همه چیز به پایان می رسد، زندگی خود را به نبردی تبدیل می کنیم که سزاوار موجودی با زندگی ابدی است. پائولو کولتلیو

و از جان گذشتگی باردیگر برای نجات وطن فریاد می زند و پرچم آزادی را بر دوش می کشد

شاید دوباره ایران عزیز در صلح و آوارگان و بی پناهان به خانه و آشیانه خود برگردند توجه داشته باش تا نیفتی بر نمی خیزی.

ما همه افتاده ایم همه باید دست در دست یکدیگر بگذاریم و بلند شویم و ایرانی نو بسازیم.

آقای خشایار طوسی

از پلیدی ها برای سربلندی و رسیدن به مقصود و برای اینکه وطنی آزاد و مرفه داشته باشیم باید یکپارچه و متحد گردیم من بهمه یشارت می دهم من تنها نیستم که برای آزادی وطن گام بر می دارم و قلم بر روی صفحه کاغذ می گذارم و کلمه مقدس و پرافتخار آزادی را می نویسم بلکه ملتی خسته از جور و ستم و از جان گذشته و جماعتی کثیر و سیر از زندگی مشقت بار با دست تپه و شکمی گرسنه و پای برهنه همه باهم با تلاش و شهامت



## تا نظر شما چه باشد!

نامه ها و شعرهای رسیده به دفتر نشریه «پژواک»

به شهری نامن و پر از نیرنگ ها به شهری بی ترحم و پر از نفرت و غارت به شهری که دختران نجیب و زیبایی بجای آن که به خانه بخت بروند بدست شیادان وطن فرس به کشورهای عربی بفروش می روند تهران عزیزم روزی مرکز زیبا رویان و شیک پوشان جهان بودی افسوس می خورم در حال حاضر بهر کجا قدم بگذاریم با روسری و توسری و نقاب پوشان روبرو خواهیم شد و تبدیل شده ای به شهر جن و اجنه.

من عقیده دارم زیبایی مغناطیس و آهن ربائی است که هر بیننده را بسوی خود جلب می کند اگر کسی به زیبایی های دنیا کم علاقه باشد و یا مخالف آن باشد مانند چهارپائی بیش نیست که افسار گسیخته در مرتع سبز و خرم جهان به چرا مشغول است تهران عزیزم چرا در تو عروسی ها و شادی ها کم شد ولی ختم جوانان- قتل ها و اعدام ها فزونی یافت برادر کشی فراوان شد قساوت ها بینهایت دیگر امیددی نیست کسی دست افتاده ای را بگیرد دیگر جوانمردی پیدا نمی شود که تشنه ای را سیراب کند شهری شده ای که همه جای بوی باروت می دهد همه جا دلهره همه جا وحشت همه جا نکبت دیگر دروازه ای برای ورود حاجتمندان نداری و در نسیم بهاری تو همه نسیم آدم کشی نسیم دردی و نامردی است وطنم گلهایت همه پژمرده و در خاک خفته اند کبوترهای صلح و آزادی از بام تو پرواز کردند بلبلا نت همه نغمه هایشان در حنجره خاموش شد درختان سرسبز از شاخ و برگ تپه شدند باتوام وطن عزیزم سرزمین مقدس و زیبایم روزی همه چیز من بودی همه امید و آرزوهایم بودی همه جای شادی

آفرین بود حال خطایم به تو است ای خواهر هموطنم ای شیر زنان ندا از میان شماها برخاست و شربت شهادت نوشید ولی به تو آموخت باید مبارز و فداکار باشی متاسفم تو با چشمانت می بینی ولی بالبان بسته خاموشی و فقط نظاره گر هستی به تو هشدار می دهم ما جنگ با اهریمنی پرخاش جو و جماعتی نامسلمان داریم باید همه با هم متحد شویم برای نجات

آزادی کلمه مقدسی است که جوهرش از خون ندهاست از خون ستارهاست از خون شهداست از خون جوانانی است که در وطن عزیز هر روز طناب دار بر گردنشان آویخته می شود و لحظه ای بعد در زمین و آسمان با رقص مرگ بیدار عدم رهسپار می شوند در وطن کبوترهای صلح و آزادی از بام میهن پرواز کردند زیرا بام و خانه آنان بدست دژخیمان و قاتلان و خونخواران درآمده و در هر بامی جوخه های مرگ بحال آماده باش ایستاده اند دیگر برای وطن کاوه ای نیست که بر خیزد زیرا کاوه های غیور و شرافتمند وطن یک یک حلق آویز و اعدام شدند ولی مایه تأسف است که ما نظاره گر و شاهد این اعدام ها هستیم و بجای اعتراض و مبارزه در راه صلح و آزادی فقط در موقعی که جوانی پرشور وطن پرست و بخاطر دفاع از وطنش طناب دار بگردنش آویخته می شود با یک کلمه الله و اکبر کار را خاتمه می دهیم یادتان باشد با همین کلمه الله و اکبر بود که شاه را از تخت و تاج سرنگون کردیم.

با همین کلمه الله و اکبر بود که دروازه های میهن را بروی اجنبی و قاتل سرداران وطن پرست گشودیم و با همین کلمه الله و اکبر بود که او را در چپاول و غارت سرمایه های سرزمین مقدس وطن کمک و همراهی کردیم و با همین کلمه الله و اکبر بود که سینما و چهارصد نفر را زنده زنده سوزاندیم در حال حاضر فقط و فقط صدای پای سربازان و دژخیمان و جلاخان است که در کوچه و خیابانها طنین انداز است و مانع حرکت و جنبش آزادی است اگرچه دشمنان وطن قلم هائی را که برای آزادی نقش آفرین بوده شکسته اند و نویسندگان در بند و اسارت و در زندانهای مخوف جای داده اند ولی باز قلم های توانا و استوار و نویسندگانی از جان گذشته سینه را در برابر سپر استبداد و ظلم علم کرده اند حال با تو هستم ای وطن عزیزم ای خاک مقدس من ای امید و آرزوهایم ای تهران قشنگ ای دماوند زیبا چگونه باور کنم تبدیل شده ای به شهری بزرگ و بلاخیز به شهری پر از افسانه و نیرنگ به شهری پر از کشتار و تجاوز بانسانها به شهری بی امید از توشه



## کلوب تخته نرد در

شهر سن حوزه

هر پنجشنبه از ساعت

۱۱ صبح الی ۱ بعد از ظهر

Vineland  
Branch Library

تلفن اطلاعات

(408) 808-3000

1450 Blossom Hill Rd.  
San Jose, CA

## جشن مهرگان

یکشنبه ۵ اکتبر ۲۰۱۴ در کوپرتینو کامیونیتی سنتر

شروع برنامه از ۱۰ صبح الی ۵ بعد از ظهر

## ادامه مطلب کنار ساحل... از صفحه ۱۴۲

او مثل اینکه دوست چندین و چند ساله اش را بعد از سالها دیده باشد با خوشحالی به مرغ دریائی گفت: به به! مهمون ناخوانده که حبیب خداس! پیرمرد تازه می خواست سر صحبت را با مرغ دریائی باز کند که مرغ دریائی پرواز کرد و رفت. او باز هم تنها شد، اما در این لحظه چشم پیرمرد به کلمات و اعدادی افتاد که به انگلیسی روی نیمکت نوشته شده بود و تا به حال به آن توجه نکرده بود. با دقت به آنها نگاه کرد و از خود پرسید: چی نوشته؟! چرا تا به حال ندیده بودم؟

بعد با کنجاوی قلم و کاغذی را از جیب درآورد و با دست های نسبتا لرزان همه را به دقت ولی بدخط روی کاغذ کپی کرد تا از دخترش بیسود معنی آن چیست. سرمیز شام، وقتی که خوردن غذا تمام شد، کاغذ را نشان دخترش داد و پرسید: این چه معنائی می ده فرشته جون؟

دامادش با حالتی که معلوم بود حوصله پدر زن را ندارد، بی تفاوت بلند شد و ظرف های روی میز را به آشپزخانه برد. پیرمرد نوشته را به دخترش داد و گفت که از روی نیمکت کنار ساحل کپی کرده است. فرشته آن را خواند و جواب داد: این نام خانمی هست که نیمکتو وقف شهرداری کرده تا در اختیار مردم بذارن. شماره ها هم تاریخ تولد و مرگ اون خانمه.

پیرمرد گفت: پس بیچاره فوت کرده؟

- آره. سنش زیاد بوده!

- چون پیر شدی حافظ از میکده بیرون رو.

- باباجون! اینجا این چیزها معنی نداره!

شما فقط سعی کنین خوش بگذرونین.

براتون بلیط اتوبوس ماهانه گرفتم تا برین

کنار دریا کیف بکنین. از این دریای به این

خوبی که مردم آرزوی دیدنش را دارن

و در اختیار شمامست استفاده کنین. این

فکرهایی رو هم که می کنین از سرتون

بریزید بیرون. کاش ما می تونستیم به جای

این همه کار کردن هفته ای دو سه روز

بریم کنار دریا.

پیرمرد دلش می خواست خیلی چیزها

بگوید، ولی با توجه به اخطارهای دخترش

صلاح دید سکوت کند و همه را مثل

همیشه استخوان لای زخم نگه دارد. اما با

حالتی شبیه به خواهش پرسید: اسمش چیه؟

- اسم کی؟!!

- اسم همین خانمی که روی نیمکتش می

شینم. همونی که مرده.

فرشته از سر بی میلی نگاهی به کاغذ

انداخت و گفت: آن کرافت.

پیرمرد چشم هایش را پشت عینکش گرداند

سینه زد و خود را معرفی کرد: آنا...

محمدجعفر از شنیدن این نام شگفت زده شد. گیج شد. متحیر ماند. مثل قایقی شده بود که در میان گرداب گرفتار شده باشد. می خواست چیزی بگوید، حرف بزند، ولی زبانش بند آمده بود، انگلیسی نمی دانست و به خودش لعنت می فرستاد.

پیرزن متوجه شد و به کمکش شتافت و گفت: خودتو عذاب نده. فارسی حرف بزن. من فارسی بلدم.

پیرمرد مثل اینکه از خفگی نجات پیدا کرده باشد نفسی به راحتی کشید و گفت: قربون شما برم که فارسی صحبت می کنی. البته شنیده بودم که بعضی آمریکائی ها فارسی یاد گرفتن.

از آن روز به بعد، آنا و محمدجعفر هر روز

یکدیگر را می دیدند. دنیا برای محمدجعفر

عوض شده بود. نه به حرف های دخترش و

بی اعتنائی دامادش اهمیتی می داد و نه از

راننده اتوبوس تشکر می کرد. هم صحبتی

را که انتظارش را می کشید پیدا کرده بود.

آنا تنهایی اش را پر کرده بود. چندین بار

به او گفت: تو که نبود، این دریای ساکت

و سرد برام جهنمی شده بود که کنارش می

سوختم. تو فرشته نجات من شدی و باید

به خونه دعوتت کنم تا تو را به دختر و

دامادم معرفی کنم و بگم که منم برای

خودم دوست خوبی دارم.

آنا در این مورد با محمدجعفر موافق نبود.

می گفت که همین ملاقات روی نیمکت

ساحل کافی است. اما محمدجعفر زیربار

نرفت و دخترش را مجبور کرد تا مهمانی

خوبی به خاطر آنا ترتیب دهد. قرار هم بر این

گذاشته شد تا داماد پیرمرد به ساحل برود و

یا اتومبیل، آنا و پدر زنش را به خانه بیاورد.

آنا برای مهمانی لباسی زیبا به رنگ

صورتی پوشیده بود. روی کلاه حصیری

اش نیز یک پر به رنگ صورتی دیده

می شد. محمدجعفر به آنا گفت این

زیباترین لباسی است که در عمرم دیده

ام. پیرمرد به خودش هم رسیده بود.

برعکس روزهای دیگر لباس مرتبی

با کراوات پوشیده بود و صورت تیغ

کشیده اش مانند چشمانش که پشت

شیشه های عینک برق می زد، براق شده

بود. هنوز وقت داشتند. آنا به پیرمرد

گفت: محمدجعفر! از خودت بگو...

پیرمرد نگاهی به دریا انداخت و بعد آهی

کشید و گفت: زندگی ما مثل این دریا آرام

بود. اما توفان شد. یک شرکت انتشاراتی

داشتم که از سکه انداختنش. سرم گرم

کتاب و شعر بود. با نویسنده های خوب

و بد سر و کار داشتم. با خوب و بدی

هاشون می ساختم. اما همه چیز خراب شد.

زنم دعوا کرد و رفت. من سکنه کردم. زنم پشیمان شد دوباره برگشت پیشم. من خوب شدم. اما او کارش به بیمارستان کشید. بلائی ناگهانی بود. همه چیز زیر و رو شد. بچه ها هر کدام به طرفی رفتند. یکی به شرق یکی به غرب. زنم هم رفت. همه می گفتند دق کرد و غم باد، او را با خود برد. حالا من موندم با یک کوه غصه که از کوه دماوند هم بزرگ تر و سردتره.

آنا که به محمدجعفر خیره مانده بود و با افسوس سرش را تکان می داد گفت: محمدجعفر! برای تو خیلی متاسفم. چه دردهائی در سینه داری.

پیرمرد با شنیدن این جمله از آنا دچار

حالتی شد که گویا از خستگی رسیدن به

قله غم رهائی یافته است. از همدردی و

افسوس یک همزبان، چنان جان تازه ای

گرفته بود که سر از پا نمی شناخت. دلش

می خواست جسارت آنرا داشت تا آنا را در

آغوش بگیرد و بوسه باران کند. اما جلوی

خواسته اش را گرفت و گفت:

- Thank you Anna بالاخره یکی پیدا

شد، بفهمه در درون من چه خبره. Thank

you! Thank you Anna

لیخندی بر لبان آنا نقش بست که علامت

پذیرش تشکر پیرمرد بود. بعد به او گفت:

تو از همه چیز گفتی جز از یک راز که از

اون بی خبرم.

- چه رازی؟!!

- راز گناه. آیا گناهی هم از تو سر زده؟

پیرمرد لرزید. مثل این بود که بر سر یک

دو راهی قرار گرفته و در تصمیم گیری

برای انتخاب راه گیج شده است. مثل ماهی

هائی که در دل دریا به این سو آن سو می

روند، به عمق زندگی اش سفر کرد و به

جستجو پرداخت. فکرش به جائی نرسید و

با بیرون آمدن از آن، به آنا گفت: یادم نمی

اد. فقط می دونم هیچ کس نیس که در

زندگی مرتکب گناه نشده باشه.

در این لحظه صدای بوق اتومبیل

داماد پیرمرد که بدنبالش آمده بود به

گوش رسید. پیرمرد بار دیگر به دنیای

خوشحالی خود برگشت و به آنا گفت:

دامادم او مد. بفرمائین.

محمد جعفر دست آنا را گرفت و او را

بلند کرد و باهم به طرف اتومبیل رفتند.

تا رسیدن به اتومبیل پیرمرد برای

دامادش دست تکان می داد. به اتومبیل که

رسیدند پیرمرد در را برای آنا باز کرد تا

سوار شود. آنا سوار شد و محمدجعفر هم

پیروزمندانه کنار او نشست. پیرمرد می

خواست دامادش را به آنا معرفی کند که

دامادش با تعجب پرسید:

- پس مهمونتون کجاس؟! چرا تنهائین؟!!



## محله های تهران

شاید هر روز نام چند محله از تهران را بشنویم بن آنکه بدانیم تاریخچه این نامها چی هست. البته اگر اهل تهران باشید، به خوبی میدانین که هر یک از این نامها، بخشی از تاریخ تهران رو ساخته و همیشه گفت هویت تهران قدیم نهفته در تاریخ این نام هاست.

### سید فندان

سید خندان پیرمردی آنا و البته خندهر و بوده که پیشگوئیهای او زبازد مردم بوده است.. دلیل نامگذاری این منطقه نیز احترام به همین پیرمرد بوده است؛ البته بعدها نام سید خندان بر ایستگاه اتوبوسی در جاده قدیم شمیران هم اطلاق میشده است.

### فرمانیه

در گذشته املاک زمین های این منطقه متعلق به کامران میرزا نایب السلطنه بوده است و بعد از مرگ وی به عبدالحمین میرزا فرمانفرما فروخته شده است.

### فرمزداد

این منطقه به دلیل آب و هوای فرح انگیزش به همین نام معروف شده است.

### شهرک غرب

دلیل اینکه این محله به نام شهرک غرب معروف شد ساخت مجتمع های مسکونی این منطقه با طراحی و معماری مهندسان آمریکایی و به مانند مجتمع های مسکونی آمریکایی بوده و در گذشته نیز محل اسکان بسیاری از خارجی ها بوده است.

### آجودانیه

آجودانیه در شرق نیاوران قرار دارد و تا اقدسیه ادامه پیدا می کند. آجودانیه متعلق به رضاخان اقبال السلطنه وزیر قورخانه ناصرالدین شاه بوده، او ابتدا آجودان مخصوص شاه بوده است.

### اقدسیه

نام قبلی اقدسیه (تا قبل از ۱۲۹۰ قمری) حصار ملا بوده است. ناصرالدین شاه زمین های آنجا را به باغ تبدیل و برای یکی از همسران خود به نام امینه اقدس (اقدس الدوله) کاشی ساخت و به همین دلیل این منطقه به اقدسیه معروف شد.

### جماران

زمین های جماران متعلق به سید محمد باقر جمارانی از روحانیان معروف در زمان ناصرالدین شاه بوده است. برخی از اهالی معتقدند که در کوه های این محله از قدیم مار فراوان بوده و مارگیران برای گرفتن مار به این ده می آمدند و دلیل نامگذاری این منطقه نیز همین بوده است

### کامرانیه

زمینهای این منطقه ابتدا به میرزا سعیدخان، وزیر امور خارجه تعلق داشت، و سپس کامران میرزا پسر بزرگ ناصرالدین شاه، با خرید زمینهای حصاربوعلی، جماران و نیاوران، اهالی منطقه را مجبور به ترک زمینها کرد و سپس آن جا را کامرانیه نامید.

### محمودیه

(بین پارک وی تا تجریش یا ولیعصر تا ولنجک) در این منطقه باغی بوده است که متعلق به حاج میرزا آقاسی بوده است و چون نام او عباس بوده آترا عباسیه می گفتند. سپس علاءالدوله این باغ بزرگ را از دولت خرید و به نام پسرش، محمودخان احتشامالسلطنه، محمودیه نامید.

### نیاوران

نام قدیم این منطقه گردوی بوده است و برخی معتقدند در زمان ناصرالدین شاه نام این ده به نیاوران تغییر کرده است به این ترتیب که نیاوران مرکب از نیا (حد، عظمت و قدرت)؛ ور (صاحب) و ان علامت نسبت است و در مجموع یعنی کاخ دارای عظمت.

### ونک

نام ونک تشکیل شده است از دو حرف (ون) به نام درخت و حرف (ک) که به صورت صفت ظاهر میشود.

### یوسف آباد

منطقه یوسف آباد را میرزا یوسف آشتیانی مستوفیالممالک در شمال غربی دارالخلافه ناصری احداث کرد و به نام خود، یوسف آباد نامید.

### پل چوبی

قبل از این که شهر تهران به شکل امروزی خود درآید، دور شهر دروازه هایی بنا شده بود تا دفاع از شهر ممکن باشد. یکی از این دروازهها، دروازه شمیران بود با خندق لایی بر از آب در اطرافش که برای عبور از آن، از پلی چوبی استفاده میشد. امروزه از این دروازه و آن خندق پر از آب اثری نیست، اما این محل همچنان به نام پل چوبی معروف است.

### شمیران

نظریات مختلفی درباره این نام شمیران وجود دارد. یکی از مطرح ترین دلایل عنوان شده ترکیب دو کلمه سمی یا شمی به معنای سرد و ران به معنای جایگاه است و در واقع شمیران به معنای جای سرد است. به همین ترتیب نیز تهران به معنای جای گرم است. همچنین در نظریه دیگری به دلیل وجود قلعه نظامی در این منطقه به آن شمیران می گفتند و همچنین برخی نیز معتقدند که یکی از نه ولایت ری را شمع ایران می گفتند که بعدها به شمیران تبدیل شده است.

### کیشا

نام کیشا که در ابتدا کیشا بوده است برگرفته از نام دو بنیانگذار این منطقه (کینزاد و شاپوری) می باشد.

### منیریه (در جنوب ولیعصر)

منیریه در زمان قاجار یکی از محله های اعیان نشین تهران بوده و گفته شده نام آن از نام زن کامرانمیرزا، یکی از صاحب منصبان قاجر، به نام منیر گرفته شدهاست.

### شاید براتون جالب باشه که بدوینده:

سافتمان مصر و مفر فندقهای میدید تهران قریب به ده سال طول کشید(به دستور ناصرالدینشاه) و شهر تهران چندین برابر توسعه یافت و مساحت آن به سه فرسخ و نیم رسید و از طریق ۱۲ دروازه به محیط بیرون خود ارتباط یافت. این دروازهها که هم اینک نیز، اگر چه ساختمان آنها از بین رفته، اما اسمشان باقی است. عبارتانند از:

\* دروازه های دولت، یوسف آباد و شمیران (در شمال شهر)

\* دروازه های خراسان، دولاب و دوشان تپه (در شرق شهر)

\* دروازه های باغشاه، قزوین و گمرک (در غرب شهر)

\* دروازه های غار، رباط کریم و حضرت عبدالعظیم (در جنوب شهر)

در واقع حدود جغرافیایی تهران به شرح ذیل بود: \* شمال: طول خیابان انقلاب فعلی، از حدود پیچ شمیران تا کمی بعد از چهار راه کالج که به شکل مایل به طرف غرب و خیابان سی متری (کارگر کنونی) امتداد داشت.

\* غرب: از حدود چهار راه جمهوری کنونی تا حوالی میدان گمرک

\* جنوب: خیابان شوش، از حدود میدان راه آهن تا حوالی میدان گمرک.

\* شرق: خیابان شهباز(۱۷ شهریور فعلی) تا بعد از میدان شهدای کنونی.

و محلاتی که در داخل این محدوده قرار داشتند و هنوز بسیاری از آنها با همان اسم و رسم قدیم وجود دارند. محله دولت که به دلیل نزدیکی با کاخهای سلطنتی به این نام خوانده میشد، خیابانهای لاله زار، خیابان شاهآباد، خیابان اسلامبول، خیابان علاءالدوله (فردوسی) خیابان لختی (سعدی) خیابان واگنخانه (خیابان اکباتان) عین الدوله، دوشانتپه (ژاله)، نظامیه (بهارستان) و دروازه شمیران را شامل بود.

محله عودلاجان (اودلاجان) تشکیل میشد از خیابان جلیل آباد (خیام) کاخ گلستان تا ناصریه (ناصر خسرو) و حدود مسجد شاه و شمال بوذرجمهری شرقی و پامنار و جنوب خیابان چراغ برق (امیر کبیر) و میدان توپخانه، که محله کلیمیان و و زرتشتیان مقیم تهران بوده است.

محله سنگلج که بخش اعظم و عمده آن را امروزه پارک شهر تشکیل میدهد، در گذشته یکی از مراکز مهم سیاسی بود و با اینکه در حال حاضر تقریباً از بین رفته ولی هنوز اشتها تاریخی خود را از دست نداده... دنباله مطلب در صفحه ۵۰

## کنسرت امید در سن حوزه

شنبه ۱۵ نوامبر ۲۰۱۴ در Center for the Performing Arts

تلفن اطلاعات ۵۵۳۲-۷۶۱(۴۰۸)

## جشن مهرگان

یکشنبه ۵ اکتبر ۲۰۱۴ در کوپرتینو کامیونیتی سنتر

شروع برنامه از ۱۰ صبح الی ۵ بعد از ظهر



*Discover a Whole New Dining  
Experience in a Chic & Gracious Atmosphere at*



**Los Gatos**

**"Peruvian and Japanese Cuisine"**

**Full Menu Available at [Katsulosgatos.com](http://Katsulosgatos.com)**

**Dinner Service:**

**Sunday: 11:00am-8:00pm (Brunch from 11:00am-3:00pm)**

**Monday-Thursday: 5:00pm-10:00pm**

**Friday-Saturday: 5:00pm-11:00pm**

**Happy Hour:**

**Monday-Friday: 5:00pm-7:00pm**

**Sunday: 12:00pm-4:00pm**

**Restaurant is available for Private Events**

**(408) 354-0712**

**160 W Main St, Los Gatos, CA 95030**

## به سلامت روان به اندازه سلامت جسم اهمیت نمی‌دهیم

مرگ غم انگیز رابین ویلیامز بحث های بیشتری را درباره افسردگی و نحوه برخورد جامعه با این بیماری روحی پیش کشیده است.

سرطان تحت درمان بوده یا هستند، این رقم برای مبتلایان به اختلالات روحی و روانی از ۴۰ درصد فراتر نمی رود. پروفیسور وسلی اذعان کرد که این موضوع



بعد از مرگ غم انگیز رابین ویلیامز، در برنامه های تلویزیونی و همچنین گفتگوهای خودمانی بحث های زیادی درباره شرایط تلخ پیرامون خودکشی این ستاره هالیوود، و اینکه او چند سالی بود که از بیماری افسردگی رنج می برد، مطرح شد، و خبرهای چند روز پیش مبنی بر اینکه او شاید در مراحل ابتدایی ابتلا به بیماری پارکینسون بوده، سوالات بیشتری را پیش کشید.

پیچیده است و کسانی که از ابتلایشان به مشکلات روحی و روانی اطلاع دارند، معمولاً مایل به بیان مشکیشان نیستند، زیرا از آن بیم دارند که شغلشان را از دست بدهند. اما او این را هم گفت که فهرست انتظار برای درمان های روانی پیشرفته طولانی است و وضعیت سلامت روانی باید در دستور کار سیاستمداران، از اولویت بیشتری برخوردار باشد.

### تکالی تازه

در تحولی بی ارتباط به این موضوع، مجله خدمات بهداشت و سلامت نتایج بررسی هایی را منتشر کرده که روی درخواست های دریافت اطلاعات از مراجع دولتی و ۵۲ موقوفه سلامت روان در انگلستان انجام شده است. دنباله مطلب در صفحه ۵۰

تحصن کردیم. البته سرمایه گذار سیرک که از تاجران شهر هم هست، قصد مقابله با ما را داشت. ما هم با یگان حفاظت سازمان محیط زیست تماس گرفتیم و آن‌ها را در جریان قرار دادیم. صاحب سیرک مدعی است که مجوز دارد و البته با دشواری موفق شده مجوزش را تمدید کند.

اما علاوه بر این، مرگ او این سوال را پیش کشید که آیا به سلامت روان هم به اندازه سلامت جسم اهمیت داده می شود؟ یکی از بحث متأثرکننده در برنامه تودی (Today) و با حضور آدرین استرین برگزار شد. پسر ۳۴ ساله او اخیراً خودکشی کرده است. او گفت که بیشتر آدم ها اطلاعات بسیار کمی از بیماری های روحی و روانی دارند، و او به عنوان پدر یک بیمار همیشه نگران بوده که مبادا کار بیشتری بوده که می توانسته انجام بدهد.

یکی دیگر از مصاحبه شوندگان سر سایمون وسلی، رئیس جدید کالج سلطنتی روانپزشکان بود. او به این نکته اشاره کرد که در حالی که اکثریت بزرگی از مبتلایان به بیماری هایی نظیر فشار خون بالا یا

این خرس، شیری در این سیرک هست که دندان های نیشش کشیده شده و دیگر دندان هایش را هم بااره بریده اند.

ژیل پورایرانی، مؤسس پناهگاه حیوانات پردیس و از فعالان حقوق حیوانات، می گوید: وقتی خریدار شدیم که این سیرک به شهر تبریز آمده است و با وضع بد حیوانات آن مواجه شدیم،

## کمی در آمد باغ وحش ها در ایران شیرها را گیاهخوار کرده است

در باغ وحش بابلسر به دلیل درآمد پایین، شیرها به حیواناتی گیاهخوار تبدیل شده اند و غازها گل می خورند. در سیرک دیگری هم با وجود درآمد بالا، دندان خرس ها و شیرها را کشیده اند. دوستانداران محیط زیست به این رفتار اعتراض دارند.

### شرایط استاندارد، رویانی دور دست

در سال های اخیر دستورالعمل استانداردسازی باغ وحش ها به مراکز نگهداری حیوانات و باغ وحش ها ابلاغ شده، اما بسیاری از این مراکز تا به حال حتی به شرایط استاندارد نیز نزدیک نشده اند. در ایران شرایط نگهداری از



مالک باغ وحش بابلسر می گوید: «هزینه خوراک روزانه حیوانات این باغ وحش حدود ۵۰۰ هزار تومان است، در حالی که درآمد ما به مراتب پایین تر از این مبلغ است.» از همین رو در نخستین برخورد با باغ وحش بابلسر؛ آنچه به چشم می آید شرایط بد جسمی حیوانات است.



حیوانات در باغ وحش ها به گونه ای است که وقتی افراد به این مراکز مراجعه می کنند بعد از بازدید به دلیل شرایط بد نگهداری حیوانات افسوس می خورند.

صاحبان باغ وحش ها مدعی کمک به حفاظت از حیوانات محیط زیست و در معرض خطر هستند، اما آنچه در باغ وحش بابلسر مشاهده می شود، خلاف چنین دیدگاهی است. در ایران باغ وحش ها به مکانی برای درآمدزایی برای صاحبان آن ها، به قیمت زجر روحی و گرسنگی و آزار حیوانات تبدیل شده است.

وضع بد حیوانات در ایران به باغ وحش ها محدود نمی شود. سیرک ها هم در عدم توجه به شرایط زیست حیوانات، همپای باغ وحش ها و گاهی حتی عقب مانده تر از آن ها حرکت می کنند. در تازه ترین خبرها از ایران، فعالان محیط زیست در شهر تبریز مانع از اجرای یک سیرک به دلیل وضع بد نگهداری حیوانات شده اند.

به گزارش تابناک، در سیرک «ایل گلی» خرسی با شرایط اسفناک نگهداری می شود که هیچ دندانی در دهان ندارد و حتی نمی تواند گاهو بجود. مسئول سیرک می گوید دندان های حیوان به دلیل پیری ریخته و زیر بار نمی رود که دندان های خرس را کشیده اند تا رامش کنند. جدای

این باغ وحش که سابقه ۲۰ سال فعالیت دارد، چندی پیش به دلیل وضع بد نگهداری خرس ها و شرایط بد قفس ها و تغذیه این حیوانات تعطیل شده بود، اما چندی بعد فعالیت خود را بار دیگر از سر گرفت، بدون آنکه تغییر خاصی در وضع آن صورت بگیرد. البته رئیس محیط زیست بابلسر وضع این باغ وحش را رو به بهبود می داند. باغ وحش بابلسر یک هکتار مساحت دارد و نزدیک به ۱۲ گونه پستاندار و ۲۳ گونه پرنده در آن نگهداری می شوند.

به گزارش خبرگزاری فارس، در باغ وحش بابلسر شترهایی دیده می شود که به شدت نحیف هستند. شیرهای با ابهت؛ با آنکه جلوی قفس آن ها تابلوی حیوانات گوشت خوار نوشته شده، از شدت گرسنگی به جای گوشت علف می خورند. به گفته همسایگان این باغ وحش، شیرهای گرسنه شب هنگام از فرط گرسنگی نعره می کشند، اما نعره های رعد آسای سلطان جنگل اینجا گوش شنوایی ندارد و کوچکترین دلهره ای در دل کسی ایجاد نمی کند.

غازها در همین باغ وحش وضع نامناسب تری دارند. در قفس آنها ظرفی مخلوط از آب و گل قرار گرفته است. این مخلوط آب و گل غذای روزانه پرندهگان محسوب می شود.

## کنسرت امید در سن حوزه

شنبه ۱۵ نوامبر ۲۰۱۴ در Center for the Performing Arts  
تلفن اطلاعات ۵۵۳۲-۷۶۱(۴۰۸)



## جشن مهرگان

یکشنبه ۱۵ اکتبر ۲۰۱۴ در کوپرتینو کامیونیتی سنتر  
شروع برنامه از ۱۰ صبح الی ۵ بعد از ظهر

## فوائد و خواص زردچوبه

نتایج یک مطالعه حاکی از آن است که ماده موثره و دیگر ترکیبات موجود در ریزوم (ساقه زیرزمینی) زردچوبه دارای اثرات فارماکولوژیک متعدد از جمله ضد رادیکال آزاد، ضد التهاب، ضد سرطان و کاهنده چربی و قند خون بالا و اثر بر سیستم ایمنی در تحقیقات آزمایشگاهی و بعضاً بالینی است.

دکتر حسن فلاح حسینی استادیار پژوهشی گروه داروشناسی و طب کاربردی پژوهشکده گیاهان دارویی جهاد دانشگاهی کرج در یک مقاله مروری، اثرات فارماکولوژی ریزوم گیاه زردچوبه و ماده موثره آن کورکامین را بررسی کرد.

زردچوبه در کشورهای آسیایی از گذشته‌های دور کاربرد غذایی و دارویی دارد. در طب سنتی این کشورها زردچوبه در اختلالات گوارشی و کبدی، رفع سنگ کلیه، درد مفاصل و اختلالات قاعدگی مصرف می‌شود.

در آزمایش‌های حیوانی و انسانی تجویز زردچوبه در بهبود بیماری‌های متعددی موثر بوده است. زردچوبه یک ماده با خواص ضدالتهابی و آنتی‌اکسیدانی قوی است. این خواص زردچوبه باعث شده است که مصرف آن در بیماری‌های گوارشی، کبدی، سرطان، آرتريت، آلرژی، آسم، آترواسکلروز، آلزایمر و قندخون بالا مورد نظر قرار گیرد. با توجه به کاربرد غذایی و

زردچوبه در کشورهای آسیایی از گذشته‌های دور کاربرد غذایی و دارویی دارد. در طب سنتی این کشورها زردچوبه در اختلالات گوارشی و کبدی، رفع سنگ کلیه، درد مفاصل و اختلالات قاعدگی مصرف می‌شود. در آزمایش‌های حیوانی و انسانی تجویز زردچوبه در بهبود بیماری‌های متعددی موثر بوده است.

زردچوبه یک ماده با خواص ضدالتهابی و آنتی‌اکسیدانی قوی است. این خواص زردچوبه باعث شده است که مصرف آن در بیماری‌های گوارشی، کبدی، سرطان، آرتريت، آلرژی، آسم، آترواسکلروز، آلزایمر و قندخون بالا مورد نظر قرار گیرد. با توجه به کاربرد غذایی و

### ادامه مطلب محله های تهران ... از صفحه ۱۴۷

چاله حصار یکی دیگر از محلات جنوب تهران بود که چون آن را خاکبرداری و خاکش را به مصرف حصار کشی تهران رسانده بودند، مقدار زیادی چاله گود مانند داشت. بعدها برای تخلیه زباله‌های شهر از آنجا استفاده میکردند. چاله میدان نیز که قبلاً در دوره صفویه خاک آن را به مصرف حصارکشی تهران

### ادامه مطلب به سلامت روان ... از صفحه ۱۴۹

این بررسی‌ها نشان می‌دهد که شمار پرسنل پرستاری از سال‌های ۱۲-۲۰۱۱ تا ۱۴-۲۰۱۳ حدود ۶ درصد کمتر شده، و شمار پزشکان تحت استخدام و تخت‌های بیمارستانی هم کاهش پیدا کرده است.

موسسات خیریه و کارشناسان این حوزه می‌گویند که نتایج این بررسی «تصویری نگران‌کننده» ترسیم می‌کند و باید آن را به مثابه «علامت هشدار» دانست. در پاسخ به این گزارش مجله خدمات بهداشت و روان، یکی از سخنگویان وزارت بهداشت گفت: «در زمینه برخورد برابر با سلامت روان و جسم، ما در مقایسه با گذشته از هر زمان دیگری بیشتر رفته ایم و به سرویس بهداشت و درمان ملی (NHS) دستور داده

### ادامه مطلب سیر و سفری ... از صفحه ۱۸

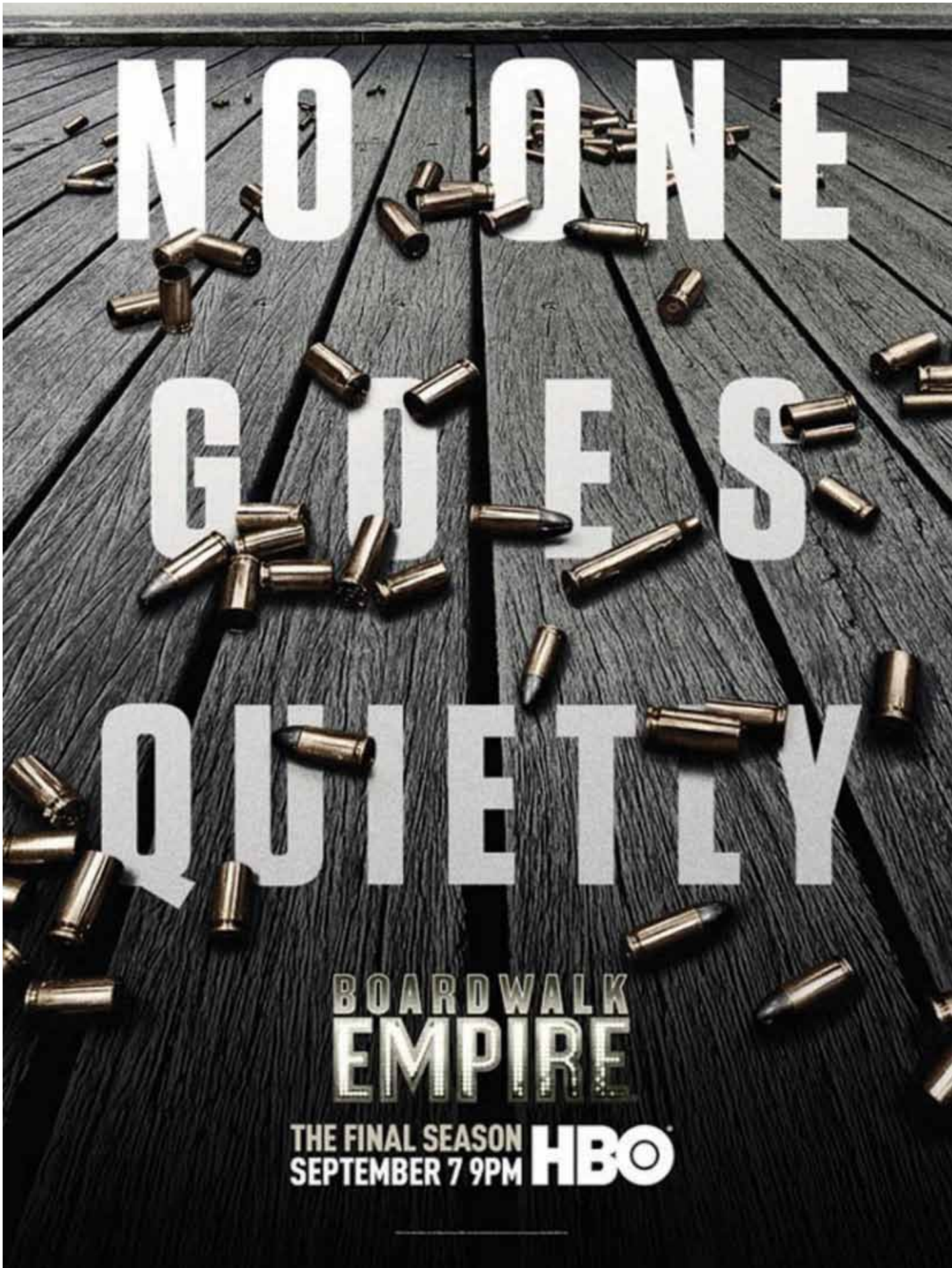
میرد و خسرو بر تخت سلطنت ایران جلوس می‌کند، ولی با قیام و شورش بهرام چوبین درگیر می‌شود و به ناچار برای گرفتن کمک برای سرکوبی بهرام به نزد قیصر روم به روم سفر می‌کند. در این احوال دو دل‌داده هر زمان که فرصتی می‌یافتند با یکدیگر دیدار کوتاهی داشتند، اما شیرین به سفارش مهین بانو، هشیاری و کنترل خود را حفظ می‌کرد و تسلیم خواسته‌های خسرو نمی‌گردید و او را تشویق و ترغیب به مبارزه برای تصاحب تاج و تخت کیانی با بهرام چوبین می‌کرد. پرویز بی‌آن که کامی از شیرین گرفته باشد رهسپار قسطنطنیه مقرر فرمانروایی قیصر روم گردید و در آنجا مریم دختر قیصر را به همسری برمی‌گزیند. اما آتش عشق او به شیرین همواره در دلش زبانه می‌کشد و زندگی‌اش را از غم و حرمان و اندوه لبریز می‌کند. شیرین با شنیدن خبر ازدواج خسرو شدیداً دل‌آزرده می‌گردد و در این اثنا مهین بانو نیز زندگی را بدرود می‌گوید و شیرین بر تخت سلطنت و فرمانروائی کشور ارمن می‌نشیند، ولی عشق سوزان او به خسرو و جدائی از او زندگی‌اش را دستخوش درد و رنج بسیار می‌سازد. شیرین روزی شاپور را احضار می‌کند و از او می‌خواهد سنگ تراش ماهری را برای ایجاد جوئی در کوهستان برای انتقال شیر گوسفندان از صحرا به کاخ او پیدا کند. شاپور کوهکن جوانی را به نام فرهاد به حضور شیرین می‌آورد و در وصف مهارت و توانائی فرهاد می‌گوید:

رخس نسرين و بويش نيز نسرين  
لبش شيرين و نامش نيز شيرين  
خسرو با شنیدن وصف زیبایی شیرین از زبان ندیم خود، شاپور، از او خواست تا ترتیبی برای ملاقات او با شیرین را بدهد. شاپور که نقاش و صورتگری بی نظیر بود، صورت پرویز را بر تابلویی نقاشی کرد و بر درختی در گذرگاه شیرین که هر روز همراه ملازمین پری پیکرش از آنجا برای تفریح و تفرج عبور می‌کرد آویزان نمود. شیرین را که چشم بر تصویر زیبای خسرو افتاد، عنان اختیار از دست برداد و شیفته تصویر گردید. شاپور خود را به شیرین می‌رساند و از زندگی خسرو شاهزاده ایرانی که صاحب آن تصویر است حکایت‌ها می‌گوید. شیرین که دل در گرو عشق خسرو باخته بود، برای دیدار با خسرو عازم مداین پایتخت ساسانیان می‌گردد و پرویز نیز به توصیه شاپور برای دیدار با شیرین رهسپار سرزمین ارمن می‌گردد و در چمن‌زاری در میان راه از دور با یکدیگر دیدار می‌کنند.

در چنین زمانی است که هرمز پادشاه ساسانی، پدر خسرو، روی در نقاب خاک به تیشه چون سر صنعت بخارد  
زمین را مرغ با ماهی نگارد  
به صنعت سرخ گل را رنگ بندد  
به آهن نقش چین بر سنگ بندد  
به پیشه دست بوسندش همه روم

به تیشه سنگ خارا را کند موم  
نگاه فرهاد که به صورت زیبا و افسون  
گر شیرین می‌افتد، عاشق شیرین می‌شود  
و در دام عشق‌اش گرفتار می‌گردد و به  
عشق او دل می‌بازد. تیشه برمی‌گیرد، به  
کوهستان بیستون می‌رود و به کار عظیم  
ساختن نهر برای انتقال شیر گوسفندان به  
اقامتگاه شیرین مشغول می‌شود تا خواست  
معشوق را صورت عمل بخشد و آرزوی او  
را برآورده کند، تا شاید مورد لطف و محبت  
او واقع شود. دنباله مطلب در ماه آینده

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵
۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰
۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵
۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰
۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵
۱۰۶	۱۰۷	۱۰۸	۱۰۹	۱۱۰	۱۱۱	۱۱۲	۱۱۳	۱۱۴	۱۱۵	۱۱۶	۱۱۷	۱۱۸	۱۱۹	۱۲۰



## ادامه مطلب مشقی تازه... از صفحه ۱۹

بیا ببین هندی ها برای عبادتشان چه قصری از مرمر ایتالیایی ساخته اند. من وقتی آنجا را دیدم فکر کردم آمد تاج محل، در حالیکه تاج محل عبادتگاه نیست مزار است. چینی ها و بودایی ها هم بیا ببین چه عبادتگاههایی ساخته اند. یهودی ها و مسلمانان هم مراکز مذهبی خودشان را دارند. من یکی از مساجد مسلمانان را دیده ام.

اخیرا هم معلوم نشد کی یا چه کسانی رو دیوار همین مسجد نوشته بودند: «عربها برید خانه هایتان». البته پلیس کانادا دربر دنیال مجرم یا کاشب همین عبارت تفرقه افکن می گردند تا قانونا ادیش کنند. تورنتو بهشت توریست و جهانگردان است. هرچه بخوانند در این شهر هست، از زیبایی و طبیعت تا قصر، موزه، نمایشگاه و بناهای قدیمی و جدیدی و غیره. تازه شهر قدیمی تورنتو هم باید رفت چون دیدن دارد. خودش به تنهایی از مراکز جذاب گردشگری است. تازه از آبشار نیاگارا نگفتم که با یکساعت فاصله می شود رفت و آن را دید. در تورنتو چند تا رستوران ایرانی هم هست. اسم یکیش برابم خیلی جالب بود. توی آمریکا رستورانی با این اسم نشنیده بودم. نامش بود رستوران دربار. البته برای رفتن به این رستوران قبلا باید رزرو کنی و از پیش همه چیز باید معلوم شود مانند تعداد نفرات و نوع غذای مورد علاقه. قیمت ها در چه سطحی است بنده نمی دانم ولی سنگ تمام برایت میز می چینند. بهرحال قبرستان های تورنتو هم دیدن دارد. باید بری ببینی روی بعضی از مزارها چه کارهای هنری کرده اند یا چه تندیس هایی نهاده اند. متاسفانه در این سفر فرصت نشد به این وادی خاموشان بریم، باز ببینیم و عکس هایی بگیریم. بقول دوستان آذری عیب یخدور. یادمه یه روز هم به یک رستوران جمع و جور ایرانی رفتم که کباب بگیریم و ببریم خانه. نشسته بودیم تا سفارش غذای ما را آماده کنند که دیدم دو استکان با طرح ناصرالدینشاهی چایی داغ و یک قندان قند جلو ما گذاشتند. این کارشان با استقبال فراوان بنده روبرو شد. در تورنتو به لحاظ شرایط خاص جوی، برف، باران و سرمای طاقت کش برای راحتی عموم، و رفع پاره ای مشکلات بقولی تدابیری اندیشیده اند. بطور مثال در منطقه تورن هیل که پسر من خانه ای دارد تمام سیم کشی های برق خانه ها و اماکن این بخش از زیر زمین رد می شود. تازه در تورنتو گذرگاه های زیرزمینی مرتب و روشن هم

دارند که گاه بطول یک کوچه شاید هم طولانی تر. روزی که رفتم آبشار نیاگارا را ببینم، تازه فهمیدم چقدر تورنتو بزرگ است. شاید قریب بیست دقیقه ای که در راه بودیم پرسیدم اینجا کجاست گفتند هنوز تورنتو هستیم. بقول قدیمی ها عجب در کتابفروشی های تورنتو این بار هم دیدم باز کتاب های چاپی کمتر شده اند و کتاب های دیجیتالی دارند زیاد می شوند. پسرم قویا می گوید که عصر کتاب های چاپی روبه انقراض است ولی من این روند را دوست ندارم. کتاب چاپی چیز دیگریست. این را هم گفته باشم چقدر جوانان بالای شهری ها به تورنتو آمده اند که دستشان حسابی به دهانشان می رسد. چه بهتر روزگارشان خوش باد. ما که حسود نیستیم ایکاش همه چنین باشند. شلغم پخته برای بعضی ها مرغان بریان نباشد.

دلم می خواست آنجا که بودم سری به انجمن ادبی میزدم. متاسفانه نشد. دفعه پیش که تورنتو بودیم یه جایی بمن نشان دادند که برنامه آن انجمن را دیدم. یکی از موضوعات درباره بررسی مسایل جنسی و از این حرف ها و چند موضوع دیگر که دلسرد شدم و ترفتم. حتما شعر خوانی هم دارند و شاید هم نواختن موسیقی. بگذریم. در طول این یک ماه که تورنتو بودم دلم می خواست باز برم آبشار نیاگارا را ببینم اما مگر باران های آخر هفته گذاشت یا مهمانی ها! ولی هفته آخر بخت یار شد. یکشنبه باران نبود. بعد از ظهر آن، بقول قدیمی ها حرکت کردیم. گرچه درست وسط راه باران پرسخاوتی بارید. چقدر این شهر طبیعت زیبایی دارد، چقدر درخت میوه، چه خانه هایی و چه صدای پای آبی، چه موزه ها، هتل ها و فروشگاه های کوچک. پر از گل و بسیار جذاب. من که هروقت رفتم نیاگارا دلم نمی خواست از این شهر پر توریست دیدنی دل بکنم. در این شهر علاوه بر آنچه گفتم یک سالن نمایش تئاتری هست که هر ساله از سراسر دنیا می آیند در آن نمایشنامه های برنارد شاو را تماشا می کنند. این سالن هم ملکه انگلیس هدیه کرده است. قبلا سالن درستی نداشتن. منظوم روزهای اول شروع این فعالیت هنری. من در همین شهر دیدنی در کوچه ای تابلویی دیدم که معلوم شد قدیمی ترین نشریه انتاریو در همین شهر نوشته و چاپ می شد. وقتی راهمان را ادامه دادیم تا بریم شهر نیاگارا، توی ماشین پسرم گفت معمولا در زمین سه نوع حالت ممکن است پیش بیاید. یک نوعش زمین شکاف بر می دارد و زمین دو قسمت

## ادامه مطلب داستان مرگ رستم... از صفحه ۱۰

زمانه گویی با پهلوان دلیر ایران، سرچنگ داشت و او را یکسره به سوی قتلگاه خویش می کشانید. با نزدیک شدن به چاه، ناگهان هر دو پای رخس لغزید و همراه با سوارش در چاه فرو افتاد. زواره و اسبش نیز در گوشه ای از چاهی دیگر، فرو غلتیدند. نیزه ها و دشنه های تیز و بزان، جای گریزی برای رستم باقی نگذاشت، پهلوی رخس و اندام رستم پاره پاره و مجروح شد و پهلوان دریافت که دیگر راهی به زندگی نیست. با این حال، رستم با مردانگی، تن خود را برکشید و دلیرانه سر خود را از ته چاه برآورد:

دو پایش فرو شد به یک چاهسار

نبد جای آویزش و کار زار

این چاه پر حربه و تیغ تیز

نبد جای مردی و راه گریز

بدزید پهلوی رخس سترگ

پر و پای آن پهلوان بزرگ

به مردی تن خویش را بر کشید

دلیر از بن چاه بر سر کشید

رستم در آخرین لحظات عمر، شغاد را در بالای چاه می بیند، می فهمد که شغاد فریبکار، بدخواه اوست، در همان هنگام به سختی کمان را در دست می گیرد و تیر را درون آن قرار می دهد. شغاد در یک

لحظه، ترس وجودش را فرا گرفت، عقب رفت و خود را پشت درخت چناری - که بر اثر گذشت زمان - تنه اش فرسوده و فروریخته بود، پنهان ساخت. رستم که چنین دید، آخرین ذره های رمق و توانایی را در بازوهایش جمع کرد و تیری را که به کمان نهاده بود، پرتاب کرد. تیر تنه ی فرو پاشیده ی درخت را در نوردید و نوک تیز آن، بر سینه ی شغاد فرو رفته، او و درخت به همدیگر دوخته شدند شغاد آهی دردناک کشید. لیکن رستم با پرتاب تیری دیگر کار او را تمام کرده، درد را بر او کوتاه کرد:

چو رستم چنان دید بفراخت دست

چنان خسته از تیر بگشاد شست

درخت و برادر به هم بر بدوخت

به هنگام رفتن دلش بر فروخت

شغاد از پس زخم او آه کرد

تهمت بر او درد کوتاه کرد

رستم با سپاس از کردگار، جان به جان آفرین تسلیم کرد. پس از مرگ رستم «فرامرز» فرزند او، پیکرش را از کابل به زابلستان آورد پس از دفن رستم؛ به کابل لشکرکشی کرد و انتقام او را از پادشاه کابل گرفت.

«بازگردانی و تلخیص: حسین مبارکیانی»

## ادامه مطلب اقتباس های ادبی... از صفحه ۳۳

خاطر خساست بیش از حد پدر خانواده تنش شدیدی بین او و چهار پسرش جاریست... آکسی: باورم نمیشه چطور می توان پنج هزار روپل را یکباره خرج کرد!

دیمیتری: فقط مهارت می خواهد.

آرزوهای بزرگ ۱۹۴۶ Great expectations

نویسنده: چارلز دیکنز، کارگردان: دیوید لین، بازیگران: جان میلز - جین سیمونز کودکی پرورشگاهی به ناگهان به خاطر کمک به یک زندانی فراری، تبدیل به یک جنتمنل می شود...

استلا: ما همان هایی که هستیم باقی می مانیم، چون مردم هیچ گاه عوض نمی شوند.

و ترمیم می کنند و دوباره مسیر آب آبشار را بشکل اولش برمیگردانند و نمی گذارند این مرکز دیدنی و جذاب طبیعی در این قسمت دنیا نابود شود تا خاطره اش بماند. راستی اگر خواستید همه آدمای دنیا را با پوشش و زبان خاص خودشان از نزدیک ببینید چمدان سفر بردارید، یک سری برید نیاگارا و خصوصا آبشار نیاگارا. تازه خود شهر نیاگارا هم جاذبه های فراوانی دارند. هم برای خودتان و هم بقولی برای بر و بچه ها.

فوشه های فشم ۱۹۴۰ Grapes of Wrath

نویسنده: نانالی جانسون، کارگردان: جان فورد، بازیگران: هنری فاندانا - جین دارول در دوران رکود اقتصادی آمریکا خانواده ای مجبور به ترک دیار شده و عازم ایالت کالیفرنیا می گردند...

تام جاد: به نظر می رسد که دولت مردان به مردگان بیش از زندگان توجه می کنند...

برادران کارامازوف ۱۹۵۸ Brothers Karamazov

نویسنده: فئودور داستایفسکی، کارگردان: ریچارد بروکس، بازیگران: یول برینر - لی

جی کاب - ماریا شل روسیه ۱۸۷۰ در فامیل کارامازوف به

می شود. یک نوعش زمین فرو می رود و نوع سومش اینست که زمین شکافته شده روی هم سوار می شوند. زمین آبشار نیاگارا دو قسمت جدا شده اش روی هم افتاده اند. پرسیدم این لیه نعلی شکل آبشار که هزاران تن آب از آن بطرف پائین فرو می ریزد بمرور، سائیده و تخریب نمی شود و شکل آبشار بهم نمی خورد؟ گفت هرچند سال یک بار مسیر آب آبشار را تغییر می دهند. این لیه نعلی شکل آبشار را با مواد و مصالحی که مقاوم و محکم است بازسازی

## ادامه مطلب واکنش رضا... از صفحه ۱۵

این سرزنش‌ها در فضای مجازی هم دیده شد اما با این تفاوت که در فضای مجازی کاربران ایرانی با واژه‌های ناپسند به ستاره‌های مورد علاقه خود اهانت کردند. کاربرانی که پیش از این به مسی آرژانتینی، زایتسفی ایتالیایی و ... حمله کرده بودند، این بار سر دو ستاره فوتبال ایران ریختند و با ادبیتی که بعضاً مؤدبانه نبود، آنها را پول‌پرست، تنبل و... خواندند. به طور نمونه وقتی اشکان خبر انتقال خود به العربی را در فضای مجازی منتشر کرد، با کامنت‌های نامناسب بمباران شد. شرایط گویچه هم بهتر از اشکان نبود. او هم کامنت‌هایی دریافت کرد که انتظارش را نداشت. اشکان و گویچه که توقع نداشتند ظرف چند روز از اوج محبوبیت به این حال و روز بیفتند که مورد اهانت قرار بگیرند، از همان زمان ترجیح داده‌اند در توییتر،

فیسبوک و حتی اینستاگرام غیرفعال باشند تا از اهانت کسانی که در انتشار و اشتراک‌گذاری نظرات خود از دایره ادب خارج می‌شوند و ادبیات پسنیدیه‌ای ندارند، در امان باشند. پیش از این فضای مجازی و رسانه‌های فراگیر و در عین حال غیررسمی‌اش امکان ارتباط مستقیم با دژاگه و گویچه را به کاربران ایرانی می‌داد اما رفتارهای افراطی و واژه‌های غیرمحترمانه چند کاربر که متأسفانه تعدادشان کم نیست، این کانال ارتباطی را بست و این دو ستاره را به حالت قهر کشاند! حالا هم احتمالاً موج کامنت‌های مثبت به سوی گویچه و دژاگه سرازیر خواهد شد تا به نوعی از این دو دلجویی شود اما کاش به جای حمله‌های افراطی و دلجویی‌های احساسی، از همان آغاز قواعد بازی را رعایت می‌کردیم.

## ادامه مطلب ورزش از نگاه... از صفحه ۱۴

بدون تردید برنده واقعی فصل نقل و انتقالات آقای کی روش است که تیم ایران را که در یک گروه چهار تیمی چهارم کرده است، مبلغ قراردادش را تقریباً دوبرابر کرده است، چه تیم دیگر خواهان او بود؟ کسی نمی‌داند، شاید گستاخی بنظر می‌رسد اگر کسی بپرسد. بهرحال لیگ ایران آغاز شده است و دیدن یک بازی هم را برای بهم زدن دلان کافی است. ما در طی سالهای بعد از انقلاب از رنج پیشینیان و قهرمانی‌های آن روزها بهره برده ایم و هرگز آن قهرمان‌ها در فوتبال و در هیچ رده سنی اتفاق نیفتاده است. آیا نباید برای پیشرفت این پاسخ مزاحم پاسخ گفت که چه باید کرد؟ جواب این است که همه چیز را باید از پایه آغاز کرد. گرچه پول بسیار زیاد در فوتبالی رو به افول تمامی تجربه‌های ما را برخلاف انتظارمان روبرو کرده است و حتی مهاجرتی چند بازیکن به فوتبال اروپا چیزی به ما نیاموخته است، فراموش نکنیم معنادان فوتبال به درستکاری اعم از معلمان راستین و دست پرورده‌های دروغین مطبوعات که دل به عکس‌های ریز و درشت خود در مطبوعات روزی نامه که برای پرکردن صفحات خود نیاز به این عکس‌ها دارند، متوجه نیستند که پائیز فوتبال از راه رسیده است و باید به شمردن جوجه‌ها پرداخت، هم اینها حالا می‌فهمند که کاری جزء شعار دادن نکرده‌اند، البته باید قبول کرد در روزگار کنونی پیشرفت متاعی جدی و بسیار پیچیده است. بسیار ساده می‌توان فهمید که سطح دانش

## ادامه مطلب از در گویی ها... از صفحه ۲۲

همان فردی که یک عمر جورکش پستی بلندی زندگی و تحمل زورگویی‌ها، دورویی‌ها، کمبودها را ناشکیبائی از سر گذرانده ولی بر حسب سنت مرد سالاری و احجاف استبدادی ذبیرنه دیگر حق و حقوقی را تعلق نمی‌گیرد و اکثراً با یک تخته گلیم، یکدست چادر شب رختخواب

## ادامه مطلب هیچوقت دیر نیست... از صفحه ۲۹

او می‌دانست که شخص موردنظر سرش به اشخاص دیگر و کارهای پشت پرده گرم است ولی چون خیلی به خود اعتماد به نفس داشت و می‌خواست عاشق بماند و احساسات بالا و پایین عشق را تجربه کند (حتی به قیمت یک عشق یک طرفه) خودش را گول زده و در این رابطه یک طرفه مانده بود تا زمانی که متوجه شد که این عشق یک فریبی بود که اثرهای سوء رویش می‌گذاشت و کم‌کم شخصیت خود را داشت می‌باخت... آن وقت بود که به من مراجعه کرد. متوجه باشیم که در این ماجرا، قربانی واقعی زندگانی آن مرد فریبکار و بوالهوس می‌باشد! بله این واقعیت باعث بیداری و التیام این خانم شد...

انسانی بدون عقده و کمبود، خوشحال و متعادل هرگز نمی‌تواند با احساسات دیگران، چه مرد و چه زن، بازی کند و فریبکار باشد و یک دفعه از عشق و عاشقی با بیرحمی جواب چراها و سؤال‌های دیگری را ندهد و بدون صحبت باز و نتیجه‌گیری و شهادت بطور ناگهانی ناپدید بشود. متأسفانه این مسائل باعث غمگینی طرف مقابل می‌شود و او باید بفهمد که وی مقصر نیست بلکه اشتباه کرده که طرف را نشناخته هرچند که ثابت شده که عشق در بعضی موارد دست خود طرف نیست. عشقی که یک طرفه باشد کوتاه‌تر و بالاخره از بین رفتنی خواهد بود و این درواقع نقطه مثبت این رابطه بوده که ایشان از دست مرد فریبکار و دروغینی راحت شوند که فقط قصد هوسبازی و تنوع را در سر داشته است.

این خانم متوجه شد که این مرد از درون خالی و مسلماً مرد غمگینی است که از زندگی بوج دروغینی که برای خود بوجود آورده قلباً خوشحال نیست. اهداف دروغین و ظاهری و مادی هیچوقت قلباً میان کشید، این فوتبال کند، مریض و بی حرکت است. غرض بصحبت کردن کسی نیست بلکه کوششی برای بیرون آوردن فوتبال از این بن بست کنونی است، احتیاجی نیست برای فهمیدن مسائل ساده پشتک و وارو زد، در طی این سالها به

باعت شادی نمی‌شوند. هوسبازی و فریب بیشتر از هرکسی، خود شخص را بی حس و بی احساس از احساسات زیبا و واقعی زندگی می‌کند. این خانم توانست تا خود را ببخشد که این علائم را در این مرد ندیده بود. همچنین این مرد را ببخشد که چنین موجود ضعیف و دور از احساس واقعی است، و این تجربه را قبول کرد که باعث قوی تر شدن خودش و خوشحالی واقعی شد. خوشحالی که بستگی به رفتار کسی با او ندارد و از درون خودش ریشه می‌گیرد. او فهمید که حتی برای آن شخص احساس ترحم هم دارد. انرژی حاصل از سرخوردگی و عشق یک طرفه را تبدیل به تجربه ای تلخ و شیرین کرد. در نتیجه از هر انسانی باید به حد ظرفیت‌ها و مقدار درک و احساسش توقع داشته باشیم. بعضی از انسانها را خودمان بزرگ می‌کنیم و خودمان از آنها قهرمانانی می‌سازیم که وجود واقعی ندارند و بخاطر دلخوشی خودمان از آنها بت می‌سازیم. از ماست که برماست.

به امید روزی که همه مهربان به مانند آفتاب، روراست و پرحقیقت مثل آسمان، محکم و خالص مانند آهن ولی انعطاف انگیز به مانند طلا باشیم. جاری و شفاف به مانند جویبار و یا پایدار و عمیق مثل دریا. چرا که اگر در یک جا بمانیم و نه جاری باشیم و نه پر عمق مانند مرداب می‌شویم.

با عشق شما را به خدا و یا هستی و باورتان می‌سپارم و تا ماه بعد روزگاری پر از بهترین‌ها را آرزو می‌کنم. همه باید عاشق زندگی باشیم که لایق بهترین‌های هستی شویم.

**اگر غم لشکر اندازد که خون عاشقان ریزد  
من و ساقی بهم تازیم و بنیادش بر اندازیم**

فرصت‌های تباه شده نگاه کرد بنظر می‌رسد به دلیل ضعف‌های اساسی سازمانی و آموزشی در باشگاه‌ها است که باید در پی برآوردن نیازهای بسیار معمولی و سازنده باشیم تا شاید درهای دیگری گشوده شود.

## ادامه مطلب تاریخ چه می گوید... از صفحه ۱۱



هنگامی که شادروان دکتر مصدق گرفتار شد مرحوم بهرام مجدزاده نماینده کرمان در دوره ۱۷، داوطلب گردید تا وکالت او را بر عهده بگیرد اما این کار عملی نشد یعنی به او اجازه ندادند از دکتر مصدق در دادگاه دفاع نماید و دادرسی ارتش راسا سرهنگ بزرگمهر را بعنوان وکیل تسخیری دکتر مصدق انتخاب کرد. بعد از پایان محاکمات، دکتر مصدق طی چکی، مبلغی بعنوان حق الوکاله برای مجدزاده می فرستد با یادداشتی که متاسفم از اینکه قبول حق وکالت من برای شما ایجاد مخاطرات و زحمتی کرد. اما این وکیل دل آگاه که حقیقتا به دکتر مصدق ارادت می ورزیده است در پشت چک این شعر را می نویسد و آنرا عینا برای مراد خود شادروان دکتر مصدق باز می گرداند:

در طریق عشق بازی، امن و آسایش بلاست  
ریش باد آن دل که با درد تو خواهد مرهمی

## ادامه مطلب هفتمین جشنواره... از صفحه ۱۶

برنامه جشنواره هست مثل «سیمرغ» ساخته «مقداد اسدی لاری»، «تصویر» ساخته «یوسف جعفری» که درباره کودکی ست که یک کلکسیون تمبر را در ذهنش زنده می کند. «روایای سرخ» ساخته، شهریار پورسیدین «داستان کودکی ست که در شب فرار سیدین سال نو با مادر بزرگش، دیدار پدر و مادرش را در رویا زنده می کند. فیلمی دیدنی و قابل تعمق.

علاوه بر این فیلم ها، فیلم های دیگری نیز درباره سوژه ها و شخصیت های گوناگونی در جشنواره گنجانده شده که برای اطلاعات بیشتر می توانید به وبسایت جشنواره مراجعه کنید:

[www.IraniaFilmFestival.org](http://www.IraniaFilmFestival.org)

ناخالص کم کنید. هزینه های تبلیغاتی که پیش از شروع کسب و کار خود انجام می دهید تنها به میزان ۵۰۰۰ دلار از درآمد سال اول کسب و کار شما قابل کسر است. البته در نظر داشته باشید که برخی هزینه هایی که برای شروع کسب و کار خود متقبل می شوید را می توانید به جای اضافه کردن به مبنای کسب و کار به مدت ۱۵ سال و به صورت بخش به بخش از درآمد ناخالص کسر کنید.

قرارداد گلستان پس از جنگهای دهساله ایران و روس، در تاریخ ۱۲۲۸/۱۸۱۳ (۲۹ شوال-۱۲ اکتبر) بین این دو کشور بسته شد و عهدنامه ترکمان چای پس از جنگهای ناموفق بعدی، در تاریخ ۱۲۴۳/۱۸۲۸ (پنجشنبه پنجم شعبان-دوم فوریه) امضاء شد که طی آن هفده شهر عمده قفقاز، از ایران جدا و ضمیمه روسیه گردید، این قرارداد در حضور عباس میرزا نایب السلطنه، در قریه ترکمانچای نزدیک تبریز به امضاء رسید که مقرر فرماندهی «ژنرال ایوان پاسکویچ» سردار فاتح روسی بود.



کریم خان زند پادشاه رنوف و مردمی ایران، پس از قریب ۲۸ سال سلطنت بر دله، در ۱۳ صفر سال ۱۱۹۳/۱۷۷۹ در سن ۷۴ سالگی درگذشت. شاعری در مورد سال درگذشت «وکیل» چنین سروده است:

وکیل زند چو زین دار بقرار گذشت  
سه از نود نود از صد صد از هزار گذشت

«من سارا میپیل هستم» ساخته فیلمساز انگلیسی «تیلر گارد» داستان یک دختر ایرانی انگلیسی است که با طرح ها و عکس هایش شهرتی در انگلستان بدست آورده و می خواهد آخرین نمایشگاه خود را برپا کند. «هلیمه» ساخته «یوریس شاراشمیت» از آلمان که توسط یک فیلمبردار ایرانی به اسم «علی صادقیور مقدس» به نحو ارزنده یی فیلمبرداری شده داستان دخترتست که برای یافتن آب مجبور است از میان صحرای پرخطر سودان برای مادر حامله اش آب تهیه کند. هر دو کارگردان و فیلمبردار فیلم در جشنواره حضور خواهند داشت.

از IRAN'S VINYL DREAM انگلستان ساخته «مسعود وادی» به معرفی نخستین دستگاه گرامافون در زمان قاجار می پردازد که درباره فرستاده «ادیسن» است برای پخش این دستگاه در ایران. علاوه بر این فیلم ها، چند انیمیشن هم در

هزینه اجاره محل، دستمزد کارمندان، هزینه تبلیغ، هزینه استهلاک و بنزین وسیله نقلیه ای که برای کسب و کار خود از آن استفاده می کنید. هزینه تفریحاتی که مربوط به کسب و کار می باشد (مثلا هزینه رستوران مشتریان شما). هزینه مسافرت های کاری، و هزینه تعمیرات معمول. در مورد کسر کردن هزینه تبلیغات باید در نظر داشته باشید که تنها می توانید هزینه تبلیغاتی که پس از شروع کسب و کار انجام داده اید از درآمد

## ادامه مطلب چرا رفتی؟ چرا؟... از صفحه ۱۲

دوباره می سازم وطن

اگر چه با خشت جان خویش

ستون به سقف تو می زدم،

اگر چه با استخوان خویش

شیرین بود و لطیف و بذله گو، شوخی هایش با شعرای زمان چه دلنشین و ورد زبان ها بود و وجودش چراغی که روشن بود و روشنی می بخشید.

وقتی خود را می آراست همه زیورهای زنانه زینت لطافت های سرپایش بود با تمام معنای آراستگی و وقتی سخن می گفت چه پرعلاقت بود و نافذ و پر قدرت. حماسه هایش حماسه هایی پرحرکت و توان و عاشقانه هایش پرعلاقت و زمزمه جان.

هنوز این دل جوان است

هنوز جان مهربان است

هنوز تن شوخ و شیدا

هنوز من عاشق و مست

یا در جای دیگر می گوید:

شب مهتاب همان به که از این درد بیمری

تو که با ماهرخی وعده دیدار نداری

از خانم بهبهانی دو فرزند پسر به نام

های علی بهبهانی و حسین بهبهانی و

یک فرزند دختر به نام دکتر امید بهبهانی

برجای مانده اند که نام آورانی در زمینه

ادب و فرهنگ هستند.

در مورد زندگی خصوصی اش می گوید:

«دوبار ازدواج کردم. همسر اول را با

طلاق وا گذاشتم و همسر دوم با مرگش مرا وا گذاشت که ضربه ای بس سخت و جانگزا بود. شادی هایم محبت های دوستانم بوده که ساعات فراوانی از آن برخوردار بوده ام. آرزویم این است که هرگز در بستر نیفتم و ایستاده بروم» و این آرزوی آخر آن بانوی پاکدل و نیک سرشت نیز برآورده شد و همانگونه رفت که خودش می خواست.

بی تابی اندوهم را در از دست دادن گرمی ارجمند سمین بانو، بانوی عزیزم در این شعر پیچیدم و سرودم.

یک سینه سخن دارم و یک سلسله فریاد

وقتی که مرا خاطره های تو کند یاد

وقتی که همه آینه ها اشک دو چشمم

وقتی به خط حکم قضا نام تو افتاد

می بینمت آن دور فراز به پرواز

در همه مه مبهم گنگ گذر باد

هر زمزمه ای موج صدایی شد و دیدم

با خاطره دوست پیامیم فرستاد

آن لکه که خورشید ترا سایه می افکند

بر دامن آن بی خردی ماند و تو آزاد

در همه خنده گفتار به جا ماند

نامی که چه نامی ز برای وطنم زاد

شیرین غزل عشق قدم رنجه مبارک

آنجا که ترا حجله بیاراسته فرهاد

یک سینه سخن دارم و یک سلسله فریاد

وقتی که مرا خاطره های تو کند یاد

## ادامه مطلب کلیاتی در مورد... از صفحه ۱۳

ناخالص کسب و کار کم کرد. بلکه باید آنها را به عنوان هزینه های سرمایه ای به مبنای کسب و کار اضافه کرد. هزینه هایی چون هزینه خرید محل کسب و کار، هزینه استخدام وکیل برای انجام کارهای قانونی مربوط به خرید کسب و کار، هزینه های گرفتن پروانه ها و اجازه نامه های لازم از دولت، هزینه استخدام آرشیتکت و کارگران ساختمانی برای ساخت یا تغییرات کلی محل کسب و کار، و غیره از این نوع هزینه ها می باشند که قابل کسر کردن از درآمد سالیانه کسب و کار نمی باشند و به مبنای کسب و کار اضافه می شوند. بنابراین، این هزینه ها تنها هنگام فروش کسب و کار قابل پس گرفته شدن می باشند.

با این حساب ممکن است پرسیده شود که چه هزینه هایی را می توان در همان سال از درآمد ناخالص کسر کرد تا مقدار درآمدی که مالیات بر آن تعلق می گیرد را کاهش داد. قوانین مالیاتی، تنها هزینه های معمول (Ordinary) و ضروری (Necessary) که به ایجاد درآمد در همان سال مالیاتی می انجامند را قابل کسر کردن از درآمد همان سال در نظر می گیرند. بخش مهمی از این هزینه ها عبارتند از:

چنین هزینه هایی نه در طول سالهای محدود بلکه تا زمانی که کسب و کار شما پایرجاست و ادامه دارد به تولید بازده و درآمد ناخالص می انجامند. قوانین مالیاتی اجازه کسر کردن چنین هزینه هایی را در همان سال یا طی سالهای آینده نمی دهند بلکه صاحبان کسب و کار را ملزم می کنند که این هزینه را به عنوان هزینه های سرمایه ای (Capital Expenditure) به حساب آورند و به این ترتیب آنها را به مبنای (Basis) کسب و کار اضافه کنند. منظور از مبنای هزینه کلی به دست آوردن کسب و کار می باشد. مثلا اگر کسب و کاری را به ارزش ۱۰۰،۰۰۰ دلار خریده اید، مبنای کسب و کار شما ۱۰۰،۰۰۰ می باشد. اگر چندین سال بعد این کسب و کار را به ارزش ۱۵۰،۰۰۰ دلار بفروشید، باید بر ۵۰،۰۰۰ دلار سودی که تفاوت مقدار فروش و مقدار مبنای می باشد مالیات اخذ سرمایه (Capital Gain) دهید. بنابراین تمامی هزینه هایی که صرف خرید یک کسب و کار می شود را نمی توان در همان سال یا طی سالهای آینده از درآمد



ادامه مطلب آشنا داند زبان ... از صفحه ۱۷

که مامان خیز برداشت که: کراوات طناب دارت بشه. مگه عهد بوقه که دست رو زن بلند می کنی؟ دست بهش بزنی چشم تو در میارم. این بار مردم مامانو نگه داشته بودن که خشتک براتی رو سرش نکشه! و همون شد. براتی اسلحه شو غلاف کرد و آدم شد. حتی فرداش شیرینی زایمان زنشو فرستاد دم در و زنش هم شد رفیق گرمابه و گلستان مامان. اینارو گفتیم که هیبت مامانو تصویر کنیم تا بفهمید که وقتی مامان می گه هاشم بره قلک بخره، رو حرفش حرف نیست. و هاشم رفت. گرچه مامان عادت داشت که سوزن به بادکنک هیجان آدم بزنه اما مهم نبود. مهم قلک بود که به زودی به دستم می رسید. تو محل ما قلکو فقط آقا مختار می فروخت که پستون ننه شو گاز گرفته بود. دکانش بازار شام بود. اجناسش یکی نوحه می خوند یکی سینه می زد. قلک، الک، تیشه، نفت، نون شیرمال، کله قند، حتی سیب و گلابی! همه چیز لنگه به لنگه. ده دقیقه نکشید که هاشم وارد شد. با قلک. دیگه امان ندادم. زدمش زیر بغلمو به کله رفتم تو کوچه که پزشو بدم. حالا دیگه کف همه می برید. دیگه کمتر از بقیه نبودم. مردم فکر می کنن گدا گوله ها همه در به سطح هستن اما باید این جا زندگی کرد تا فهمید که داشتن یا نداشتن به لنگه دمپایی می تونه نشونه رفاه چسکی یکی نسبت به دیگری پاشه و بهش حق بده تو سر بقیه بزنه. مثلا همین قلک. مشکل که فقط داشتن یا نداشتن قلک نبود که وقتی کسی قلک نداشت معنی مستقیمش این بود که بچه گداست. و پولی نداره که بخواد جمع کنه. اما قلک که داشته باشی وضع خیلی فرق می کنه. دست آدم بازتره. می تونی توشو با اشرهای زنگ زده که از دور و بر مکانیکی یا جوی آب پیدا می کنی پر کنی و سر و صداشو دربیاری. کی می فهمه؟ داری کباب و نداری دود کباب. ما که به قرونوی رو هوا با تیر می زدیم، دیگه چیزی تهش نمی موند که به پس انداز برسه. به لقمه نون پرپری، من بخورم یا اکبری. به قلک پر از واشر گرچه پول واقعی توش نیست اما صداشو که داره. می تونه دهن بچه های کون نشور محلو ببندد. نمونه حی و حاضرش مشدعلی. اون شاگرد شوهر و طبعاً هشتش گرو نهش بود. زنش مثل سگ ماده شیره به شیره حامله می شد و توله پس مینداخت. تربیت آبگوشو لای نون میداشتن و می خوردن. تازه همونم بعید می دونم که در حد سیرشدن داشتن. اما خود مشدعلی همیشه به چپه اسکناس قلنجه تو دستش بود و از سر تا ته خیابون در حال راه رفتن پول می شمرد! گاهی نگران

می شدم که در همون حال با کله بره تو تاپاله خرگاری طوافی ها. به هر حال آدم گدا به قرون در بیاره دو زار براش نقشه می کشه. من هم مثل مشدعلی. اون جلوی مردم از خودش مفلس تر پول باد میده و منم با صدای واشر تو قلکم جنگ روانی راه میندازم. هنوز نیم ساعت نگذشته بود که جنگ روانی من یکی از همسایه هارو تو دردر انداخت! مری خفت مامانشو چسبید که منم قلک می خوام. مامانش با ته لهجه ترکی گفت: مگر شما می تونی به گرونو نیم ساعت تو جیب نیچه داری که گولک می خوی؟! اما مرغ مری به پا داشت و اون قدر اعصاب مامانشو سوهان کشید تا مامانش دراومد به من که: آگا هادی، گوریانت برم. شما بیا با مرتضی برو مگازه گولک بخر نذار گوم بیهی. من که خودمو نسبت به مری پیش کسوت می دونستم جلو افتادم. صدمتر بالاتر مغازه آقا مختار حرمه بود که بچه ها به مسخره بهش می گفتن آقا تخم دار! جعبه قلک هاش بیرون مغازه لب جوی آب بود. مری داخل شد و من هم که به عنوان راهنما نماینده مادر مری وظیفم به پایان رسیده بود مغرور و قلک در دست بیرون کنار جعبه ها ایستادم و کاملاً خوشبخت بودم. اما خوشبختی مثل یه قلک زود می شکنه. مرتضی و آقا مختار بیرون اومدن و آقا مختار یه قلک برداشت و به دست مری داد و در این لحظه چشمش به دست من افتاد. بند دلم پاره شد. دهن گشادشو که تریلی با بارش توش می رفت باز کرد و با این حرکت سیبل زرد و دندون زردترش پیدا شد و خطاب به من فریاد: بچه، قلکو بذار سرجاش! قلبم چنان تاپ تاپ کرد که صداشو شنیدم. دهنم تلخ شد و بی اختیار هر ده انگشتم دور قلک حلقه شد. با ته صدایی که می لرزید گفتم: قلک منه. آقا مختار چنان نعره شو ول کرد که منو قلکو تف مال کرد: می گم بذار سرجاش بی پدر و مادر. کتک می خوی؟ ترسیدم. نم تو دهنم خشک شده بود. با شنیدن اسم کتک پس گردنم درد گرفت. چشمام از وحشت قد نعلبکی شده بود. با تته پته گفتم: به ولای علی مال منه. قلک خودمه. از حالت آقا مختار احساس خطر کردم. دست گنده و پر از رگ و پشمشو انداخت که قلک منو بگیره. زمان ایستاد. همه دنیا به چرخش دراومد و در مرکزش من و آقا مختار و قلک ثابت موندم. یه گوشم پرشد از صدای تاپ تاپ قلب و یه گوشم صدای نفس های تند و نصفه نیمه. انگار حرکت دست پشمالویی رو که به طرف قلک می رفت با دور آهسته می دیدم. دیگه مرگ

علاقه گروه های تروپرستی به مبادله "بانو القاعده" زمانی طالبان برای آزادی عافیه صدیقی تلاش می کردند. به نوشته پایگاه اینترنتی "فان پالیسی"، مقام های پاکستان دو سال پیش به آمریکا پیشنهاد دادند که اگر عافیه صدیقی را آزاد کند، اسلام آباد تمام امکانات خود را برای آزادی گروهیان بو برگدال به کار می بندد. آمریکا این پیشنهاد را رد کرد. برگدال که از سال ۲۰۰۹ ناپدید شده بود، در ژوئیه سال جاری (۲۰۱۴) با ۵ طالب زندانی در گوانتانامو مبادله شد. یک روزنامه آلمانی از آزادی یک شهروند این کشور خبر داد که از سال ۲۰۱۳ در سوریه به گروهان گرفته شده بود. وزارت امور خارجه آلمان در این مورد موضعی اتخاذ نکرده و پرداخت پول به تروپرست ها را رد کرده است. حال تروپرست های "دولت اسلامی" خواست های مشابهی را مطرح می کنند. آن طور که "نیویورک تایمز" نوشته است، "دولت اسلامی" پیشنهاد کرده بود که عافیه صدیقی با جیمز فولی مبادله شود؛ همان روزنامه نگار آمریکایی که ماه گذشته فیلم سربردش در اینترنت منتشر شد. "دولت اسلامی" چند هفته پیش تازه ترین پیشنهاد خود را مطرح کرده است: ۶/۶ میلیون دلار باج و آزادی عافیه صدیقی در

ادامه مطلب بانو القاعده ... از صفحه ۱۷

برابر آزادی یک زن ۲۶ ساله آمریکایی که سال گذشته در سوریه ربوده شد. عافیه صدیقی در حال حاضر با ارزش ترین گروبی در دستان آمریکاست. آمریکا بر اساس اصل "ما با تروپرست ها معامله نمی کنیم" تا کنون از مبادله عافیه صدیقی با گروهان های آمریکایی خودداری کرده است. مقام های ایالات متحده مبادله گروهیان برگدال با ۵ طالب زندانی را هم در چارچوب گفت وگوها با طالبان برای بهبود وضعیت امنیتی افغانستان ارزیابی می کنند. آمریکایی ها بر خلاف کشورهای اروپایی حاضر نیستند برای آزادی گروهان های خود باج بپردازند. به اعتقاد کارشناسان، همین مورد سبب شده که برخی از گروه های تروپرستی به گروهانگیری شهروندان این کشور علاقه کمتری نشان دهند. خانواده صدیقی معتقد به بی گناهی اوست و هر گونه ارتباط این زن با تشکیلات تروپرستی را رد می کند. دستگیری عافیه صدیقی در پاکستان واکنش های اعتراضی فراوانی در برداشت. برخی از رسانه های این کشور دستگیری صدیقی را نشانه "مسلمان ستیزی" آمریکا می دانند. هزاران کاربر اینترنتی هم در شبکه های اجتماعی خواستار آزادی این زن پاکستانی هستند.

این یکی مال من بود. اولین بار بود که من خاک تو سر صاحب یه چیزی شده بودم و حالا دنیا چشم دیدن همین قلک هشت هزاری روهم از من نداشت. عالم و آدم می دونستن که مال منه به غیر از این آقا مختار احمق. حالا که قدر الاغ نمی فهمه فرار می کنم. آره فرار می کنم. خوب کاری می کنم. کافیه فقط به جلوی در خونه برسم و آقا داد بزنم. اون وقت مامان جرش میده. آقا مختار که از براتی گردن کلفت تر نیست. به فرض سیبل زرد داشته باشه مامان منم قمرخانومو تو جیب شستیش میذاره. یا الله دیگه. لک و لک نکن. بدو. فرار کن. مگه نون نخوردی؟ آقا مختار گه خورده با تمام کس و کار قراضه اش. مردکه لندهور زبون نفهم. آدم به دیوار چیزبو بگه بیشتر از این حالیش می شه. بدو هادی. تا خونه بیشتر از بیست سی متر نمونده. از پشت سرم صدای هن و هن شنیدم که نزدیک و نزدیک تر می شد. آقا مختار خر گردن بود که شلنگ تخته مینداخت. انگار ارث باباشو می خواست. قلکو دو دستی به سینه چسپونده بودمو با تمام توان می دویدم. اصلاً پاهام به زمین نمیومد. اونارو حس نمی کردم. احساس مالکیت منو به پرواز در آورده بود. دنباله مطلب در ماه آینده

### ادامه مطلب گروه داعش ... از صفحه ۵

دیگری در شهر الرقه سنگسار شد. عکس‌هایی از مراسم اجرای حکم توسط حامیان داعش در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است. آنها با یک خودروی پر از سنگ به محل اجرای حکم رفته بودند. افراد مسلح داعش پس از تصرف شهر موصل، دست به غارت بانک‌های این شهر زدند. این گروه موفق شد حدود ۴۲۹ میلیون دلار را از بانک‌های موصل، غارت کند. بدین ترتیب می‌توان گفت داعش در آن زمان به ثروتمندترین گروه تروریستی در جهان تبدیل شد. پیش از تصرف موصل «دارایی نقدی داعش ۸۷۵ میلیون دلار» بوده است. بنا به گزارش گاردین پس از تصرف شهر موصل، دارایی‌های داعش احتمالاً بالغ بر چند میلیارد دلار شد. پس از غارت بانک‌ها و مؤسسات مالی و دست‌یابی به تجهیزات نظامی موصل باید به دارایی‌های پیشین داعش مبلغی حدود یک و نیم میلیارد دلار دیگر را نیز افزود.

### ادامه مطلب باج‌گیری از ... از صفحه ۶

وی آرزوی این است که کار بهتری داشت تا به آن مشغول باشد: «یک کاری که بیمه داشته باشد، سابقه بازنشستگی بشود برای آدم. اگر نمی‌کنند یک جمعه بازاری بگذارند، یک منطقه‌ای، یک جایی که مردم بروند آنجا خرج خانواده شان را در بیاورند. من از خارج نیامدم که، ایرانی ام دیگر، اینجا به دنیا آمدم، بیایند بگویند این کار را انجام بده، خب من جمع کنم، کجا برم؟ نه واقعیتی است. کجا برم؟ شما که من را بیرون می‌کنی از اینجا خب بعد دستم رو بگیر ببری یک جایی بگو بیا اینجا استخدامی و جارو بکش. اون موقع من اگر کار نکردم، و برگشتم خیابون، اصلاً بعد من رو بازداشت کن.»

علی پسر ۱۴ ساله ای که نزدیک خیابان ملاصدرا روی گاری کوچکی میوه می فروشد. او هم از دست ماموران شهرداری به تنگ آمده است: «اگر یک روز باج ندهم، همه میوه هام را می‌گیرند، هفته ای ۵۰ هزار تومان باج می‌دهم.» محمدباقر قالیباف، شهردار تهران دو هفته پیش در واکنش به مرگ تراژیک علی چراغی، کارگری که توسط کارمندان شرکت پیمانکار طرف قرارداد با شهرداری، کشته شد، گفته بود چنین برخوردهایی یک مشکل همیشگی است، به نظر می‌رسد مشکلات همیشگی دیگری هم وجود دارند که آقای شهردار طبق معمول علاقه مند است چشم به روی آنها بیند.

### ادامه مطلب تعطیلات تابستان ... از صفحه ۱۳

از چشم حکومت هم، زنان در کنار مردان یا باید تماشاچی باشند یا جداگانه تفریح کنند. فمینیست‌ها می‌گویند موضوع فراغت به دلایل مختلف بازنمای ساختار مرد مدار جامعه است؛ به یک دلیل ساده: فراغت همیشه با در نظر گرفتن موقعیت مردها در جامعه تعریف شده اما نتایج آن به کل افراد جامعه و نه فقط مردها تعمیم داده شده است. برای بسیاری از زن‌های ایرانی هم کار، به خصوص کار خانگی، قابل تفکیک از فراغت نیست.

تعطیلات برای آنها اغلب تابعی است از تعطیلات همسر، افراد شاغل یا محصل خانه و سلیقه و نظر آنها برای گذراندن تعطیلات هم تابعی است از میل و نظر اعضای دیگر خانواده. به این ترتیب، اگر فراغتی باشد، صرف رسیدگی به دیگران می‌شود و اگر سفر و پیک‌نیک و بیرون رفتنی در کار باشد، جامعه با برچسب تفکیک جنسیتی، آن‌ها را به صف جداگانه‌ای می‌فرستد که تازه برای آن هم امکانات مساوی پیش‌بینی نشده است.

### ادامه مطلب زنده یاد بانو سیمین ... از صفحه ۶

تهی کند و به آن روحی تازه و متناسب با زمان بخشد. سیمین بهبهانی از چهره‌های ماندگار و شاعر ارزنده و صاحب سبک در عرصه غزل فارسی و همچنین از زنان پیشرو و سنت ستیز معاصر بود که در زمینه حقوق بشر و حقوق زنان نیز فعالیت می‌کرد و در کانون نویسندگان ایران نیز فعالیت داشت. وی مورد احترام تمامی اهل قلم و دوستداران شعر و ادب فارسی و فعالان سیاسی ایران است. او به خاطر سرودن غزل فارسی در وزنهای بی سابقه به «نیمای غزل» معروف است.

بعد ها مجموعه ی غزل رستاخیز، تلاش موفق او را در تلفیق روح تغزلی با نگرش و محتوای اجتماعی به نمایش گذاشت. بهبهانی به قصد دمیدن روح تازه در پیکره غزل بعدها علاوه بر نوگردانی زبان و تخیل، از حوزه اوزان رایج غزل فارسی گام فراتر نهاده و وزنهای غیر رایج یا ابتکاری به کار گرفت که در سالهای بعد از انقلاب نیز در آثار او تداوم داشت و کوشید تا با بهره گیری از فضا سازی های روایی، توالی منطقی ابیات بافت موسیقی نو و رگه های بیش فلسفی - اساطیری غزل را از روح سنتی

### ادامه مطلب کودکان یک چهارم ... از صفحه ۴

بیشترین فراوانی کشته‌شدگان اما بین کودکان دو تا چهار ساله، و سپس ده ساله به بالا بوده است. حدود نیمی از ۱.۸ میلیون مردم غزه، زیر ۱۸ سال هستند. حال بر اساس آمار موجود، حدود یک چهارم از کشته شدگان غزه را نیز کودکان تشکیل داده‌اند. «بمباران مناطق غیر نظامی»، «تراکم خانه های مسکونی»، «نبود نیروهای امدادگر ویژه برای خروج کودکان از منطقه بحران زده»، «حضور کودکان در کوچه و خیابان به دلیل نبود سرگرمی»، «مرگ شماری از سرپرستان خانواده» و «هیجان ناشی از دوران نوجوانی برای حضور در فضای بحران»، منجر به کشته و مجروح شدن کشته شمار زیادی از کودکان شهر غزه شده است.

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ایرنا به نقل از دیدبان حقوق بشر نوشته است علاوه بر کودکان کشته شده، یک سوم از سه هزار کودک مجروح فلسطینی در پی حملات اسرائیل دچار معلولیت شده‌اند. وزارت بهداشت غزه شمار قربانیان درگیری غزه با اسرائیل را دوهزار و ۱۴۰ کشته عنوان کرده است که ۵۷۸ نفر از آنان کودک، ۲۶۱ نفر زن و ۱۰۲ نفر سالمند هستند. همچنین ۱۱ هزار و ۱۰۰ نفر در این حملات زخمی شدند که سه هزار و ۱۹۸ نفر کودک، هزار و ۹۹۴ نفر زن و ۳۸۸ نفر سالمند هستند. علاوه بر این، بیش از ۱۷ هزار خانه مسکونی در غزه ویران شده است و ۱۰۰ هزار نفر بی‌سرپناه شده‌اند.

### ادامه مطلب پایگاه نظامی ... از صفحه ۴

سوزان رایس، مشاور امنیت ملی اوباما با تائید این خبر گفت: «تئو آزاد شده و ما منتظریم او هر چه زودتر به خانواده‌اش بپیوندد.» تئو کورتیس، نخست به مقامات سازمان ملل تحویل داده شده و پس از انجام آزمایش‌های پزشکی، در اختیار نمایندگان دولت آمریکا قرار گرفته است. محل تحویل او روستای «الرفید» سوریه، در نزدیکی بلندی‌های جولان اعلام شد. به گزارش خبرگزاری‌ها، آزادی کورتیس با میانجی‌گری قطر صورت گرفته اما جزئیات این وساطت روشن نیست. قطر از جمله حامیان مالی و تسلیحاتی «دولت اسلامی» معرفی می‌شود، اما وزارت خارجه قطر، با تکذیب اتهام کمک به داعش عنوان کرد که این کشور از دیدگاه‌ها، روش‌های خشونت‌آمیز و جاه‌طلبی‌های «دولت اسلامی» بیزار است. کورتیس در اکتبر سال ۲۰۱۲ در مرز سوریه - ترکیه و از سوی «جبهه النصره» ربوده شده بود. وزیر خارجه آمریکا از آزادی تئو کورتیس ابراز خوشنودی کرد و گفت: «آزادی او به ویژه پس از فاجعه کشته شدن جیمز فولی، جای خوشحالی دارد.» جیمز فولی، روزنامه‌نگار - عکاس آمریکایی پس از دو سال اسارت، از سوی داعش گردن زده شد. جان کری یادآور شد که ایالات متحده، تاکنون برای فراهم کردن زمینه آزادی آمریکایی‌های ربوده شده در سوریه از ۱۰ کشور طلب کمک و مشارکت کرده است. کری نامی از این ده کشور نبرد.

# Premises Liability

Have you been injured on another's property?

By: Caroline Nasser/Accident Lawyer



If you or a loved one has suffered injuries from an accident that occurred on someone else's property, it is important to speak with an aggressive and dedicated lawyer from the Law Offices of Caroline J. Nasser. We can take on your case with powerful techniques and from a personalized angle based on the specifics of your case. Our founding lawyer, Attorney Nasser is a skilled San Jose premises li-

ability lawyer who can help you file a claim for compensation from your slip and fall, dog bite, or other accident on another's property. She is also equipped with the experience needed to represent victims who have suffered damages during third party

*Continued from Page 58*

**Ebola death...**

Nigeria reported two further cases in the city of Port Harcourt. There had previously only been one case outside the city of Lagos, where five people have died from the virus.

The outbreak is having a knock-on effect as far away as Thailand, where sailors are becoming fearful of sailing to West Africa, affecting shipments of rice.

West Africa imports millions of tonnes of rice, much of it from Thailand.

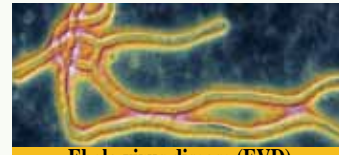
altercations as the result of insufficient or negligent security. These circumstances often occur at restaurants, retail stores and individual's homes.

**File a Premises Liability Claim**

Our San Jose personal injury lawyer can help you file a premises liability claim for a variety of circumstances. In some cases, construction accidents that resulted from the negligence of property owners and contractors can be

dealt with by filing a premises liability claim. Slip and fall or trip and fall accidents are often handled by our firm through this type of claim. Whether the incident involved a defective sidewalk, improperly maintained walkways and staircases or another hazardous condition, we can help you pursue just compensation from your injuries. Swimming pool injuries are often handled in this manner also.

Vichai Sriprasert, of the Thai Rice Exporters Association, told the



**Ebola virus disease (EVD)**

BBC's Newsday programme that crews were afraid to go to Africa because of the threat of Ebola - despite evidence that infection and death is unlikely.

The cut in demand is hitting the price of rice in Thailand and affecting farmers, he added.



## اکادمی موسیقی توان

زیر نظر استاد پیانو و نوازنده چیره دست امیر رضا خستوان

فراگیری پیانو، گیتار، ویلن  
فلوت، تنبک، دف، جاز

آموزش آواز و شناخت ردیف موسیقی سنتی  
بابانوی آواز غزال فیلی

اولین جلسه رایگان




# TAVAN

## MUSIC ACADEMY

LEARN TO PLAY - LOVE TO PLAY

1454 POLLARD ROAD LOS GATOS, CA 95032  
408-692-4222 | WWW.TAVANMUSIC.COM

# New health benefits associated with hempseed oil

Written by David McNamee

*Hemp is a crop full of oils with potential health benefits, according to a new study in the Journal of Agricultural and Food Chemistry.*

A derivative of cannabis (marijuana), hemp has been used for millennia in textiles, medicine and food, by people all over the world.

Despite this, hempseed has been banned in North America since the 1930s, when all varieties of cannabis were made illegal due to its tetrahydrocannabinol (THC) content. THC is the compound that induces the "high" in recreational use of cannabis.

However, hemp with low THC content (0.3%) has been legalized by the European Union, and the global economic market for low-THC hemp - used in medicines, papers and fabrics - is valued at \$100-200 million annually.

Researchers analyzed a portion of hempseed oil to see what beneficial qualities it may have. They

found that some of its components are effective at promoting good health. These include sterols, aliphatic alcohols and linolenic acids.

### **Linolenic acids, sterols and aliphatic alcohols**

One of the linolenic acids contained in hempseed oil is an omega-3 fatty acid that some studies have recognized as preventing coronary heart disease.

Sterols are steroid alcohols. Experts know that sterols are useful in lowering cholesterol, and daily dietary intake of sterols has been linked to a lower risk of heart attack.

The aliphatic alcohols contained in hempseed oil have also been known to lower cholesterol and reduce platelet aggregation. One of these alcohols, phytol, is as-

sociated with antioxidant and anticancer benefits, and can also be found in healthy foods such as spinach, beans, raw vegetables and asparagus.

Another antioxidant in hempseed oil is tocopherol, which is known to be beneficial against degenerative diseases, such as atherosclerosis and Alzheimer's.

Among other benefits, hempseed oil has also shown a positive effect on dermatological diseases and lipid metabolism (the process by which fatty acids are broken down in the body).

Hempseed also has high levels of vitamins A, C and E and  $\beta$ -carotene, and it is rich in minerals like phosphorus, potassium, magnesium, sulfur and calcium. As a food, hempseed oil is nu-

tritious - it contains an excellent balance of polyunsaturated fatty acids - and it reportedly tastes good, too.



Colorado recently legalized marijuana for recreational use and some states have passed laws allowing the medicinal use of marijuana. In 2013, Medical News Today reported on a study suggesting that the THC content of marijuana may be medically beneficial for people who have an autoimmune disease.

## Ebola death toll passes 1,900

There have been 3,500 confirmed or probable cases in Guinea, Sierra Leone and Liberia. "The outbreaks are racing ahead of the control efforts in these countries," WHO chief Margaret Chan said.

At least \$600m (£360m) is needed to fight the virus, and more than 20,000 people could be infected before the outbreak is brought under control, the WHO has warned. Ms Chan described the outbreak as "the

largest and most severe and most complex we have ever seen".

More than 40% of the deaths have occurred in three weeks leading up to 3 September, the WHO says, indicating that the epidemic is fast outpacing efforts to control it.

Meanwhile, Nigeria has announced that it is reversing its decision to keep schools closed after the summer holiday until 13 October, in order to halt the spread of Ebola.

*Continued on Page 57*

**DJ Alireza**  
**Music at Its Best**  
**(408)772-6463**

[www.djalireza.com](http://www.djalireza.com)  
 Quality Mobile DJ Service  
 State of The Art Lighting Services  
 Complete Audio Visual Equipments  
 Ambiance Lighting for Wedding Receptions

Like Me on facebook

**Connect With Consumers**

By placing your ad in Pezhvak of Persia, you're putting yourself in the right place, in front of the right people. Even better, you can be sure your ad will last the whole month because local people trust, use and rely upon

**Pezhvak of Persia**

**(408)221-8624**

**TOUCHFREEWASH.COM** 3% DONATED MONTHLY TO HUMANITARIAN PROJECTS

**OPEN 24 HOURS**

Continued from Page 60

**Rouhani calls.....**

A senior U.S. administration official said the actions were meant to demonstrate that the U.S. and partner countries were active in ongoing negotiations over Iran's nuclear program and will aggressively enforce existing sanctions.

"The message that we have conveyed has been very clear, which is that Iran can only obtain the sanctions relief, the comprehensive sanctions relief that it so desperately needs, by addressing the concerns with its nuclear program at the negotiating table," the senior administration official said.

In a statement, National Security Council spokeswoman Caitlin Hayden said the additional sanctions were aimed at "several companies and individuals engaged in activities such as assistance to Iran's nuclear pro-

gram, support for terrorism, or aiding Iran's evasion of international sanctions."

"Just as we announced these measures and continue to enforce pre-existing sanctions on Iran, the United States remains committed to working with our P5+1 partners toward a long-term, comprehensive solution that provides confidence that Iran's nuclear program is exclusively peaceful," Hayden said. Iran and the group known as the P5+1 last month agreed to a four-month extension of negotiations toward a final comprehensive nuclear deal. The P5+1 includes Germany and the permanent members of the U.N. Security Council: the United States, Russia, China, France and Britain.

In January, Rouhani said sanctions against Iran were illegal and undermined international law.



**School is in session and you have been going through your back to school checklist. You bought your children backpacks, clothes and sports gear. You scheduled haircuts and visited their pediatrician, but did they have their dental check up? A dental check up is an essential part of the back to school checklist. To make the back to school transition a little easier, here is your back to school dental check list:**

**Oral Hygiene:** It is important for children to brush at least twice

directly to sports practice after school and often turn to sugary foods and drinks from vending machines when they don't have other options.

**Sports:** The American Academy of Pediatric Dentistry (AAPD) recommends children wear mouth guards for sports like soccer, football, lacrosse, hockey, baseball, basketball, wrestling and gymnastics. Ask your pediatric dentist about custom-fit mouth guards for



daily and floss. Younger children, under age 6, will need the help of an adult to brush the harder to reach areas. To encourage children to brush after every meal, allow them to pick out their own travel size toothbrush and toothpaste to take to school. Look for a toothbrush with soft bristles and a fluoride containing toothpaste. Additionally, dental flossers are an easy way to floss on the go!

**Nutrition:** The American Academy of Nutrition and Dietetics recommends eating breakfast, because breakfast eaters tend to score higher on tests, concentrate better, solve problems more easily and have better muscle coordination. Pack healthy lunches and encourage children to participate in making their lunch. They may be less likely to trade with classmates or throw it away. Don't forget to pack the after school snacks. Many children go di-

the best protection. Additionally, minimize the intake of sugary sports drinks. Water is a much better option to stay hydrated. If children do consume a sugary drink, try to minimize the drinking time, use a straw and rinse after.

**Orthodontic Retainers:** If your child has recently had their braces removed, they probably have to wear retainers. Remind children to place their retainer into its case when taking it out to eat. Many retainers get misplaced or thrown out when placed on cafeteria trays or in napkins.

**Prevention:** According to the AAPD, dental decay is still the most common chronic disease among US children. Regular dental check ups and good oral hygiene can help prevent dental problems. Children with healthy teeth chew food easily, are better able to learn and smile with confidence. Have a great school year and remember to floss!

شب شعر

یادمان فریدون شیری

موسیقی ایرانی: هنرمندان ادبی ماطاویان -  
ستاره - رضا مختارزاده و برای اولین بار از ایران  
آواز دلنشین "آسمان"

مکان: انجمن آرامنه ایران  
زمان: یکشنبه هشتم جون ساعت پنج بعد از ظهر  
پذیرایی: شام کامل از رستوران میراثی دلار  
برگزارکننده: پرویز نظامی

رزرو شام از قبل الزامی است

Address: 39-03 Little Neck Parkway  
Little Neck, New York  
For reservation, call Parviz Nezami: 516-208-7787

## Inside the mind of an ISIS fighter

(CNN)-To the outside world, they're a force of ruthless yet mysterious insurgents bent on terrorizing civilians and expanding Islam rule. But as one former ISIS fighter tells CNN, the mentality goes much deeper.



"The main and principal goal of the Islamic State that they tell their new members is to establish an Islamic state that will encompass the Arab world," the man said in Turkey. "And after that, we go to other countries." Just two weeks ago, the man was in Raqqa, the ISIS stronghold in northern Syria. Like many cities across Syria and Iraq, Raqqa has been overrun by ISIS militants who show no mercy for those who don't follow their hard line. Crucifixions and public executions take place virtually every day. Women not fully covered in niqabs are lashed with alarming frequency. Even store owners who leave their shops open during times of prayer can get beaten or sent to prison. The former insurgent, in his 20s, left ISIS last month because he said the group is "spreading injustice in the name of justice." But he still agrees with the ideology of the group that is forcing its beliefs on everyday life, including in education. "Philosophy is prohibited; they canceled it as a kind of blasphemy," he said. "Many subjects have been canceled, like mu-

sic and even sometimes sports. All of them have been canceled from the school curriculum." Perhaps the only thing as disturbing as ISIS' terror rampage is the growing number of foreigners joining its ranks. Thou-

sands of foreign fighters are estimated to have joined ISIS. And the ex-ISIS militant said these foreigners could carry out attacks when they go home, but security measures in those countries could make it difficult -- at least for now. "Since Western fighters joined ISIS, they consider their home country as infidels," he said. "If they have a chance, they will carry out attacks." The United Kingdom is already on high alert, raising its terror threat level from "substantial" to "severe" on Friday. Prime Minister David Cameron has proposed a radical new measure to ban Britons from coming home once they join jihadi ranks abroad. And the United States got a harsh reminder of ISIS' reach when Douglas McArthur McCain, a 33-year-old from the Midwest, became the first known American to be killed while fighting for ISIS. U.S. Defense Secretary Chuck Hagel has called ISIS "beyond just a terrorist group." "They marry ideology, a sophistication of strategic and tactical military prowess," he said last week. "This is beyond anything we have seen, and we must pre-

## Rouhani calls sanctions against Iran illegal and crime against humanity

(CNN) -- Iranian President Hassan Rouhani on Saturday called new U.S. penalties against firms violating sanctions against Iran illegal and a crime against humanity, the official Islamic Republic News Agency reported. "We should resist such an aggression with all might and power," Rouhani said at a news conference in Tehran, according to the news agency. "We consider some of the sanctions crimes against humanity. Definitely, we will resist any sanction."

pare for everything." ISIS may have wanted to show off its global reach by having a militant with a British accent front the videos of the beheadings of American journalists James Foley and Steven Sotloff. And that kind of tactic could also inspire more foreigners, the

His remarks come one day after the United States imposed new penalties against more than 30 individuals and companies, including banks, accused of providing U.S. dollar banknotes to Iran, supporters of Iran's missile and nuclear programs and sellers of Iranian oil, according to a U.S. officials. Several overseas airlines also were targeted for allegedly ferrying weapons and personnel to Syria in support of the Assad regime there.

**Continued on Page 59**

former ISIS fighter told CNN. "It is possible that the goal was to project the image that a European, or a Western person, executed an American so that they can showcase their Western members and appeal to others outside Syria and make them feel that they belong to the same cause."



# YOUTH

## Side By Side Squash & Farsi Program

(Ages 8-17)




Three courses: Persian/Farsi/Squash Pre-1, Persian/Farsi/Squash 1 and Persian/Farsi/Squash 2

Iranian Federated Women's Club/Payvand is teaming up with the Bay Club to offer Persian families an opportunity to learn more about the Persian culture through a fun and innovative program that will combine teaching Farsi with fitness and athletics.

\* 3 hours of instruction and practice including language/history, squash and Olympic.\*

\* An introduction to the language and culture of the Persian/Farsi speaking world. Basic speaking, listening, reading, and writing of Persian/Farsi. The main language of instruction will be in Persian/Farsi. (It major importance will be the language as an expression of culture. The language will reinforce pronunciation, grammar, proper word usage and conversation)

\* Squash and activities with dedicated supervisors and coaches. Squash is a fun and competitive indoor racket sport that will be taught as an expression of Olympic.\*

\* Olympic\* seeks to create a way of life based on the joy found in effort, the educational value of good example and respect for universal fundamental ethical principles.

\* Learn new skills, make new friends, and start the week working with others at the Bay Club!

DATE: Sundays: October 5- December 2014  
No class: November 9 & 30

TIME: 2:00 - 5:00 pm

COST: \$550.00 / 10 week session

CONTACT: 408.402.7650 or info.bcv@bayclubs.com

www.bayclubs.com

# کاباره رستوران ساقی

با بیش از ۱۵ سال سابقه، با افتخار از شما پذیرایی می کند!

عروسی ها، جشن ها و میهمانی های خصوصی خود را در سالن مجلل کاباره رستوران ساقی همراه با پذیرایی کامل با انواع غذاها و دسرهای لذیذ ایرانی برگزار کنید.

**رستوران ساقی مجهز به کادر ورزیده کیترینگ،**

**به جشنها و میهمانی های شما جلوه بیشتری می دهد!**

*Let us prepare our delicious food at your location so you can focus on your guests.*

**کیترینگ برای هفتاد نفر به بالا،**

**یک بره کامل، بطور رایگان، مهمان ما باشید!**

هفت روز هفته ناهار را با انواع غذاهای خوشمزه در رستوران ساقی میل کنید



**بوفه کامل ۸,۹۹ دلار**

**(408) 998-0122**

1392 S. Bascom Ave. San Jose, CA 95128 ♦ [www.saaghi.com](http://www.saaghi.com)



**Caroline Nasserri**  
Attorney at Law

# کارولین ناصری

وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا و فدرال

با بیش از ۲۵ سال تجربه

❖ تصادفات اتومبیل، موتورسیکلت و عابر پیاده

❖ صدمات شدید بر اثر تصادفات

❖ مرگ بر اثر تصادفات

❖ صدمات ناشی از حمله حیوانات

**1(800)525-6060**

دسترسی به معالجات پزشکی،  
بدون پیش پرداخت، در اسرع وقت

هیچگونه وجهی تا قبل از دریافت  
حقوق قانونی شما در امور تصادفات،  
از شما دریافت نخواهد شد!

**Tel:(408)298-1500**

e-mail: [cnasserri62@yahoo.com](mailto:cnasserri62@yahoo.com)

**Fax:(408)278-0488**

Website: [carolinenasserilaw.com](http://carolinenasserilaw.com)

**675 North First Street, San Jose, CA 95112**